

# بشارات جانفزا

"منتخباتی از پیام‌های بیت‌العدل اعظم الهی

خطاب به اجنای مهد امرالله"



Bahá'í Publications Australia  
P.O. Box 300  
Bundoora, Vic. 3083  
Australia

## مقدمه

بشارات جانفزا مجموعه نفیسی است از پیام‌های منیعه بیت‌العدل اعظم الهی خطاب به یاران و یاوران مهد امرالله. این مجموعه متشکل از نه پیام خطاب به احتبای ایرانی مقیم اقالیم و بلاد خارجه در شرق و غرب، صادره بین سالهای ۱۳۴ بدیع (۱۹۷۷ میلادی) و ۱۵۴ بدیع (۱۹۹۷ میلادی) می‌باشد. علاوه بر این پیامها، دو پیام دیگر معهد اعلی هم به جهت اطلاع و تذکر عزیزان مهد امرالله مندرج گردیده که مخاطب آنها دلدادگان جمال کبریاء در کشور ایرانند.

در ضمن این پیامها، بیت‌العدل اعظم یاران و یاوران ایرانی را به وظائف خطیره خود و انتظارات معهد اعلی از هموطنان جمال اقدس ابهی متذکر می‌دارد و به لحنی گویا و قاطع وضع آشفته عالم پر آشوب کنونی و نقش حیاتی آن منجیان عالم انسانی را تشریح و تأکید می‌فرماید. امید و طید آنست که با مطالعه این پیامهای منیعه آن سرگشتگان صحرای محبت‌الله بتوانند بیش از پیش به علو مقامشان و عظمت اعمالشان واقف گردیده و در سبیل خدمت آستانش به توفیقات مهمه‌ای نائل گردند و در عالم بقاء فیض حضور یابند، از صهبای سرور نوشند و از ثمره حیات برخوردار گردند.

محفل روحانی ملی بهائیان استرالیا

بشارات جانفزا  
"منتخباتی از پیام‌های بیت‌العدل اعظم الهی خطاب به احتبای مهد امرالله"  
ناشر: مؤسسه ملی مطبوعات امری استرالیا  
تایپ کامپیوتری: شیوا دهقان  
طرح روی جلد: فیضی دیزاین - استرالیا  
چاپ اول  
۱۵۸ بدیع - ۲۰۰۲ میلادی  
شماره بین‌المللی ۱۸۷۶۳۲۲۱۳۶

## فهرست پیامهای مندرجه

- ۱- شهرالعلاء ۱۲۲ بدیع (مارس ۱۹۶۵ میلادی) صفحه ۷  
"یاران و یاوران امر الهی در کشور مقدّس ایران ملاحظه فرمایند"
- ۲- اول شهرالنور ۱۳۴ بدیع (۵ جون ۱۹۷۷ میلادی) صفحه ۱۶  
"احباء عزیز ایرانی در بلاد غریبه ملاحظه فرمایند"
- ۳- ۹ شهرالعزّة ۱۳۵ بدیع (اکتبر ۱۹۷۸ میلادی) صفحه ۲۱  
"پیام بیتالعدل اعظم خطاب به پیروان جانفشان جمال قدم  
جلّ جلاله در کشور مقدّس ایران"
- ۴- ۴ شهرالملک ۱۳۶ بدیع (۱۰ فوریه ۱۹۸۰ میلادی) صفحه ۲۸  
"بهائیان عزیز ایرانی مقیم ممالک و دیار سائره در جمیع  
اقطار ملاحظه فرمایند"
- ۵- شهرالاسماء ۱۳۸ بدیع (آگوست ۱۹۸۱ میلادی) صفحه ۳۸  
"آوارگان صحرای محبّةالله ، احباء ایرانی مقیم بلاد غریبه  
ملاحظه فرمایند"
- ۶- شهرالشرف ۱۴۱ بدیع (ژانویه ۱۹۸۵ میلادی) صفحه ۴۷  
"احبای عزیز ایرانی مقیم اقالیم و بلاد خارجه در شرق و غرب"
- ۷- ۱۶ شهرالعزّة ۱۴۲ بدیع (۲۳ سپتامبر ۱۹۸۵ میلادی) صفحه ۵۶  
"محفل مقدّس روحانی ملّی بهائیان استرالیا شیدالله ارکانه"

۸- شهرالبهاء ۱۴۳ بدیع (مارس ۱۹۸۶ میلادی)  
"یاران عزیز مهد امرالله در جمیع بلاد عالم"

صفحه ۵۸

۹- شهرالکمال ۱۵۰ بدیع (آگوست ۱۹۹۳ میلادی)  
"پیروان اسم اعظم از کشور مقدس ایران در سراسر جهان"

صفحه ۶۷

۱۰- شهرالعلاء ۱۵۱ بدیع (۱۴ مارس ۱۹۹۵ میلادی)  
"ترجمه دستخط دارالانشاء بیت العدل اعظم الهی"

صفحه ۸۲

۱۱- شهرالبهاء ۱۵۴ بدیع (مارس ۱۹۹۷ میلادی)  
"پیام نوروز ۱۵۴ بدیع خطاب به بهائیان ایرانی"

صفحه ۸۴

شهر العلاء ۱۲۲

مارس ۱۹۶۵

## یاران و یاوران امر الهی در کشور مقدس ایران ملاحظه فرمایند:

ای مقربان حضرت کبریا کشور مقدس ایران مطلع شمس حقیقت در این دور اعظم است و مطمح نظر احباء جمال قدم در سراسر عالم . یاران آن اقلیم که مقیم کوی جانانند عزیز دو جهانند و مغبوط و منظور جهانیان . در بزم انس ساقیان جانفشانند و در حرم قدس معتکفان آستان . رافعان علم هدایتند و منادیان امر حضرت احدیت خدمات عظیمه مستمره‌شان در عقود و عهود متوالیه تاریخ امر ابهی هرگز از بسیط غربا محو نگردد چه که قلم اعلی به ذکر محامد و مناقبشان متحرک و الواح مبارکه مرکز میثاق به تمجید خدماتشان ناطق و تواقع منیره مصدر ولایت عظمی بر علو مقامشان شاهد .

ملاحظه آن همه موهبت و عنایت در حق آن عزیزان و مشاهده آثار هم عالیه مستمره آن یاران این خادمان آستان را مکلف و موظف سازد که خالصاً لوجه الله و حفظاً لمقاماتکم فی امرالله بترقیم این سطور پردازد و از قلوب صافی منیرتان استمداد جوید که توجهی مخصوص به این اوراق مبذول فرمایند و تمنیات این جمع مشتاق را بسمع قبول بشنوند تا انشاءالله به امدادات غیبیه ملکوت ابهی کل دست بدست هم دهیم و در عبودیت آستانش شریک و سهیم یکدیگر شویم و بارتفاع لواء هدایتش حباً لجمال و طلباً لمرضاته موفق و مؤید شویم .

ای یاران رحمانی عالم انسانی بشهادت تعالیم یزدانی در این روزگار به ابتلاآت و انقلابات متنوع دچار است و به تحولات و تلوتات بیشمار

گرفتار. مبادی سقیمه مخربه مدنیته مادیه در اوج و اعتلا است و بشر  
بیخبر از خدا در پنجه حیرت و استکبار پریشان و مبتلا.

چراغ دین بی نور است و کوکب هدایت در ظلمت ضلالت مستور و بیانات  
مبارکه الهیه کلّ مبین امور.

از جمله این آیات باهرات است که تقریباً یک قرن قبل از قلم اعلی نازل  
قوله الاحلی:

«عالم منقلب است و انقلابات او یوماً فیوماً در تزايد و وجه آن بر غفلت و  
لامذهبی متوجه و این فقره شدت خواهد نمود و زیاد خواهد شد بشأنی که  
ذکر آن حال مقتضی نه و مدتی بر این نهج ایام می رود و اذا تم المیقات  
یظهر بغتة ما ترتعد به فرائض العالم اذا ترتفع الاعلام و تغرد العنادل  
علی الافان»

و نیز می فرماید قوله عزّ بیانه:

«دین نوری است مبین و حصنی است متین از برای حفظ و آسایش اهل  
عالم چه که خشیتة الله ناس را به معروف امر و از منکر نهی نماید. اگر  
سراج دین مستور ماند هرج و مرج راه یابد.»

این است که الیوم ملاحظه می شود که «آسایش اهل عالم» مفقود است و  
پریشانی و سرگردانی در جمیع شئون زندگانی مشهود. در عالم سیاست و  
اقتصاد و تجارت و زراعت و علم و ادب و هنر و صنعت چنان عنان  
گسیختگی و هرج و مرج راه یافته که دانایان جهان از چاره اش ناتوانند و  
از عواقب مدهشه غالبه اش حیران و هراسان.

علوم و فنون عصریه که خود از تصرفات آفاقیه این امر اعظم است چون از  
روح الهی محروم مانده جسمی بیجان گشته و روی بتجزی و تلاشی نهاده.  
رسوم موهوم و عقاید بالیه مستولیه ادیان عتیقه که به افکار دنیّه بشریه و  
امیال اهل هوس ممزوج و ملوث گردیده جهانیان را بکلی از مبادی معنویّه  
روحانیّه دور ساخته و مغرور و مرعوب و محکوم تمدنی نموده که اساسش  
صرفاً بر موازین مادی استوار است و از تأیید نفثات روح القدس محروم و

برکنار.

در این میان بشر غافل مبهوت و سرگردان نه ملجای یابد و نه پناهی  
شناسد و نه این حیات موقت را معنایی بیند لهذا دل بدریا زند لاابالی  
گردد بی پروایی جوید و با شرب مسکرات و استعمال مخدرات و ارتکاب  
منهیات راه مستی و فراموشی سپارد و نام آن جمله را تجدّد و تمدّن  
گذارد.

بدیهی است چنین نوهوسانی مردم فرزانه را کسانی دانند که اعتقاد به عوالم  
الهی را استهزا کنند و دین را متعلق به ادوار پیشین دانند و اساطیر اولین  
شمارند. نفس پرستی و تن آسانی در این جهان فانی و تنازع بقا و طمع  
به مال و شئون دنیا غایت قصوی و مقصد اعلاء اکثر مردم این روزگار است  
لهذا در راه وصول این آمال هیچ منکری را منکر نگردند و هیچ شری را  
مضرّ نشمرند. در حسرت دینار و درهم بیقرار و در هم شوند و در کسب  
قدرت و ثروت و نام به هر ننگ و عار تن در دهند.

هر دمی به دامی افتند و هر نفسی پی هوسی روند. حال ملاحظه فرمائید  
که در این ورطه تاریک موقف بهائیان عزیز چقدر پر خطر و باریک است  
زیرا از جهتی باید لطمات مستمره این سیل جارف مدنیته مادیّه را مقاومت  
و از خود محافظت نمایند و از طرفی در آن طوفان هول انگیز قواعد قصر  
مشید جهان افروزی را برافرازند که ملجاء بشر سرگردان است و کافل  
سعادت دو جهان. مرکز مدنیته آسمانی است و بانی وحدت عالم انسانی.  
اجراء چنین وظیفه خطیره عظیمه ای ممکن نگردد جز به تأییدات ملاء اعلی  
و این تأییدات غیبیه احاطه نفرماید جز به عزم راسخ و قیام مردانه اهل  
بهاء و این عزم و قیام به ثمر نرسد جز بعمل به موجب تعالیم مقدسه  
مبارکه و تمسک بذیل اطهر امرالله. جمال قدم جلّ اسمه الاعظم می فرماید  
قوله الاحلی:

«جنود منصوره در این ظهور اعمال و اخلاق پسندیده است و قائد و  
سردار این جنود تقوی الله بوده اوست دارای کلّ و حاکم بر کلّ»

اهل بهاء که در این جهاد معنوی در ظلّ علم مقعود اسم اعظم وارد میدان مجاهدت گشته‌اند اگر از آن «جنود منصوره» یعنی اعمال و اخلاق پسندیده استمداد نجویند چگونه لشکر جرار ظلمت و ضلالت را مقابله توانند و اگر بشرط ایمان که به فرموده مبارک « هوانتقلل فی القول و التکثر فی العمل » است قائم نباشند چگونه در خیل جنود نجات راه یابند .

اگر تعالیم الهیه را در حیث شهود جلوه نبخشند و در حیات روزمره خویش منعکس نسازند چگونه انتساب حقیقی به سلطان حقیقت جویند و دعوی اصلاح عالم کنند .

حیف است که تقلید سیّئات اهل غرب که از امراض مزمنه ممالک متأخره است جامعه یاران آن کشور را مبتلا نماید و جامعیت و قدرت و اصالت تعالیم الهیه را در حجاب غفلت و ضلالت پیوشاند بلی قلم اعلی شهادت داده که «امروز آفتاب صنعت از افق آسمان غرب نمودار و نهر هنر از بحر آنجهت جاری» لهذا یاران آنچه از کمالات و فضائل ملل غریبه اقتباس نمایند ممدوح است و مطلوب ولیکن به شرط آنکه از حدّ معین تجاوز نکنند و مبادی قیمه سامیه امر اعظم را فدای تقالید سخیفه نگردانند و این انذار محبوب عالم را هرگز از نظر دور ندارند قوله عزّ بیهانه:

« براستی می‌گویم هر امری از امور اعتدالش محبوب چون تجاوز نماید سبب ضرّ گردد . در تمدن اهل غرب ملاحظه نمائید که سبب اضطراب و وحشت اهل عالم شده » انتهى

بلی مسلک ما مسلک اعتدال است و تمسک بذیل امر غنی متعال . و افراط و تفریط از مظاهر این تمدن رو به زوال و بالمآل موجب خسران و وبال . ملاحظه نمائید که ماده پرستی و حرص و آز و تعقیب منافع آنی و انهماک در شهوت نفسانی عالم سیاست را چگونه جولانگاه ارباب کید و تزویر نموده و اقتصاد و تجارت را چگونه مانع تعدیل معیشت و توزیع عادلانه ثروت کرده و علوم عالیه را چگونه از محور مطلوب و سعادت و سلامت اقوام و ملل دور ساخته و موجبات خرابی و دمار بشر را بوجود آورده و

بالاخره ملاحظه فرمائید حرّیت مفرطه چگونه انسان را به رتبه حیوان تنزل داده و انعکاس مظاهر کریهه‌اش چگونه چهره شعر و ادب و موسیقی و هنر و صنعت را مکدر و منفور ساخته و تأثیرات مهیبه‌اش چگونه بنیان خانواده را که اسّ اساس جامعه انسانی است متزلزل نموده . حتی یک نظر در امور جزئیّه ثانویه از قبیل نشست و برخاست و خوراک و پوشاک و تعلق به زخارف بی‌مایه و تظاهر به تجملات بی‌پایه و تفاخر و رقابت با همسایه معلوم دارد که اساس اعتدال در جامعه بشریه بکلی مفقود است و معدوم . اما پیروان جمال مبارک که پرورده ید عنایتند باید از این عوالم بیزاری جویند آیت انقطاع و تجرید شوند و جوهر تنزیه و تقدیس مطلع صفات رحمانی گردند و مظهر سوحات روحانی جان و وجدان را به پرتو عرفان و ایقان روشن سازند و خویشان را از جمیع مهالک ناجحاً مظفراً نجات بخشند چه که می‌دانند بفرموده حضرت بهاءالله جلّ ثنائه:

« فخر انسان در حکمت و عقل و اخلاق حسنه بوده نه در جمع زخارف و کبر و غرور کل از تراب مخلوق و به او راجع ای اهل بهاء زینت انسان به اسباب دنیا نبوده بلکه عرفان حقّ عزّ اعزازه و علوم و صنایع و آداب بوده . . . »

آیه کریمه «کونوا قدوةً حسنةً بین الناس و صحیفهً یتذکر بها الأناس» مناسب حال است و بیان مبارک «فضل الإنسان فی الخدمة و الکمال لا فی الزینة و الثروة و المال» شاهد این مقال .

اگر دوستان عزیز روحانی در بحر زخار کلمات الهیه غور فرمایند البته در هر آئی به استخراج جواهر معانی توفیق یابند و به غنای حقیقی که رضای الهی و حیات ابدی است فائز گردند .

مولای قدیر مهربان یاران عزیز ایران را به چنین خطاب جان‌پروری مخاطب فرموده قوله الاحلی:

« یاران برگزیده ایران باید نظر به پستی محیط خود و دنو اخلاق و سوء رفتار نفوس در حول خود ننمایند و راضی به امتیاز و تفوق نسبی نگردند

بلکه باید نظر را به اوج مرتفع نمایند و نقطه نظرگاه را تعالیم و نصایح قلم اعلی قرار دهند آنوقت معلوم شود که هنوز از برای کل در وادی سلوک مراحل عدیده باقیمانده و طی مسافت نکرده بسر منزل مقصود که تخلق به اخلاق و شیم الهیه است هنوز وارد نگشته‌ایم پس ما که سالکان سبیل نجاییم باید به تمام قوی بکوشیم تا در مجالسات و مکالمات و معاملات و مشاغل و مقاصدمان با تمام طبقات نفوس در امور جزئی و کلی در هر دقیقه و آنی آن روح مودعه در تعالیم حضرت بهاءالله را بفعل اظهار و اعلان و اثبات کنیم و چنان جلوه نمائیم که بر کل ثابت گردد که جز قوه جامع روح حضرت بهاءالله هیچ امری دیگر تقلیب ماهیت نماید و خلق جدید نکند اینست یگانه اسباب نجات و ظفر الهی «

قلم میثاق به اصرح بیان و افصح کلام تکلیف یاران را چنین معین فرموده قوله عزّ بیانه:

« بهائیان باید نظر به این امر دقیق نمایند که مانند سایر ادیان به عریده و های و هوی و لفظ بیمعنی کفایت ننمایند بلکه به جمیع شئون از خصائل و فضائل رحمانی و روش و رفتار نفوس ربّانی قیام کنند و ثابت نمایند که بهائی حقیقی هستند نه لفظ بیمعنی. و بهائی این است که شب و روز بکوشند تا در مراتب وجود ترقی و صعود نمایند و نهایت آرزوی هر یک این باشد که نوعی روش و حرکت نماید که جمیع بشر از آن مستفیض و منور گردند و نقطه نظرگاهش همواره خلق و خوی حق باشد و روش و رفتارش سبب ترقیات نامتناهی گردد چون به این مواهب موفق شود می‌توان گفت که بهائی است و الا در این دور مبارک که فخر اعصار و قرون است ایمان عبارت از اقرار به وحدانیت الهیه نه بلکه قیام به جمیع شئون و کمالات ایمان است. »

ای برادران عزیز و خواهران روحانی در این حیات موقت فانی اگر در ظلّ مددود امر حضرت مقصود نیاریم دیگر چگونه روی راحت و آسایش بینیم اگر گنج ایمان را در خزانه دل محافظت ننمائیم دیگر چه غنایی و چه

اعتباری یابیم زیرا به شهادت قلم میثاق « این زندگانی عالم فانی در اندک زمانی منتهی گردد و این عزّت و ثروت و راحت و خوشی خاکدانی عنقریب زائل و فانی شود » لهذا یاران رحمانی آنچه دارند و آنچه جویند باید برای امر مبارک خواهند عزّت و شوکت و غنا و ثروت و ضیاع و عقار و علم و صنعت کلّ در نظر احبای عزیز وسیله عبودیت آستان الهی است نه هدف اصلی و مقصد غائی اگر این مراتب و شئون در سبیل خدمت امر مبارک و تأسیس ملکوت الهی و خدمت عالم انسانی بکار رود زهی سعادت و نعم المراد و الا ویاال گردن است و اسباب گرانباری و محرومیت. ملاحظه در علوم ظاهره فرمائید اگر از عرفان حق محروم ماند حجاب اکبر گردد و بالعکس اگر اصحاب علوم بمعرفت حق فائز گردند مصداق این بیان مبارک گردند «طوبی لکم یا معشرالعلماء فی البهاء تالله انتم امواج البحر الاعظم و انجم سماء الفضل و الویة النصر بین السموات و الارضین »

و یا در ثروت ظاهره ملاحظه فرمائید که به اعتباری هم آتش سوزان امتحان و افتتان است و هم اسباب قرینت یزدان قوله عزّ بیانه:

«ای مغروران به اموال فانیه بدانید که غنا سدی است محکم میان طالب و مطلوب و عاشق و معشوق. هرگز غنی بر مقرّ قرب وارد نشود و به مدینه رضا و تسلیم در نیاید مگر قلیلی پس نیکوست حال آن غنی که غنا از ملکوت جاودانی منعی ننماید و از دولت ابدی محرومش نگرداند قسم به اسم اعظم که نور آن غنی اهل آسمان را روشنی بخشد چنانچه شمس اهل زمین را» به همچنین سائر شئون ظاهره عالم امکان نیز همین حکم را دارد زهر هلاهل چون به معرفت طیب کامل بکار رود شفای عاجل گردد و اگر بدست جاهل افتد سم قاتل شود. پس پیروان جمال مختار باید هر ذکر و فکری را جز امر مبارکش فراموش نمایند و خالصاً لوجه الله در سبیل عبودیتش قدم گذارند و در جمیع احوال محک تعالیم الهی را میزان اتمّ و اقوم شمارند تا خیر بینند و به سعادت حقیقی نائل گردند قلم اعلی می‌فرماید:

« ذرات کائنات گواه بوده و هست که در جمیع احوال عباد را بما یرفعهم امر نمودیم و از آنچه سبب پستی و ذلت بوده نهی کردیم .

مقصودی جز ارتفاع کلمة الله و اصلاح عالم و نجات امم نبوده و نیست » و نیز می‌فرماید :

« باید در کلّ حین به اوامر و نواهی الهی ناظر باشند اوامرش حصن اعظم است از برای حفظ عالم و صیانت امم نوراً لمن اقرّ و اعترف و ناراً لمن ادبر و انکر »

و نیز می‌فرماید :

« و اما ما سئلت فی اوامر الله فاعلم بأن کَلِّمًا حَدَدَ فی الکتاب حقّ لاریب فیه و علی الکَلِّ فرض بأن یعملوا بما نَزَلَ من لدن منزل علیم و من ترکه بعد علمه انّ الله بریّ عنه و نحن برآء منه لأنّ الاثمّار الشجره هی اوامرہ ولن یتجاوز عنه الا کلّ غافل بعید »

علی‌الخصوص جوانان عزیز که هر یوم در معرض استهزاء مستکبرانند و هدف تیر ملامتگران باید به جوشن ایمان و عرفان مجهز گردند و بر توسن اطمینان نشینند و به میدان عبودیت جولان دهند . سلاح صلاح برگیرند و صلاهی حیّ علی الفلاح و حیّ علی النّجاح به مسامع اهل عالم رسانند و به سیف حکمت و بیان و سپر تقوی و انقطاع بر صفوف نفس و هوی تازند و جنود تقالید و اوهام را متواری سازند و در قطب آفاق علم هدایت کبری برافرازند .

در این سیل امتحان تن به موج خروشان سپردن و در جهت آب رفتن کاری سهل و آسان است و ساخته از هر ناتوان ولیکن مردان دلاورند که در مخالف امواج شناورند آن تن آسانی و ضعف و ناتوانی ما را به ورطه فنا کشاند و این دلیری و چالاکی به ساحل بقا رساند در حقّ آن آیه کریمه «لیس هذا مقام یدخل فیه کلّ جبان موهوم» صادق و در مقام این « تالله هذا مضمار المکاشفه و الانقطاع و میدان المشاهده و الارتفاع لایجول فیه الآفوارس الزّحمن » ثابت . آن وادی عدم و ذلت و پستی است و این بساط

باقی و ساحت هستی .

پس ای دوستان باوفا مقام و منزلت رفیع خویش را قدر دانید و خلعت «و یختصّ برحمته من یشاء» را که فضلاً من عنده بردوش دارید به غبار آرایش این خاکدان ترابی مکدر مسازید و گوهر گرانبهای ایمان را که ید مشیت رحمن در صدف آن اقلیم پرورده و به بازار جهان عرضه فرموده به خزف و مهره‌های رنگین و ظاهر فریب این مدنیت کاذبه مادیه مفروشید که در این معامله مغبون گردید .

ایران بفرموده مرکز میثاق « به یرتو بخشش خداوند مهربان ترقی عظیم نماید و جنّة النعیم گردد بلکه امید چنین است که در آینده غبطه روی زمین شود و نفعه مشکین ایران خاور و باختر را معطر نماید . » کلّ آرزومند بل منتظر و مترصدیم که آثار تحقق این وعود مبارکه بر اثر هم عالیه و روحانیت و نورانیت آن معاضدان وفادار هر چه زودتر ظاهر و آشکار گردد و باعث سرور و افتخار شود . این است ادعیه قلبیه این خادمان آستان در این جوار پر انوار .

بیت العدل اعظم



### احباء عزيز الهی در بلاد غریبه ملاحظه فرمایند

ای هموطنان جمال مبارک این چه مرتبتی است و این چه فضل و موهبتی که منسوب به آستان مقدسیم و به برکت این نسبت به هر نعمتی مخصص . از شهر جانانیم و شمع شبستان یزدان . بی نام و نشان بودیم شهره جهان گشتیم مفقود و بینوا بودیم عزت جاودان یافتیم . و این از وعود صریحه الهیه است که روزی آید که شمس حقیقت از جمیع آفاق اشراق نماید و بفرموده مرکز میثاق:

« در هفت اقلیم آهنگ سبوح قدوس رب الملائکه والروح بلند گردد و خیمه وحدت عالم انسانی در قطب جهان بلند شود . . . شرق و غرب با یکدیگر عشق بازو و به انس و الفت پردازد و این مژده گوشزد آفاق گردد و این اشراق خاور و باختر را روشن و منور نماید .»

ای یاران در این صبح نورانی که انوار اولیه آن وعود الهیه بر بلاد غریبه تابیده و امرالله در ممالک متمدنه متعدده استقرار پذیرفته الحمدالله احبای عزیز ایران در آن سامان بر مسند عزت نشسته اند و شمع انجمن روحانیان گشته چه که شجره وجودشان در موطن اسم اعظم بالیده و نیشان فضل الهی بر شاخ و برگشان باریده لهذا مقبلان نو رسیده در آن بلاد کل دیده بر ایشان دوخته اند تا در وجودشان آیت جلال و جمال و نشان عز و وقار دوست ملاحظه گردد لهذا حفظاً لمراتبکم و مقاماتکم این جمع مشتاق خود را موظف می داند که آن یاران ارجمند را به تذکر نکاتی چند مخاطب سازد .

اول امری که باید آن عزیزان منظور فرمایند آنکه به هر مقصد و به هر جا

که رفته باشند باید فکر و ذکرشان در وهله اولی اعلاء کلمه الله و خدمت امرالله باشد و شئون دیگر چون کسب و تجارت هر چند بحد اعتدال لازم و مفید است ولیکن نباید مقدم بر مقصد اعلی و عبودیت آستان جمال اهی محسوب گردد و الا چه فایده که انسان از کشوری به کشوری صرفاً در پی راحت و آسایش رود یا به جهت مقاصد و مصالح شخصی دیگر اقامت جوید و عمری را به غیر رضای حق بگذرانند و چند روزه حیات را مصروف خور و خواب سازد و در پی سراب رود و از کسب سعادت ابدیه محروم ماند تجارتی که خسارت ندارد عبودیت آستان مبارک است متاعش عشق جانان است و سرمایه اش نقد دل و جان است و بازارش سعادت دو جهان . خریدارش طالب حقیقت است و سود شایگانیش رضای حضرت احدیت و چون با چنین نیتی حرکت نمایند و قدم در میدان نهند باید بدانند که مقتضیات این کشورها در بلاد غرب از اکثر جهات با مقتضیات محیط ایران تفاوت شایان دارد نباید انتظار داشته باشند که مردم ممالک دیگر چه بهائی و چه غیربهائی طرز فکر و آداب و رسومشان عیناً موافق و مطابق مردم ایران باشد اگر اهل ممالک دیگر را با موازین خویش که مخلوق محیط و طبیعت مخصوصی است قیاس کنند البته ناهنجار و ناملایم افتد . پس باید به هر جا که سفر نمایند و استقرار جویند مقتضیات محل را در نظر بگیرند و سعی نمایند که خود را انطباق با مقتضیات جدید دهند که مبدا نادانسته کاری شود که باعث استیحا ش نفوس گردد . البته امر مبارک در مبادی عالیّه کلیّه در همه جا یکسان است ولیکن در شئون ثانویه و آداب و رسوم قومیه مردم هر دیار متفاوتند یعنی در امر الهی وحدت در کثرت به این صورت جلوه نماید که اهل بهاء در اصول کلیّه متحد و در فروع ثانویه متنوع و متفاوت باشند .

باغی که در ظل یک باغبان ماهر پرورش یابد و از رشحات یک سحاب تازه و شاداب شود و از یک جویبار سیراب گردد آرایشش به گلهای رنگارنگ و اشجار گوناگون است . لهذا اگر رابطه خویش را با جامعه های بهائی آن

ممالک بر چنین اساسی قرار دهند نکته چینی و خرده بینی که آتش حرارت جامعه‌ای را بیفسرد فراموش شود و بسیاری مشکلات که مولود اصطکاک و تضادهای غیر ضروری است مرتفع گردد .

نکته مهم دیگر آنستکه در بعضی از موارد احبای عزیز ایرانی که وارد جامعه‌های دیگر می‌گردند متوجه نیستند که در این عصر تکوین ، امر مبارک در بسیاری از ممالک در شرف تأسیس است و به حکمت الهی و به اوامر صریحه مبارکه بعضی از احکام کتاب الله که فعلاً در ایران و بلاد شرقیه مجری است هنوز وقت اجرایش در ممالک مغرب زمین نرسیده از این جهت از احبای نورسیده غربی توقع مالایطاق داشتن و باب ملامت به رویشان گشودن مخالف دستورات مبارکه است . اصولاً یاران طبق تعلیمات مبارکه نباید پاپی نفوس شوند و دخالت در امور شخصیه یکدیگر نمایند بلکه باید با حلم و مدارا و خطاپوشی و محبت و صفا با یکدیگر معامله نمایند مظهر رأفت کبری باشند و به لسان شفقت جذآب قلوب اصفیاء گردند .

همچنین باید از هر امری که عمومیت آئین نازنین بهائی را مستور دارد احتراز فرمایند زیرا امر مبارک شجره لاشرقیه و لاغریه است و اختصاص به اقلیمی و قوم و طایفه‌ای ندارد و باید اصالت و جامعیت آن بر کل واضح و هویدا باشد .

لهذا یاران ایران علاوه بر مساعی جمیله شخصیه خویش در بلاد خارجه باید مشوق یاران غربی و محلی در خدمات تبلیغی و اداری باشند و آنان را ترغیب نمایند و به پیش اندازند و خود حتی المقدور در پس پرده به تمهید وسائل و تسهیل امور پردازند یعنی چون نسیم صبا باشند که ناپیدا و پنهان است ولیکن باعث جنبش باغ و بوستان .

دیگر آنکه چون مقصد اصلی از اقامت در ممالک خارجه خدمت امرالله در آن ممالک باشد البته احبای عزیز ایران حتی الامکان از جمع شدن در یک نقطه پرهیز نمایند شمع روشن اگر در یک انجمن بدرخشد نور و حرارت

بخشد و اگر چند شمع در یک جمع کنار هم بسوزند یکدیگر را ذوب نمایند و اشک حسرت ریزند و انوارشان به هدر رود و قامتشان خمیده گردد .

بارها به تجربه رسیده که در محافل و مجامعی که عده‌ا غلبه با ایرانیان است چه بسا مشکلاتی روی دهد و کار تبلیغ را به تعویق اندازد و حال آنکه هر محفلی یا ضیافتی یا جلسه‌ای که در آن صفحات تشکیل گردد در وهله اولی متعلق به اهل آن مملکت و برای خدمت به مردم آن کشور است پس اولاً باید کوشید که جز در موارد استثنائی که محافل ملیه هر کشور موقتاً جهت تشکیل محفلی یا به علل دیگری اجتماع چند عائله ایرانی را در یک نقطه جائز دانند از اجتماع در یک محلی پرهیزند .

و ثانیاً ولو معدودی از احباء محلی در مجلسی حاضر باشند که اکثریت با ایرانیان باشد باید جمیع آن مجلس و محفل را حول نفوس محلی دوران بخشند و خود را فراموش نمایند و چون شهد و شکر در مجامع یاران هر محل بیامیزند بنحوی که بینوتی میان ایشان و احبای محلی نماند .

دیگر آنکه موقف یاران در آن بلاد در مورد تربیت اطفال و جوانان بسیار دقیق است زیرا از طرفی آرزوی هر پدر و مادر بهائی ایرانی آنکه جگرگوشگان با لسان الواح مبارکه آشنا باشند و با قلت وسائل به تعلیم زبان فارسی همت گمارند و از طرف دیگر در محیطی که غالباً ماده پرستی و لامذهبی حاکم گردیده باید اطفال و جوانان را به روح ایمانی پرورش دهند و آنان را محافظت فرمایند در این سبیل باید متوجه باشند که هم تعصب و تصلب که رائج در بسیاری از جوامع شرقی است مذموم است و هم حریت مفرطه که ما به الابتلاء اکثر مردم مغرب زمین است مقدوح . باید یاران علی‌الخصوص جوانان خلق بدیع شوند و از مضرات عادات و افکار مفرطه شرق و غرب هر دو در کنار باشند بالعکس آداب ممدوحه هر یک را اقتباس نمایند و به فضائل و مکارم اخلاق به موجب تعالیم الهیه متخلق شوند تا کل شهادت دهند که بهائیان از هر کشور و در هر جا که باشند

۹ شهر العزّة ۱۳۵

اکتبر ۱۹۷۸

## پیام بیت العدل اعظم خطاب به پیروان جانفشان جمال قدم جلّ جلاله در کشور مقدّس ایران

ای پروردگان مهد هدایت کبری عالم امکان منقلب است و اهل عالم هر آن به مصیبت و بلایی جدید گرفتار. آتش فتنه در جهان برپاست گاهی بر خاور زند و گهی بر دامن باختر آویزد. زمانی در کشوری شعله زند و وقتی قوم و قبیله‌ای را در کام کشد. خلق بیچاره ندانند که این آتش از کجا خیزد چه که ابصار اهل ضلال از دود غفلت و استکبار مرمود است و راه چاره نزدشان مفقود. لهذا مضطربند و پریشان و مأیوسند و سرگردان. اما اهل بهاء که به عنایت الهی اکلیل ایمان بر سر دارند و رداء اطمینان در بر، از حوادث این جهان خائف و هراسان نشوند و ما وقع را کلاً منطوق کتاب مرقوم و تحقق وعد و وعید جمال قیوم دانند. یعنی چون شمس نباء عظیم در «یوم یناد المناد من مکان قریب» از افق ایران درخشید و فجر ظهور کلی الهی در آن کشور دمید معدودی چون مرغان سحر به مبارکباد صبح هدی شتافتند و به نغمه وفا بذکر و ثنا پرداختند و از جام صبحی عیش مهنا ساختند ولیکن جمهور خلائق که در فراش انکار و اعراض به خواب غفلت دمساز بودند از آن نشاط و تغنی و پایکوبی اهل راز در فجر ظهور جمال بی‌نیاز برآشفند و دشنام و ناسزا گفتند و به زجر و عتاب و حبس و عذاب پرداختند زیرا نمی‌خواستند که از بستر راحت بدر آیند و در طلوع «یوم یقوم الناس لزب العالمین» به مشاهده انوار و مجاهده در سبیل حضرت کردگار پردازند. غافل از اینکه هر چند سحرخیزان و صبحی‌زدگان بزم محبت را زجر و ملامت کنند خورشید عالمتاب را از

از دیگران ممتازند باید چون شجره طیبه در حدیقه وفا چنان ریشه دوانند که از گزند باد و طوفان در امان باشند و الا چون برگ خزان ناتوان بودن و دستخوش هر باد که از شرق یا غرب وزد گردیدن شأن نونهالان بوستان حقیقت نیست باید به هر وسیله تشبث جست تا انشاءالله یاران ایران علی‌الخصوص جوانان بهائی ایران در آن کشورها محفوظ مانند و در عین تقدّم و تمدّن، علم تقدیس افزایند و به موجب نصائح قلم اعلی رفتار نمایند.

ای عزیزان حق امید چنانست که هر یک سبب نورانیت کشوری گردید و در خدمت و عبودیت آستان الهی پیشقدم باشید و بر دیگران سبقت بگیرید و طریق همت پیمائید و به ثبوت رسانید که کرم و سخاء و بزرگواری از خصائل ذاتی آن عزیزان است و همت و جانفشانی و فداکاری میراث روحانی اهل بهاء در کشور مقدّس ایران. اینست انتظار و آرزوی ما بل جمیع اهل بهاء از آن یاران باوفا.

با تقدیم تحیات بهیّه

بیت العدل اعظم

جلوه و سطوح ممنوع نتوانند و از ارتفاع و انتشار انوار باز ندارند . اینست که ملاحظه فرموده‌اید تتابع و استمرار محن و بلایا در آن دیار و حبس و نفی و کشتار هزاران عاشق شیدای طلعت دلدار ، آئین حضرت کردگار را از اتساع و انتشار باز نداشت بلکه برعکس نتیجه بخشید . هر قطره خونی که در راه خدا بر خاک ریخت در اصول و عروق شجره طیبه الهیه جریان و سریان یافت و رشد و نموش را تسریع و تشدید نمود . در توقیعات منیعه ولی عزیز امرالله کراراً زیارت کرده‌ایم که چگونه بفرموده مبارکش « در ببحوحه انقلاب آثار نصرت و ظفر نمودار و در اثر هر محنت و ابتلایی فتح و انتصاری جدید آشکار و جلوه‌ای بدیع و تثلثی شدید پدیدار » و همچنین « هر انقلابی که دست دشمن ستمکار در جامعه پیروان امر کردگار احداث نمود علت استحکام اساس و اسباب اشتها و باعث اتساع و مورث انتصار امر الهی گشت » بحدی که امروز در ازید از هشتاد هزار مرکز بهائی خیل عاشقان جمال ابهی که مرکب از نمایندگان بیش از یکهزار و ششصد و چهل نژاد از اجناس و اقوام مختلفه عالمند ، در ظل اسم اعظم محشور و به تاسیس یکصد و سی محفل ملی در جمیع قارات و اقلیم عالم و تشکیل متجاوز از بیست و دو هزار محفل روحانی محلی و ترجمه و طبع آثار امریه و کلمات الهیه به ششصد و هشتاد و پنج زبان موفق و به ابتیاع اراضی مخصوص بنای مشرق‌الاذکار در یکصد و پنج مملکت فائز . این فتوحات بالغه هنوز از نتایج سحر است و اهل بهاء که فضلاً من عنده به منزله وسائط و وسائل تحقق اراده الهیه در تاسیس مدنیت روحانی و وحدت عالم انسانی محسوند از پای نشینند و متتابعاً در ظل نقشه‌های بدیعه در ارتفاع اساس حصن حصین نظم بدیع جهان آرای رب العالمین در هر اقلیم و سرزمین کمر همت بندند و به موجب وصیت و نصیحت مرکز میثاق « شب و روز آرام نگیرند و آلام نبینند و فراغت نجویند و در مضجع راحت نیارامند و آسوده ننشینند » تا این جهان ادنی آئینه ملاء اعلی شود و اعلام نصر و ظفر ، در هر بوم و بر به اهتزاز آید . اما بفرموده

مولای توانا « هر فتح و ظفری را امتحان و افتتان از پی و نور هر نصرت درخشانی را نار آزمایش از عقب ... و استیلای آئین نازنین حصول آفات و وقوع بلیات را مستلزم » گمان مبرید که ظهور این بلیات و آفات فقط متوجه جامعه‌ای یا مملکتی است بل اهل عالم که متجاوز از یکصد و سی سال از اجابت ندای حضرت ذوالجلال محروم و در کابوس اوهام و غرور مستغرق و به هرج و مرج در جمیع شئون مبتلا جزائاً لففلتهم و استکبارهم به عذابی الیم و عقابی عظیم محکوم . قلم اعلی می‌فرماید : قوله تعالی « ای عباد غافل اگر چه بدایع رحمت جمیع ممالک غیب و شهود را احاطه نموده و ظهورات جود و فضل بر تمام ذرات ممکنات سبقت گرفته و لکن سیاط عذابم بسی شدید است و ظهور قهرم بغایت عظیم » و نیز می‌فرماید : « عالم منقلب است و نفسی سبب و علت آنرا ادراک نموده طیب حقیقی را از معالجه امراض منع نموده‌اند و خود نه درد می‌دانند و نه دوا سبحان‌الله چه غفالتی است که کل را اخذ نموده بحر معانی را گذاشته‌اند و به برکه‌های ملح اجاج توجه نموده‌اند . با اینکه شمس علم از افق سماء مشرق ، مع ذلک به جهلای ارض تمسک بسته و تشبث نموده‌اند زهی حسرت و ندامت این است که هر روز به بلای جدیدی مبتلا می‌شوند و به عذاب الیمی معذبند »

بلی ماده فسادی که به علت رد و انکار آئین حضرت پروردگار در هیکل عالم غلظت یافته و نوع انسان را به دردهای بی‌درمان دچار ساخته جز با نیشتر قهر و سخط الهی منفجر نشود و اثر سم افعی لامذهبی و ماده پرستی و غرور و غفلت و لجاج که هیأت بشریه را مجروح و مسموم ساخته جز بداغ بلایا و مصائب لاتحصی علاج نپذیرد و جسم علیل جهان مستعد قبول دریاق اعظم نگردد .

باری ای یاران رحمانی در نصوص مبارکه محتوم است که علاوه بر فوران نار عذاب که به اراده منتقم قهار تظهيراً لهیکل العالم جمیع بلاد را مشتعل و محترق نماید ، جامعه پیروان اسم اعظم نیز که به امدادات جنود ملاء اعلی

به انتصارات عظیمه در شرق و غرب نائل گردند و به فتح مدائن قلوب سلیمه در جمیع طبقات جامعه از وضع و شریف عامی و دانا نائل شوند و به استحکام قواعد متینة مؤسّسات رتانیة توفیق یابند خود محسود اصحاب غرور گردند و روزی آید که جمیع ملل و دول عالم بر اضمحلال آئین نازنین مجهّز گردند و به حملات و لطمات عظیمه اشدّ از قبل پردازند . اما نفس این مکابره و مقابله و مهاجمه بحکم «سنة الله التي قد خلت من قبل» سبب تشتیت شمل اعداء شود و بالمآل انوار شمس ظهور ، ظلمت دیجور را زائل سازد و امرالله را از مرحله‌ای به مرحله‌ای اعلی کشاند و صبح وعود الهیّه بر دمد و جهان جهان دیگر شود . ملاحظه فرمائید قلم توانای مولای بیهمتا در زمانی که دشمنان دیرین امرالله به ضدیت یاران قیامی جدید نمودند و به عربده و های و هوی مشغول شدند و به تصرف حظائر قدس و تخریب مقابر و تخویف احبّاء پرداختند حتی دست بخون معدودی از عاشقان جان بر کف آوردند با چه صراحتی به وقایع آینده اشارات فرموده :

جامعه پیروان نیر آفاق . . . که پس از افول کوکب درّی میثاق قدم به مرحله اولای تأسیس نظم بدیع الهی گذاشته و در مدّت بیست سال او ازید به استحکام اساس و وضع قواعدش و تأسیس محافل محلیّه و تشکیل محافل ملیّه در قطعات خمسّه جهان مشغول و مألوف بوده و سپس در این سنین اخیره وارد مرحله ثانیه که مرحله ترویج دین‌الله و اتّساع نطق امرالله و تسخیر ممالک غیرمفتوحه و طرح نقشه‌های ملیّه و افتتاح جهاد کبیر اکبر است گشته حال به تقدیرات الهیّه و وسائل غیبیّه و بر وفق اراده غالبه نافذه در اثر این انقلاب و بلایای وارده اخیره وارد مرحله ثالثه گشته که مرحله اشتهار و ارتفاع صیت امر حضرت کردگار است و این مراحل ثلاثه که مرحله استحکام اساس و اتّساع نطق و اشتهار صیت امر نیر آفاق است مقدّمه اعلان آئین یزدان در تمام جهان است که مرکز عهد و پیمان جمال رحمن به آن در الواح اشاره فرموده و این اعلان تحقق نیابد الاّ به قیام

زمامداران دول و امم شرقیّه و غربیّه و رؤسای مذاهب و ادیان عتیقه در قارّات خمسّه و ایجاد ولولہ‌یی اعظم و آشویی اکبر و زلزالی اشدّ از آنچه تا بحال دشمنان امر ذوالجلال در بعضی از ممالک شرقیّه احداث نمودند یاران راستان در این ایام انقلاب و افتتان باید نظر را به این بیان صریح که از قلم ملهم معجز شیم مولای خبیر علیم نازل متوجّه سازند و در آنچه اخبار فرموده تمعّن و تفرّس نمایند قوله الأسنی :

« ایوم قوای رؤسای ادیان باجمعهم متوجّه تشتیت انجمن رحمن و تفریق و تخریب بنیان حضرت یزدان است و جنود مادی و ادبی و سیاسی جهان از هر جهت مهاجم چه که امر عظیم است عظیم و عظمت امر در انظار واضح و لائح » و ایضاً می‌فرماید :

« امر عظیم است عظیم و مقاومت و مهاجمه جمیع ملل و امم شدید است شدید عنقریب نعره قبائل افریک و امریک و فریاد فرنگ و تاجیک و ناله هند و اّمه چین از دور و نزدیک بلند شود و کلّ به جمیع قوی به مقاومت برخیزند و فارسان میدان الهی بتأییدی از ملکوت الهی بقوت ایقان و جُند عرفان و سپاه پیمان جند هنالک مهزوم من الاحزاب را ثابت و آشکار کنند »

ملاحظه نمائید که به صریح عبارت می‌فرماید « مقاومت و مهاجمه جمیع ملل و امم شدید است شدید » و شبهه‌یی نبوده و نیست که مقاومت سیل امرالله و هجوم بر مقدّسات دین‌الله از طرف جمهور ناس و زمامداران هر دو در شرق و غرب و جنوب و شمال و همچنین از طرف رؤسای کنائس در دو قاره اروپا و امریک و مبشرین حضرت روح در دو قاره استرالیا و افریک و اقطاب و رؤسای ادیان عتیقه هندوچین در جنوب شرقی قاره آسیا و شرق اقصی خواهد بود . . . این انقلاب اعظم مقدّمه اعلان امرالله در تمام کره ارض و غلبه جندالله و انهزام و انقراض اعداءالله و تبّه عمومی اهل عالم و اقبال دول و امم و تحقق بشارت « یدخلون فی دین الله افواجاً » خواهد بود .

پس ای مختارین ملکوت از اشتعال نار امتحان و افتتان در این عالم امکان متزلزل مگردید چه که ید غیبی در کار است و جمیع حوادث روزگار ممدّ تأسیس شریعت پروردگار. تابش برق و غرّش رعد اگر چه طفلان مهد را از خوف به فریاد و گریه وادارد اما دهقان رشید را بشیر باران بهار و آبیاری باغ و کشتزار باشد این است که جمال قدم جلّ جلاله می‌فرماید « قل انّ القضاء مؤتد لهذا الامر و البلاء معین لهذا الظهور » و « قل انّ الاعراض من کلّ معرض مناد لهذا الامر و به انتشر امرالله و ظهوره بین العالمین » بلی آتش امتحان در بنیان مرصوص امر یزدان البتّه در نگیرد و خللی وارد نسازد ولیکن چه بسا در دل نفوسی که به آتش افروزی و یا به تماشا آمده‌اند عطش طلب ایجاد نماید و اینجاست که باید احبّای عزیز الهی آب حیات را که از سرچشمه نجات جاری گشته بر تشنگان بادیه طلب بنوشانند و سیراب نمایند و به آسایش جاودانی رسانند . الحمدالله والهان جمال کبریا در آن کشور مقدّس طوفانهای شدید بسی دیده‌اند و بار محنت‌های بسیار کشیده و در جمیع احوال بحبل استقامت متمسک بوده و در قضایای وارده صابر و شاکر و کلّ به تجربه دیده‌اند تا طوفان نیاید و بحر تلاطم نیابد و امواج نیاشود چه بسا لؤلؤ لؤلؤ لؤلؤ که در قعر دریا همچنان در آغوش صدف پنهان ماند و بر ساحل مقصود نیفتد . پس یاران فرداً فرداً باید مترصد باشند و در مواقع ابتلائات مستولیه در عین حکمت و محبّت در تبلیغ امرالله سعی و کوششی بیشتر نمایند تا از آن راه هم غموم و هموم خویش را تسکین بخشند و هم سبب هدایت نفوس محروم گردند بلایا را عنایت جمال اهبی دانند و متوجّهاً الی الله و متوکلاً علیه به ادامه وظایف روحانیّه خویش پردازند و از صراط مستقیم نلغزند و سر موئی از تعالیم جانپور امر الهی تجاوز نکنند در جمیع احوال حفظ خویش را در اطاعت از نصایح و وصایای الهیه و تشبّث به مبادی سامیه و استمداد از تأییدات ملاًاعلی جویند لاغیر .

باید کل قدر این موهبتی که نصیب گشته بدانیم و اجر جزیلی را که جمال

مبارک قیوم برای ما محتوم فرموده هرگز از خاطر نبیریم و از خدمات و جانفشانی و قبول قربانی در طریق محبّت دلبر سبحانی سرور و مفتخر باشیم زیرا بفرموده قلم اعلی « امروز بایی مفتوح است اوسع از سموات و ارض و لحاظ فضل مقصود عالمیان متوجّه کلّ . عمل بسیار جزئی در مرآت علم الهی اکبر از جبل مشاهده می‌شود . یک قطره آب اگر در سبیلش داده شود در آن مرآت دریا دیده شود » بحمدالله مقصد معین است و طریق سفر معلوم و زاد و توشه مهیا پس ای کاروان هدایت حرکتی و ای سالکان سبیل محبّت همّتی و ای عاکفان کعبه سعادت جهدی تا مراحل باقیه نیز طی شود و در بحبوحه اطمینان و سرور به سر منزل مقصود رسیم و در ظلّ عنایت حضرت معبود وارد گردیم و الی الأبد بر مسند عزّت نشینیم .

### بهائیان عزیز ایرانی مقیم ممالک و دیار سائره در جمیع اقطار عالم ملاحظه فرمایند:

ای یاران دیرین جمال ابهی:

در این ایام پرآشوب که آن ستاینندگان طلعت محبوب از وطن مألوف دورند و در سلک اهل ایمان در دیگر اقطار جهان محشور و در چندین اقلیم مقیم و در خدمات اصحاب وفا در سراسر دنیا شریک و سهم، لازم دانستیم به کمال اخلاص سخنی چند با آن دوستان ارجمند در میان گذاریم و کل را به آنچه ضامن رفاه و سعادت و نجات و عزت جاودانی دانیم، دعوت نمائیم تا انشاءالله شادت این مهالک را که در جمیع ممالک ظاهر شده و می‌شود با قدمی ثابت و قلبی مطمئن مقابله فرمایند و دیده امید به صبح وعده‌های جانپور الهی دوزند و یقین نمایند که در پس این سحاب ظلمانی آفتاب مشیت یزدانی در اوج رفعت و اقتدار، قرار دارد و به تابش و نورافشانی پردازد و چندی نگذرد که این ابرهای متراکم ظلم و عدوان و غفلت و تعصب و طغیان از آفاق برافتد و روزی فیروز بدمد و عصری جهان‌افروز علم در عالم افزارد. گمان مبرید که آنچه در این زمان در چهار گوشه جهان از جمله کشور مقدس ایران واقع گشته و می‌شود وقایعی تصادفی و منفرد و بی‌نتیجه و مقصد است. بفرموده مولای عزیز «ید غیبی در کار است و انقلابات ارض مقدمه اعلان شریعت پروردگار» بلی اینهمه از تصرفات خفیه امر اعظم است که ارکان عالم را متزلزل نموده و جهانیان را که از باده غفلت و غرور مست و مخمورند منصعق و مرتعش ساخته است آیه مبارکه «قد اضطرب النظم من هذاالنظم الاعظم» مصداق این مقال است

و انذارات مکرره صریحه قلم اعلى مبين حال چنانکه می‌فرماید:

«عالم را بلا احاطه نموده اگر فی الجملة خیر هم در او گاهی مشاهده شود بلای عظیمی از عقب متوجه و احدی از عباد ارض سبب و علت آن را ادارک ننموده»

و نیز می‌فرمایند:

«عالم منقلب است و انقلابات او یوماً و فیوماً در تزايد و وجه آن بر غفلت و لامذهبی متوجه و این فقره شدت خواهد نمود و زیاد خواهد شد به شأنی که ذکر آن حال مقتضی نه و مدتی بر این نهج ایام می‌رود و اذا تم المیقات يظهر بغتة ما یرتعد به فرائض العالم اذا ترتفع الاعلام و تغرد العنادل علی الافنان»

همچنین از قلم میثاق به کرات نازل که بشر غافل قبل از توجه و اعتنا به تعالیم جان پرور نیر آفاق به چه مشقاتی لایطاق مبتلا گردد می‌فرماید:

«روز بروز هرج و مرج در دنیا در ازدیاد است عاقبت به درجه رسد که بنیه انسانی را تحمّل نماند آن وقت انتباه رخ دهد و نفوس آگاه گردد که دین، حصن حصین است و آئین نور مبین و احکام و نصایح و تعالیم الهی محیی روی زمین»

بر ارباب بصیرت پوشیده نیست که آثار اولیه این هرج و مرج در ارکان هیئت اجتماعی هر روز ظهور و بروزی داشته و رخنه و نفوذی نموده است و قوای مخربه‌اش بنیان مؤسسات و مشروعات معهوده قدیمه را که در قرون و اعصار، دایره مدار جمیع شئون اهل عالم و ملجاء و ملاذ بنی آدم بوده و ازگون ساخته و موازین سیاسی و اقتصادی و علمی و ادبی و اخلاقی بشر را دگرگون نموده و علم مفاخر تمدن عصر حاضر را سرنگون داشته است. مبادی اساسیه نظم جهان را مکائد سیاسیه زمامداران، داغ بطلان نهاده و حرص و آز و ریا و تزویر و ظلم و خودپرستی بر روابط جامعه بین افراد و ملل حاکم گشته است. اکتشافات و اختراعات که ثمره تقدّم علوم و صنایع است آلات و وسائل دمار و انهدام عمومی را فراهم آورده و به دست نااهل

افتاده است، حتی موسیقی و هنر و ادبیات که باید نماینده و هادی عواطف رقیقه‌عالیه و وسیله‌تلطیف و تسکین روح افسرده‌انسانی گردد حال آئینه‌قلوب تیره این نسل سرگردان و لابلای بی‌سر و سامان شده و از صراط مستقیم انحراف جسته است. و امثال این انحرافات سبب گردد که بفرموده جمال مبارک «هر یوم بلای جدیدی ارض را اخذ نماید و فتنه تازه برپا شود و سوف تحترق المدن من ناره» تحقق یابد.

در چنین حال پر وبالی که اهل عالم پریشان و دانایان امم در چاره‌آلام جهان حیرانند اهل بهاء به برکت و هدایت آثار مقدسه یقین دارند که این وقایع مدهشه را هر یک علتی و معنایی و نتیجه‌ایست و کلّ از وسائل ضروریّه استقرار مشیت غالبه الهیه در جهان محسوب. یعنی از یک طرف تازیانه خشم و قهر الهی در کار است تا کاروان گریخته و از هم گسیخته عالم انسانی را خواه و ناخواه بسر منزل مقصود براند و بتازاند از طرف دیگر مشتی ضعفا را در ظلّ هدایت و عنایت خویش تربیت فرموده تا در این دوره تحوّل و عصر تکوین در میان طوفانهای سهمگین بساختن حصنی که بالمآل منزلگاه و پناه آن قافله گمگشته است همچنان مشغول باشند. لهذا یاران الهی که چنان منظر وسیع و خطیر و دلگشایی در مقابل خویش دارند البته از آنچه پیش آید پریشان خاطر نشوند از نهب حادثه نهراسند در هنگام بروز انقلاب در اضطراب و التهاب نیفتند و آنی از اجرای وظائف مقدسه خویش باز نمانند.

از جمله آن وظائف مقدسه تخلّق به اخلاق و اعمالی است که مرضی درگاه کبریاست باید راتحه طیبه موطن حضرت بهاءالله را که سرزمین نفوس مقدسه شهیدان جان نثار و عاشقان فداکار جمال مختار بوده و هست به مشام اهل ایمان در هر دیار برسانند و فراموش ننمایند که انتظاری که اهل بهاء از یاران عزیز ایران دارند بسی شدید است و توقعشان بس عظیم. به این ندای جانفزای مولای بیهمتا که احباء ایران را فی الحقیقه فصل الخطاب است توجه فرمایید:

«میل و رضا بلکه امر شدید حضرت عبدالبهاء در اینست که بهائیان در جمیع امور، حتی در جزئیات و معاملات یومیه و روابط افراد با یکدیگر بحسب تعالیم الهی رفتار نمایند. می‌فرماید بخضوع و خشوع و افتادگی اکتفا نمائید مظهر محویت گردید و فنای محض شوید. مهر و وفا و شفقت و محبت نصایح پیشینیان بوده در این دور اعظم اهل بهاء به فداکاری و جانفشانی مأمور. ملاحظه فرمائید که در الواح مقدسه و کتب الهیه و وصایای مبارکه احبای الهی به چه حدی مأمور به پرهیزکاری و خیرخواهی و بردباری و تقدیس و تنزیه و انقطاع از ماسوی الله و تجرد از شئون دنیا و اخلاق و صفات الهیه هستند باید به هر نحوی که ممکن است قبل از همه چیز قلب را صاف و نیت را خالص نمود و الا اقدام به هیچ امری نتیجه و ثمری نبخشد باید از تصنع و تقلید احتراز جست چه که راتحه منتته‌اش را هر عاقل هوشمندی فوراً ادراک نماید باید اوقات مخصوصه تذکر و تنبه و دعا و مناجات را فراموش ننمود چه که بدون فضل و عنایت الهیه موفقیت و ترقی و پیشرفت در امور مشکل بلکه ممتنع و محال. نمی‌دانید که محبت خالصانه و صداقت و خلوص نیت چه اثری در نفوس نماید ولی تحقق این امر منوط به سعی و کوشش هر فردی از افراد در هر یومی از ایام است. مگذارید که اغیار و حسودان و دشمنان بگویند که علت علو امر در گذشته ایام در اوائل ظهور قیام خارق‌العاده هیاکل مقدسه و استقامت نفوس زکّیه شهداء امر بوده که حال چون دیگر نیستند امر بهاءالله مجبوراً رو به انحطاط و ضعف و تشتیت و اضمحلال خواهد گذاشت.»

از خدا طلبیم که آن عزیزان را در هر یومی از ایام موفق گرداند تا نصائح الهی را نصب‌العین خویش سازند و در راه وفا قدم گذارند و گوی سعادت ربایند.

از جمله آن وظائف مقدسه تعهد معنوی یاران بر عبودیت آستان یزدان در جمیع احوال و ایام است یعنی این چند روزه حیات فانی را علی‌الخصوص



در این عصر تحول وقف امرالله نمایند و خویش را از اندیشه کم و بیش آزاد سازند به حبل توکل متمسک شوند و فارغ از هر غصه و تشویش گردند ملاحظه فرمائید این چنین نفوس مبارکه‌ای از قلم اعلی به چه بشارتی مستبشرنند قوله الاحلی:

«آنچه در عالم واقع شود از برای اولیای حق نور است و از برای اهل شقاق و نفاق نار، اگر ضررهای عالم بر یکی از اولیا وارد باز ریح با اوست و خسارت از برای مادونش یعنی از برای نفوسی که غافل و جاهل و جاحدند. اگر چه گوینده به خیال دیگر گفته ولکن مطابق است با دستگاه حق: (تو گرو بردی اگر جفت و اگر طاق آید.) در هر حال ریح و ثروت و منفعت با دوستان الهی بوده و هست اولیای حق از نار سردند و از آب خشک یعنی امورات ایشان غیر امورات اهل عالم است در هر تجارتی ریح با ایشانست یشهد بذلک کل عاقل بصیر و کل منصف سمیع.»

و از جمله آن وظائف مقدسه تمسک به حبل اعتدال در جمیع شئون زندگانی است مبادا که یاران عزیز که باید جوهر انقطاع و اعتدال باشند، مفتون ظواهر این جهان فانی گردند و به آرایش دنیا دل بندند و حیات خویش را به هدر دهند. اگر اهل ثروتند باید آنچه را به آنان عنایت شده وسیله تقرب به درگاه کبریا سازند نه آنکه رنگ تعلق پذیرند و نصائح قلم اعلی را فراموش نمایند. بلی حق فرموده که «بعداز تحقق وجود و بلوغ، ثروت لازم و این ثروت اگر از صنعت و اقتراف حاصل شود نزد اهل خرد ممدوح و مقبول است» ولیکن ثروت و عزت اگر وسیله خدمت و عبودیت آستان الهی گردد مطلوب است و الا احتراز از آن محبوب، به کتاب عهدی و کلمات مکنونه و الواح سائره رجوع فرمائید تا مبادا رشته‌ای که باید حبل نجات گردد وبال گردن شود و ما را به هلاکت افکند چه بسیار از نفوس غافله علی‌الخصوص از هموطنان خویش را که از نعمت ایمان و عرفان محروم بوده‌اند ملاحظه فرموده‌اید که چون فی الجمله به دولت مستعجلی رسیدند چنان مفتون ثروت و مقام شدند که فضائل و کمالات

حقیقیه عالم انسانی را فراموش نمودند و بساط حیاتی گسترده که سراسر تصنع و بی‌ثمر بود. مدار تفاخری جز تظاهر به خانه زرنگار و رونق بازار زر و زیور و اسب و استر نداشتند و ببینید چه طرفی بستند. ای بسا طاق کسری که مکسور شد و بسا قصر قیصر که مظمور گشت. روز ظاهر فریبان، شام غریبان شد و گنجهای شایگان، رایگان گشت و به تاراج و تالان رفت و از عمر تلف کرده نماند جز اشک حسرتی و آه ندامتی قوله عز یانه:

«آنچه را فنا اخذ نماید و تغییر پذیرد لایق اعتنا نبوده و نیست مگر علی قدر معلوم»

لهذا اهل بهاء البته در دام ارباب بی‌مروت دنیا نیفتند و به قناعت و اعتدال پردازند و خانه و کاشانه خویش را در نهایت دلگشایی و بساطت محل تردد جمع مؤمنان و تشکیل محافل یاران و مرکز انتشار امر رحمن و کانون محبت حضرت یزدان سازند بنحوی که هر صنف از نفوس از رئیس و مرئوس از ورود به خانه و کاشانه آنان رعب یا استیحاخی نیابد و از معاشرت به روح و ریحان باز نماند.

از جمله آن وظائف مقدسه آنکه احباء عزیز ایران در بلاد خارجه محل استقرار خویش را با مشورت محافل و مؤسسات امریه در نقطه‌ای معین نمایند که جهت تأسیس و تقویت امرالله در آن کشور لازم است باید در میدان مهاجرت در هر کشور پیش قدم شوند نه آنکه در پی اقوام و دوستان خویش بی‌خبر از مقتضیات و حوائج امرالله در یک نقطه مجتمع شوند. الحمدلله به برکت اسم اعظم اهل بهاء چنان وحدت و محبتی به یکدیگر یافته‌اند که نسبتهای ظاهره حتی دانستن زبان و تشابه آداب و رسوم نیز در روابط معنویه آنان که منبعث از ایمان به امرالله است خللی وارد نسازد. لهذا اجتماع یاران ایران در یک نقطه ضرورت ندارد و چه بسا تولید مشکلات نماید چنانکه اگر ایرانیان بهائی از لحاظ تعداد، بر یاران محلی غلبه نمایند نادانسته مشکلاتی را به وجود آورند که احياناً باعث توقف و

تأخیر پیشرفت امر مبارک در آن نقطه گردد و آئین جهان گشای جمال ابهی را در نظر نفوس سائره امری محدود و مخصوص ایران و ایرانیان جلوه دهد و باعث تضييع وقت و دلسردی یار و اغیار شود و در چنین حالی نه ایرانیان عزیز حظی از اقامت خویش در آن بلاد برند و نه چنانکه باید و شاید خدمتی به آستان الهی فرمایند . لهذا تقاضای این مشتاقان چنان است که حتی المقدور در ممالک و بلاد و مدن و قرائی توطن اختیار فرمایند که جزو اهداف مهاجرت باشد و از آن ممر فایده‌ای در تقویت بنیان امرالله عاید گردد باید یکدیگر را بر مهاجرت و تشّت تحت نقشه‌های تبلیغی در هر کجا تشویق نمایند و حتی راحت و سروری را که از مصاحبت و مجالست با یکدیگر طلبند فدای مصالح کلیّه امرالله سازند .

از جمله آن وظائف مقدسه احتراز از مباحثات و مناقشات سیاسیّه است که فعلاً در همه جا بازاری رواج دارد اهل اهل بهاء را به مخاصمات و مشاجرات ارباب سیاست چه کار . باید به کمال اتقان بر عالمیان ثابت نمود که بهائیان در ظلّ تربیت آئین خویش در هر مملکتی که ساکن باشند رعایای وفادار آن کشورند و از دسائس اهل تزویر و ارباب تخریب و ارباب دور و بر کنار . مطمح نظرشان سعادت بشر است و خدمت قلبی و حقیقی به مردمان هر کشور . در امور اداری مطیع حکومتند و در کمال صداقت و امانت به اجراء وظائف محوله مشغول و حزبی از احزاب و فردی از افراد را مرجح بر دیگری ندانند و به مخالفت با احدی نپردازند زیرا قلم اعلیٰ ما را از فساد ممنوع ساخته و به اصلاح مأمور فرموده است . بیش از یک قرن است که بهائیان به عمل اثبات نموده‌اند که عبودیت و خدمت خلق را بر عزّت و ریاست که از راه دخالت در سیاست بدست آید ترجیح دهند و در تمشیت امور خود توکل به حضرت کردگار جویند نه توسل به اصحاب عزّت و اقتدار . احبّای عزیز ایرانی علی‌الخصوص در این ایام که در کشور مقدّس ایران اهل عدوان تیرهای تهمت و افترا را از هر کرانه روانه ساخته‌اند ، باید مواظب باشند که در معاشرت با ایرانیان خارج ایران و جمیع نفوس

بنحوی رفتار و سلوک نمایند که بیطرفی و خیرخواهی اهل بهاء بر هر کس چه در خارج و چه در وطن بیش از پیش واضح و مبرهن باشد و بدست فتنه‌انگیزان که جامعهٔ مظلوم بهائی ایران را همیشه جهت مقاصد نالایقهٔ خویش نشانه سهام افتراات عدیده کرده و می‌کنند بهانهٔ جدیدی ندهند و مزاحمتی ایجاد نمایند .

باری ای عزیزان حق ، ای هموطنان جمال ابهی چنین نسبت مبارکی را شکرانه‌ای لایق در خور است پدران شما قدر این موهبت کبری را دانستند و ایثار جان را در راه دلبر مهربان سهل و آسان شمردند . اسیر زنجیر شدند ، طعمهٔ شمشیر گشتند ، خانه و خانمان بر باد دادند و ناله‌ای جز فریاد یابهاه‌الابهی و یاعلیّ الاعلیّ از حلقوم بریدهٔ خون‌آلوده بر نیاورده تا آنکه از همان صوت ضعیف جانسوز ، صیت جهان افروز نباء عظیم بتدریج در جمیع اقالیم طنین افکند و اوج گرفت و رنّان شد . حال نیز یاران عزیز در ایران که عاکفان کوی جانانند بر سر همان عهد و همان پیمانند ملاحظه فرمائید که آن صاحب‌دلان باوفا با چه شجاعتی و با چه استقامتی و با چه انقطاعی و اتّحاد و اتّفاقی و با چه شوق و اشتیاقی هر روز در بوتهٔ امتحان می‌گدازند و با رخی تابان چون زرناب ، پاکی و اصالت و قدر و قیمت خویش را بر جهانیان ثابت و نمایان می‌سازند . در نهایت مظلومیّت و صداقت و حکمت و شجاعت بر دفع شرّ اهل عدوان قائمند و به رفع سوءتفاهماتی که از نشر اکاذیب و تداول تهمت‌های نادرست حاصل گشته ساعی و جاهد . تن به قضا داده‌اند و سر بر وادی تسلیم و رضا نهاده ، تحمل هر بلائی را آماده‌اند زیرا به یقین مبین تحقّق وعود حتمیّهٔ الهیه را مستلزم وقوع حوادث شدید و تحمل مشکلات عدیده دانند . بیان مولای توانا حضرت ولی امرالله از جمله چنین بوده است که : «اگر چنانچه در مستقبل ایام آفات گوناگون آن سرزمین را احاطه نماید و انقلابات کشوری بر تضيیقات حالیه و محن واردهٔ متواتره بیفزاید یاران عزیز در آن سرزمین نباید ملول و اندوهگین گردند و از مسلک منهج قویم خویش منحرف

گردند» زیرا متعاقباً خطاب به آن عزیزان چنین فرموده:

«استخلاص این فتنهٔ مظلوم بیگناه از قیود اسارت و چنگ ارباب ظلم و عداوت، ضوضا و هیجان عمومی را مقتضی و حصول عزت و رخا و آسایش حقیقی از برای اهل بهاء مقاومت و ممانعت و شور و آشوب اهل حقد و جفا را مستلزم. پس اگر چنانچه تلاطم دریای بلا ازدیاد یابد و طوفان محن و رزایا از شش جهت آن جمعیت مظلوم را احاطه نماید به حقّ الیقین بدانید و آئی مترّد نمایند که میعاد نجات و میقات جلوۀ موعودهٔ دیرینه نزدیک گشته و وسائل اخیرۀ فوز و نصرت عظمی از برای ملت ستمدیدهٔ بهاء در آن کشور مهیا و فراهم شده. قدم ثابت لازم و عزم راسخ واجب تا این مراحل باقیه طی گردد و مقصود و آمال اهل بهاء در اعلیٰ المقامات پدیدار گردد و جلوه‌ای حیرت‌انگیز نماید. هذه سنّة الله و لن تجد لسنة تبدیلا.»

اینست که آن شهپازان اوج محبتهٔ الله به سرور و سکون و وقاری قائم و فائزند که مغناطیس تائیدات ملاء اعلیٰ گشته و آنان را به چنان توفیقاتی موفق نموده است که اسباب تحیر و اعجاب اهل بهاء در سراسر عالم شده و جمیع را بر آن داشته تا چون آن جواهر وجود با محبوب ابهی عهدی تازه بر بندند و همتی بدیع در عبودیت آستانش بنمایند و حتی المقدور محرومیت کنونی یاران ایران را با خدماتی مزید و عزم و قیامی جدید جبران نمایند و از شجاعت و استقامت و خلوص نیت آن دلدادگان کوی دوست الهام گیرند و در میدان محبتهٔ الله بمقتضای عشق قیام نمایند اینست که در این اواخر پیروان اسم اعظم در ممالک و بلاد مختلفه بیاد و بنام احباء عزیز ایران دست به فتوحاتی بدیعه برده و طرحی نو در افکنده و مؤید به تائیداتی عظیمه گشته و آن همه را از برکت تأثیر همت و استقامت یاران عزیز در مهد امرالله دانسته‌اند. دیگر شما ای دوستان عزیز که از آن آب و خاک مقدسید چه خواهید کرد. شما مرغان آزاد آن گلستانید نغمه و آوازی ساز کنید که نفوس و ارواح را به اهتزاز آورد. شمعیهای آن شبستانید انوار

دنوازی بتابانید که دیدگان اهل راز را روشن سازد دیده جان این مشتاقان در این ایام در انتظار است تا از دل ابرهای تیره و تار برق غیرت و وفا بجهد و نام نامی آن یاران نیز چون هموطنان جانفشان پی در پی با قلم زرین بر لوح جهان نوشته گردد. دیگر این بسته به آن همت والای شماست.

بیت العدل اعظم

## آوارگان صحرای محبة الله، احباء ایرانی مقیم بلاد غریبه، ملاحظه فرمایند:

ای یاران و یاوران مهربان:

معلوم است در این اوان که بهائیان مظلوم در ایران به انواع آفات محاطند و به تتابع مصائب مقابل، آن سرگشتگان بادیة محبة الله، از اشتعال نائرة احزان به چه سوزی دمسازند و در چه گرداب اضطرابی سرگردان. و اگر چنین باشد عجیبی نیست زیرا که عزیزان خویش را در مهد امرالله هر روز در بند تهمتی بینند و هر آنی هدف تیر افترائی. زمانی در حبس و زندانی و گاهی خسته تیغ جانکاهی. چه بسا از آن مظلومان که مقهور اهل عدوان گشتند و خانه و خانمان به تاراج و تالان دادند و لب به شکایت نگشودند و چه بسا نفوس ارجمندی که در نهایت سرور و سربلندی تاج شهادت پوشیدند و خون پاک را در نهایت تسلیم و رضا نثار محبوب ابهی فرمودند. لهذا اگر از یاد این همه ظلم و بیداد دیده دریا کنیم و از دل سوزان آه آتش بار بر خرمن جان زنیم پیش اهل انصاف مستحق ملامت نباشیم. زیرا که این عواطف وجدانی از مقتضای طبیعت انسانی است و از عوارض ضعف و ناتوانی در این جهان فانی. ولیکن چون با نظر حقیقت که برتر از حدود این عالم نابود است به وقایع و حوادث بنگریم ملاحظه کنیم که هر بلایی بشیر عنایت است و هر جفایی عین نعمت و مکرمت. سمندر بقا در آتش بلا رخ برافروزد و گوهر سعادت از هیجان امواج مصیبت بر ساحل وجود افتد. باران فیض الهی از ابرهای تیره بیارد و مزرع سبز پر حاصل از شوریدن خاک و کاویدن صحرا بیار آید. بلی سنت الهی چنین بوده که

اصفیاء و اولیاء و مقرّبان درگاه کبریایش را با قبول شدائد و بلایا واسطة اعلاء امر خویش قرار دهد و شجرة طیّبة مبارکه اش را با خون شهیدان جانفشانش آبیاری کند.

ملاحظه در این بیان مبارک مرکز میثاق کنید که می‌فرماید:

«فی الحقیقه قلب عموم یاران از این ظلم و عدوان سوزان و جمیع فریاد و فغان می‌نمایند و اگر چنانچه چشمها خون بیارد و دموع نهر جیحون گردد باز آتش دلها نیفسرد. احزان ساکن نگردد. این از این جهت. ولی نظر را پاک و مطهر نما ملاحظه کن که به چه موهبتی فائز شدند و چه عنایتی را حائز گشتند. لب تشنه به چه بحر عذب فراتی رسیدند و در نهایت فقر و فاقه به چه کنز عظیمی ره بردند. قطراتی از خون فدای حضرت بیچون کردند ولی خونبها را از جمال ابهی گرفتند و کأس فضل و عطا را از دست آن دلبر یکتا نوشیدند. و اما از جهت امرالله، این واقعه عظمی سبب اعلاء کلمة الله گردد و نشر نفحات الله، نسمة الله بهیوب آید و تیر موهبة الله طلوع کند. امر صد مرتبه عظیمتر شود و رایت الهیه بلندتر گردد. آیت تقدیس ظاهر شود و جمیع ملل، از هجوم جنود شهادت، مغلوب و مقهور و مهزوم گردند. سطوت کلمة الله شرق و غرب را بحرکت آرد و جیوش ملاءاعلی چنان هجوم نمایند که جمیع احزاب مهزوم گردند.»

و در مقامی دیگر می‌فرماید:

«ای بنده بهاء از بلاهای وارده به درگاه احدیت شکرانه نما زیرا مصیبت در سبیل حضرت احدیت عین عنایت است و مشقت صرف موهبت. ایام حیات مانند سراست و وجود موجودات موهوم است و بی‌بنیاد و معدوم. آنچه هست حقیقت روحانیه است و هویت نورانیه که بقا اندر بقا و صفا اندر صفاست. ثابت است و باقی، نابت است و کافی.

مرور دهور رخنه نماید و توالی اعصار و قرون فتور نرساند لهذا باید آن لطیفه رتانی محفوظ ماند و آن آیت رتانی مثبت گردد. و از غرائب وقوعات اینست که اعظم وسیله صون و حمایت این حقیقت نورانیت، هجوم

اعداست و آلام و محن بی‌منتها. زجاج آن سراج، اریاحست و سبب سلامت آن سفینه، شدت امواج. لهذا باید از بلاء ایوب ممنون شد و از جفای اهل ذنوب باید خشنود گشت زیرا سبب بقا و وسیله کبری و نعمت عظمی و موهبت بی‌منتهاست.»

باری کدام عاشق صادقی است که دعوت معشوق حقیقی را بشنود و با سر و جان بکوی جانان نشتابد؟ کدام پروانه جانسوخته است که خود را "وسیله کبری" جهت صون و حمایت شمع حقیقت بیند و بال و پر در آتش فدا نسوزاند؟ کدام مؤمن موقن جانفشانی است که بداند با قبول مصیبت در سبیل الهی امرالله "صد مرتبه عظیمتر شود" و از راحت و آسایش خویش دست و دل بردارد؟ و کدام عاقل روشندلی است که جمیع ملل را "از هجوم جنود شهادت مغلوب و مقهور و مهزوم" داند و با سر و جان آماده ورود به میدان فدا نباشد؟ اینست که می‌بینیم امروز قهرمانان میدان وفا در کشور مقدس ایران با چه شجاعت و شهامت و غیرتی صابراً شاکراً علم هدایت برافراشته‌اند و دل‌های آشنا و بیگانه را با مظلومیت و وقار و توکل بر حضرت پروردگار ربوده و هزاران نفوس را که تا بحال از تأثیرات اسم اعظم غافل و از مقاصد عالیة روحانیه اهل بهاء بیخبر بودند مفتون و ثناخوان خویش ساخته‌اند. اینست که می‌بینیم شهیدان مشتاق در این عصر تکوین چراغ جانباختگان صدر ظهور را فروزان ساختند و به همان خلعت سرخ شهادت مشرف و مفتخر گشتند. یکی پای قاتل را بوسه می‌زند که دست مریزاد که مرا به چنین موهبتی فائز ساختی و جان مشتاق را بوثاق جانان درآوردی. یکی خندان در وقت رفتن بمیدان می‌گوید که این سینه من است که بطرف گلوله می‌رود نه گلوله بسوی سینه من. یکی در وصیتنامه از عائله تقاضا می‌کند که نقل و شیرینی تقدیم نفوسی کنند که نعمت شهادت بوی بخشیده. و دیگری در دقائق قبل از شهادت لباس فاخر می‌پوشد و عطر و گلاب می‌زند تا آراسته در گلزار بقا بلقay محبوب ابهی فائز شود.

بزودی روزی فرا رسد که داستانهای این "سر خوشان مست دل از دست رفته" را که هر یک مظهر انقطاع و تقوی و انجذابند، به آب زر بر دیباجة کتاب فدا بنویسند و همچنانکه امروز شرح پریشانی و قربانی اصحاب وفا در عصر رسولی موجب اشتعال نار محبة الله در قلوب ماست داستانهای این ایام نیز به مرور اعصار و دهور باعث وله و نشاط و سرور و امتنان اهل عالم در ادوار آینده گردد. مشکلات حالیه و مصائب مستولیه بگذرد و زحمات فراموش شود و تنها عزت ابدیه یاران و ذلت و محرومیت اهل عدوان باقی ماند.

بفرموده حضرت ولی امرالله:

«ثمرات این بلیات و صدمات، در مستقبل ایام چون شمس ظاهر و معلوم گردد و نتیجه این پریشانی و ویرانی اجباء بعد از این بر وجه یاران و دشمنان هر دو مکشوف شود. اجباء از صدمه و ابتلا در سبیل امرالله نباید دقیقه‌ای آزرده گردند و متأثر و متحسر شوند. در لوح ابن ذئب، آن لسان عظمت که تسلی دهنده عالم است به این بیان ناطق:

"طوعاً لِقاض اتی فی حکمه عجبا افتی بسفک دمی فی الحل والحرم  
براستی می‌گویم آنچه در سبیل الهی وارد شود محبوب جانست و مقصود روان سم مهلک در سبیلش شهدی است فائق و عذابش عذبی است لائق." این تذلیل ظاهره اجباءالله در آن دیار باید سبب شود که حرارت محبة الله در قلوب شدت یابد و نور استقامت و همت نفوس را بیش از پیش منور سازد. این ظلم و ستم چون عاقبت ممد امرالله است باید مذاق روحانیان را شیرین و انگبین نماید و بر تشکر و امتنان و خلوص و انجذابشان بیفزاید. چه که این واقعه مانند ابر بهاری اراضی قلوب را مستعد نموده به گل و ریاحین ایمان و ایقان زینت و رونقی بدیع بخشد و نار این عذاب نورش عنقریب پرتو هدایت کبری را بر نفوس و ارواح عالم افکند. حال وقت صبر و سکون است و هنگام تمسک بحبل المتین تعالیم الهی»  
بحمدالله به برکت امثال این بیانات جانبخش نور استقامت و همت از افق

جامعه یاران در ایران به کمال شدت ساطع است و صبر و سکون در جمیع احوال و شئونشان لائح و لامع . حتی بازماندگان شهیدان عزیز چنان شهامتی و وفا و وقاری از خود ظاهر و آشکار ساخته‌اند که جمیع آشنا و بیگانه را مجذوب و مبهوت ساخته‌اند . مثلاً از پوشیدن لباس عزا ابا نمایند چه که شهادت عزیز خویش را فخر و منقبت دانند نه عزا و مصیبت . یکی در کنار جسد قرین شهید نازنین که با اجساد شهیدان دیگر در بیمارستان منتظر انتقال به گلستان جاوید بود بر چهارپایه ای می‌رود و با کمال قدرت در عین محبت و مظلومیت به خلق کثیری از مردم شهر که برای تشییع جمع شده بودند خطاب می‌کند که ایها الناس این نفوس مظلوم که خود بر مظلومیت آنان گواهد جان خود را در راه ایمان نثار کردند تا رسم کینه و دشمنی از جهان برفتند . دیگری که با پدر عزیز در زندان محبوس بود روز بعد از شهادت پدر به دوستان محزون در خارج از زندان پیام می‌فرستد که پدر ما سرباز راه حق بود که به میدان رفت و ما نیز فرزندان همان پدریم و در همان راه پویان .

دیگری در جواب اظهار محبت و دلجویی امناء امرالله پیغام می‌فرستد که هنوز خون افسرده در رگهای دیگر افراد این عائله در جریان است و حاضر و آماده که در سبیل محبتش بر خاک ریزد . و دیگری قبل از مراسم تدفین خطاب بجسد آغشته بخون قرین نازنین مرحبا مرحبا گوید که به چه سعادت رسیدی و بازماندگان را به چه عنایتی رساندی . باری این وقایع عظیمه انشاءالله در موقع دیگر منتشر شود اما چون این همه سبب اعلاء کلمةالله و استحکام اساس شریعةالله در جمیع اقطار گشته و "صیت نباء عظیم را در جمیع اقالیم منتشر" نموده ، به مذاق عاشقان مشتاق جمال ابهی خوش آید . خود آن یاران در اکناف و اطراف جهان به رأی‌العین ملاحظه می‌فرمایند که چگونه این مظالم اهل عدوان در این ایام از قبیل هتک حرمت و تخریب اماکن متبرکه ، مصادره اموال جامعه و افراد ، اخراج از مشاغل و دوائر ، قطع مرمعاش ، سلب حقوق مدنی ، قتل و اعدام نفوس مبارکه

بیگانه ، کل سبب ارتفاع ندای جمال ابهی گشته و امرالله را از مرحله مجهولیت در اکثر بلدان خارج نموده و آوازه‌اش را جهانگیر ساخته و به اعلی‌المقامات رسانده و انظار کثیری از اهل عالم را از رجال و مشاهیر و طبقات دیگر مردم متوجه جامعه بهائی و امر الهی ساخته و جرائد و مجلات و رادیوها و تلویزیونها در بلاد مختلف را وسیله انتشار امرالله قرار داده است .

در کنفرانسهای رسمی سازمان ملل متحد مربوط به حقوق بشر تصویب نامه‌هایی در حمایت از مظلومان ایران صادر و در یک مجمع نماینده بهائی موقت به ایراد خطابه و ارائه عرض حال گردید و به کرات در دوائر آن سازمان بین‌المللی ذکر پیروان اسم اعظم در مهد امرالله مذکور و لزوم حمایت از حقوقشان مؤکداً منظور گشته همچنین اعضاء پارلمان اروپا که برگزیدگان ملل از ده مملکت از ممالک راقیه عالم محسوند و به احزاب مختلفه متنوعه منسوب ، در دو بار به اتفاق آراء با تصویب لوائحی مظلومیت اهل بهاء را در ایران تصدیق و به دولتهای خود تکلیف نمودند که حتی‌الامکان در رفع این مظالم سعی و اقدام نمایند . بعضی دیگر از پارلمانهای ممالک بزرگ از قبیل کانادا و آلمان غربی و هلند و استرالیا نیز به تصویب چنین لوائحی پرداختند و متعاقباً وسائل ارتباط و جرائد و مجلات نیز مقاصد اهل بهاء را منتشر ساختند .

باید بخاطر داشت که از سنه ۱۹۶۸ میلادی اعلان امرالله از اهداف مهمه و مجهودات اهل بهاء محسوب بوده از آن سال که یک قرن از نزول الواح ملوک و سلاطین گذشته بود و این هیأت جمیع رؤساء عالم را مجدداً به آنچه قلم اعلی یکصد سال قبل به رؤساء عالم خطاب فرموده متذکر ساخت و از امناء امرالله در جمیع اقطار تقاضا کرد که در تشهیر و اعلان شریعة الله نزد وضع و شریف سعی و اقدامی بلیغ نمایند . و اکنون خون مقدس شهیدان ایران و مظلومیت و استقامت و شجاعت احباء ستم‌کشیده آن سامان اعلان امرالله را باکملها و اشدها تقویت فرمود و نباء عظیم را چنان طنینی

بخشید که مسامح اهل ملکوت را باهتزاز آورد .

لهذا بهائیان عزیزى که از کشور مقدس ایران در دیار دیگر پراکنده‌اند و در ظلّ محافل روحانیّه محشور و بر خدمت امرالله مأمورند ، باید متوجه باشند که انظار اهل عالم از بهائی و غیربهائی بیش از پیش به آنان ناظر و از ایشان متوقع و منتظر که همان انقطاع و صفا و وفائی را که هموطنان بهائی ایران از خود ظاهر ساخته‌اند نمودار سازند . این چه فرصت ارجمندی است که خداوند بیمانند برای انتشار امرش مهیا فرموده؟ باید احباء ایران در تمام جهان بنحوی قیام نمایند تا کلّ شهادت دهند که سرحلقهٔ خادمان عالم انسانند و اگر از ایثار جان در سبیل جانان محرومند در تقدیم خدمات دیگر بيقرار و بی‌تاب .

خانهٔ هریک از آن یاران هر چند محقر باید مرکز انتشار انوار و تبلیغ امر حضرت کردگار باشد و در بذل تبرعات مالی چنان باشند که دوست و دشمن شهادت دهند که این دنیای فانی را قدر و منزلتی ندانند و جمع مال و ثروت را کرامت و فضیلت نشمارند و به آنچه واقع گشته توجه نمایند که چگونه ثروت عالم را بقائی و جهان فانی را وفائی نه آنچه باقی ماند خدمتی است که در راه استقرار و تقویت آئین نازنین تقدیم شود .

در این ایام ، اهل بهاء به تأسیس دو مشرق‌الاذکار در عاصمهٔ هندوستان در قارهٔ آسیا و در کشور ساموآ در قلب محیط اعظم در جزائر پاسیفیک مصممند و چنانکه می‌دانید این هیأت صندوقی جهت هر یک از آن دو مشروع عظیم مفتوح نموده و اهل عالم را به مشارکت در آن دعوت نموده . حال که احباء ستمدیدهٔ ایران از چنین خدماتی جبراً محرومند یاران دیگر آن سرزمین که در ممالک آزاد زندگانی می‌فرمایند باید جبران نمایند و حتی در عین تنگدستی به آنچه لازمهٔ وفاست بنام خویش و بالتیابه از مظلومان ایران قیام کنند و وظائف دیگر را نیز که در قبال تقدیم حقوق‌الله به عهده دارند با کمال مواظبت به انجام رسانند و از گذشته عبرت گیرند . بالاتر از همه باید به اعمال و رفتاری قائم باشند که مبلغ امرالله باشد و

کلّ را به تأثیر کلمهٔ‌الله در قلوب و ارواح مؤمنین مقرر و معترف نماید . از امور سیاسیّه و شرکت در مباحث بی‌فایده در این زمینه احتراز جویند و دشمنان را به خدا واگذارند که قسم یاد فرموده که از ظلم احدی نگذرد . ای عزیزان حقّ جز به پیشرفت و تقدّم و ترقی آئین نازنین ، قلوب جریح و خونین ما ، چگونه درمان یابد و به غیر از سلوک در سبیل عشق الهی دیگر چه راهی این تشنگان بادیهٔ حرمان را به چشمهٔ حیات جاودان رساند و بجز امید به کسب رضای جمال ابهی چگونه روح مضطرب و پریشان ما آسایش و آرامش پذیرد؟ پس عاشقان را قیامی عاشقانه باید ، صادقان را گواهی مردانه شاید ، تا این مراحل باقیهٔ زندگانی به کامرانی حقیقی طی شود و با قلبی مستبشر و دامنی پر از گوهر صدق و صفا به عالم بقا در آئیم و در ملاء‌اعلی با رخی افروخته و سری افراخته حاضر گردیم و به عنایات حقّ فائز و مصداق این آیات بینات شویم:

«ای یاران الهی جهدی بلیغ نمائید و سعی شدید کنید تا موفق به عبودیت جمال قدیم و نور مبین گردید و سبب انتشار انوار شمس حقیقت شوید . جسم قدیم قدیم امکانرا روحی جدید بدمید و مزرعهٔ آفاق را تخم پاکی بیفشانید . بر نصرت امر قیام نمائید . لسان به تبلیغ بگشائید . انجمن عالم را شمع هدی گردید و افق امکان را نجوم نوراء شوید . حدائق توحید را طیور رحمانی شوید و گلبانگ حقائق و معانی زیند . انفاس حیات را صرف امری عظیم کنید و مدت زندگانی را حصر در خدمت نور مبین نمائید تا عاقبت گنج روان ملکوتی بدست آرید و از زیان و خسران برهید . زیرا حیات بشر جمیع در خطر . اطمینان بقاء در دقیقه‌بیبی نه . با وجود این ، اقوام ، مانند سراب اوهام ، در موجند و گمان اوج دارند! هیهات هیهات قرون اولی نیز چنین گمان می‌نمودند تا آنکه به موجی از امواج تراب پنهان شدند و به خسران و زیان افتادند مگر نفوسیکه فانی محض شدند و در سبیل الهی به جانفشانی برخاستند . کوکب نورانی آنان از افق عزت قدیمه درخشید و آثار قرون و اعصار برهان بر این گفتار . پس شب و روز آرام

نگیرید و راحت نجوئید راز عبودیت گوئید و راه خدمت پوئید تا به تائید  
موعود از ملکوت احدیت موفق گردید . . .» انتهی

بیت العدل اعظم

شهر الشرف ۱۴۱

ژانویه ۱۹۸۵

## احبای عزیز ایرانی مقیم اقالیم و بلاد خارجه در شرق و غرب

ای سرگشتگان صحرای محبته الله

قریب به شش سال است که برگزیدگان جمال کبریا در مهد امرالله در  
طوفان محن و بلیات به انواع شدائد و مصیبات گرفتارند و در جمیع احوال  
صابر و شکرگزار که الحمدالله باز در کوی جانان به یمن الطاف دلبر  
مهربان بزم عنایت آراسته شد جام بلا بدور آمد بانگ نوشانوش از هر گوشه  
بگوش رسید و صلاهی سرخوشی از جان عاشقان برخاست همه خرم و  
سرمست پیمانۀ وفا در دست به آئین جانبازی پرداخته‌اند و نرد محبت  
باخته جمعی طناب دار را کمند وصل دلدار ساختند و گروهی سینه مشبک  
را روزن لقای جمال مبارک دیدند بعضی تازیانه بر مرکب روح زدند و چابک  
و چالاک به منزلگه مقصود رسیدند و دسته‌ای داغ سوزان را درمان زهر  
هجران یافتند و برخی از تنگنای زندان به ایوان دلگشای جانان پرواز  
نمودند و بسیاری چون مرغان اسیر، بی‌پناه و بی‌کس در کنج قفس  
نشسته‌اند اما آنان که هنوز از دام ظالمان جسته‌اند از هر بیم و اندیشه  
رسته و ذکر و ثنای خداوند یکتا را پیشۀ خود ساخته به کار خویش  
مشغولند و از ماسوی‌الله فارغ و آسوده .

در عین حال ما آوارگان که دور از آن محنتکده بلاخیز در مقام امن و امان  
آرمیده‌ایم حقاً در غم دوستان و خویشان مضطرب و پریشانیم و هر روز  
افسرده دل و نگران که باز دیگر چه واقع گردد و چه کسی آماج تیر جفا



شود. اما ای دوستان باید به تأثیرات عظیمه ظاهره و خفیه جانبازی‌های هموطنان حضرت بهاء‌الله ناظر باشیم و ظواهر هولناک آن حوادث دهشت‌انگیز را فراموش کنیم و بدانیم که اگر یاران ایران سینه را سپر بلا ساخته‌اند و مردانه در میدان فدا تاخته البته واقف و آگاهند که بلایا در راه حق نه فقط اسباب ترقی و اعلان و تقدّم امر یزدان است بلکه از مقتضای حضرت عشق است و از لوازم ذاتی اشراق شمس هدایت در عالم امکان، نظر به این بیان مرکز میثاق فرمائید که می‌فرماید:

«ای بنده بهاء از بلایای وارده به درگاه احدیت شکرانه نما، زیرا مصیبت در سبیل حضرت احدیت عین عنایت است و مشقت صرف موهبت ایام حیات مانند سراسر وجود موجودات موهوم است و بی‌بنیاد و معدوم آنچه هست حقیقت روحانیه است و هویت نورانیه که بقاء اندر بقاء و صفا اندر صفاست... و از غرائب وقوعات اینست که اعظم وسیله صون و حمایت این حقیقت نورانیت هجوم اعداست و آلام و محن بی‌منتها زجاج آن سراج ارباب است و سبب سلامت آن سفینه شدت امواج لهذا باید از بلاء ایوب ممنون شد و از جفای اهل ذنوب باید خشنود گشت زیرا سبب بقاء و وسیله کبری و نعمت عظمی و موهبت بی‌منتهاست.»

این است که یاران ایران شادمان و مفتخر از آنند که باز حضرت بی‌نیاز به الطاف خویش آن مقربان بزم حقیقت را از میان جمیع دوستانش برگزید تا "اعظم وسیله صون و حمایت" امر حضرت احدیت گردند و پرچمدار سپاه نجات شوند. علم هدایت بدست گیرند و پیشاپیش جنود حیات برافرازند معلوم است که در این معرکه نور و ظلمت آنکس که علمدار است بیشتر هدف خصم غدار شود اما هر چه زخم شمشیر و طعن سنان بیشتر بیند آنرا در قبال شرف و منقبتی که یافته به هیچ انگارد و از خوف تیر جانکاه علم قربیت درگاه را از دست نهد.

دشمنان جاهل را امید چنان است که مؤمنان را با کشتن و سوختن و آتش عذاب افروختن خوار و ذلیل نمایند غافل از آنکه برعکس نتیجه بینند.

جمال مبارک چنین می‌فرماید:

«ستایش پاک پروردگاری را جلت قدرته که ظلم ظالمین و تعدی معتدین را علت وصول عاشقان به مقامات قرب معشوق و ورود مخلصان بجنان وصل مقصود مقرر فرموده و به ظهور بلایا و رزایا کلمه امریه را منتشر و اعلام ذکریه را مرتفع نموده تعالت قدرته الغالبه و ارادته المحیطه که از نار نور و از حزن سرور ظاهر می‌فرماید غافلان به گمان باطل قتل و صلب را علت انخماد نار کلمه الهیه تصور نموده‌اند و شهادت را نهایت ادیت پنداشته‌اند غافل از آنکه سبب ارتفاع و اعلاّی امر الهی است و علت وصول شهیدان به مقامات قرب نامتناهی تعالی الحکیم الّذی یفعل ما یشاء و یحکم ما یرید.»

ملاحظه فرمائید که مستشهدین فی سبیل‌الله و نفوسی که در نهایت انقطاع و شجاعت در قبال بلایا و رزایا به استقامت کبری فائز گشتند به چه مقامی رسیده‌اند که حق جلّ جلاله آنان را در ملاء‌اعلی شفیع و مجیر ما در این عالم ادنی قرار داده چنانچه در مناجات می‌فرماید:

«سئوال می‌کنم ترا به دمائیکه در راه تو در ایران ریخته شد و به نفوسیکه سطوت ظالمین و ظلم مشرکین ایشان را از توجه به تو منع نمود و از تقرب باز نداشت اینکه کینز خود را از نفاق ناعقین و شبهات مریبین حفظ فرمائی و در ظلّ قباب اسم کریمت مأوی دهی.»

همچنین در نماز مفروض اهل بهاء هر روز بر آن ستمدیدگان بردبار درود و ثنا می‌فرستند و بذکرشان مذاق جان را گوارا می‌سازند که "والصلاة والسلام والتکبیر و البهاء علی اولیائک الّذین ما منعتم شئون الخلق عن الاقبال الیک و انفقوا ما عندهم رجاء ما عندک" با توجه به این مواهب عالیه که در آثار مبارکه مکرر است اهل بهاء هر زهری را شهد یابند و هر زخمی را مرهم جان شمارند و با مظلومیت خویش دشمنان را مأیوس حتی مرعوب و مندهش و مخدول سازند.

مولای عزیز بیهمتا خطاب به خاصان بارگاه الهی در کشور مقدس ایران

می‌فرماید :

« ای یاران پر وفا هر قدر طوفان بلا شدیدتر و اریاح محن و رزایا سوزنده‌تر گردد محیط اعظم امر الهی امواجش مرتفع‌تر و جوش و خروشش مهیب‌تر و درر و لثالی افکننده‌اش بر ساحل وجود شین‌تر و بدیع‌تر مشاهده شود . چنانچه ثابت و مبرهن گشت که فشار تضيیقات اخیره رغماً لكل معتد ائیم میدانی وسیع و فسحتی بدیع و جولانگاهی جدید بر وجه اهل بهاء گشود و مغلوبیت و مقهوریت ظاهره ستمدیدگان راه یزدان در ایران علت رفعت و استعلای امر مقدس در مقامات عالیه گشت .

مشیت حی قدیر بر این تعلق گرفته و حکمت بالغه الهیه چنین اقتضا نموده که خاصان حق در کشور مقدس ایران مال و منال حتی دم مطهر خویش را ایثار نمایند تا شجره امید سقاییت گردد و به برگ و میوه‌های گوناگون مزین شود و به مرور ایام اقوام و قبائل و ملل متنوعه متباغضه اروپ و امریک و تاجیک و افریک را در ظل ظلیلش درآورد و تألیف دهد . تالله هذه موهبة لامثل لها فی الابداع یتمنّاها اهل خباء المجد فی الجنة العلیاء خوشا بحال شما ای برگزیدگان حضرت کبریا چه که نخبه احرارید و سرور اختیار . در بوته امتحان کراراً و مراراً چون ذهب ابریز رخ برافروختید و از لواقع افتتان خموش و افسرده نگشتید . شمائید سروران حقیقی جند ملکوت‌الله . شمائید منادیان حقیقی امر جمال الهی . ملح ارضید و چون شریان در جسم امکان تباض . عرق حیاتید و مایه نجات و سعادت جهان و جهانیان .»

شکی نبوده و نیست که در این طوفان بلا سیلی که از خون شهداء نازنین ایران جاری گشت بذر فتوحات اهل بهاء را به شرق و غرب عالم رسانید و اشجار طیبه طاهره‌ای را بوجود آورد که روز بروز به نزول باران عنایت رشد و نما نماید و آشیان مرغان چمنستان هدایت گردد .

از وقایع گذشته بگذریم چه که جمیع به قلم جلی به دست توانای ولی عزیز امرالله به ثبت رسیده و " اهراق دماء مطهرة شهیدان ایران " را آن مولای

بیهمتا عامل اصلی فتوحات اهل بهاء در سراسر عالم محسوب داشته‌اند . حال باید ملاحظه گردد که در این چند سال که عزیزان ایران جان باخته و تنگی زندان دیده و تالان و تاراج گشته و به درپردی و آوارگی افتاده‌اند چه انتصارات عظیمه‌ای نصیب اهل بهاء گشته و امر الهی به چه مقدار ترقی نموده است .

نقشه هفت ساله در رضوان ۱۳۶ تقریباً مقارن با انقلابات حالیه ایران اعلان گردید و چون مساعی یاران در سیل تحقق اهدافش به یمن استقامت و فداکاری و جانبازی عزیزان ایران مؤید گشت نتایج عظیم بار آورد .

از جمله آنکه بیت العدل اعظم در مقر دائم خویش بر کوه کرمل مستقر گردید و قدمی بلند در سیل تحقق نوایای مولای بیهمتا در ارتفاع انبیه شامخه حول قوس مشرف بر مراقد منوره برداشته شد .

هیأت جلیله دارالتبلیغ بین المللی تقویت گردید و بر تعداد اعضایش افزوده شد و دائره وظائف عظیمه‌اش متسع گشت و به مقر خویش در جوار بیت مبارک حضرت عبدالبهاء منتقل گردید .

بیت معروف به بیت عبدالله پاشا در عکا که سالیان دراز منزل مرکز میثاق و چندی مکان اختفای رمس حضرت اعلی و محل تولد حضرت ولی امرالله و مرکز ملاقات اولین دسته زائرین غربی با حضرت عبدالبهاء و محل نزول الواح و آثار مهمه از جمله کتاب مفاوضات بود تعمیر و مفروش و حاضر برای زیارت زائرین اعتبار مقدسه گردید .

دوائر جامعه بین‌المللی بهائی در سازمان ملل متحد وسعت پذیرفت و بر قدر و منزلتش در محافل بین‌المللی افزوده گشت و نام امر بهاء را در مجامع شتی بلند آوازه ساخت .

مشرق‌الذکار ساموآ در قلب اقیانوس کبیر با حضور رئیس مملکت و وزیران و محترمین آن کشور و کشورهای مجاوره به دست حضرت امه‌البهاء حرم مبارک نماینده بیت العدل اعظم افتتاح گردید .

تعداد محافل ملیه که در اول نقشه ۱۲۵ محفل بود فعلاً ۱۴۳ محفل و تا

رضوان آینده بر ۱۴۸ بالغ خواهد شد .

قوة سطوت امر الهی را ملاحظه فرمائید که اگر دشمنان یک محفل ملی را در مهد امرالله تعطیل نمودند یاران باوفای جمالقدم به تأسیس ۲۳ محفل ملی جدید قیام فرمودند .

اگر تقریباً ۵۰۰ محفل محلی در ایران تعطیل گشت یاران در عوض ۷۰۰۰ محفل روحانی محلی تأسیس کردند و مجموع آنها به بیش از ۳۰۰۰۰ محفل رسانیدند .

اگر اراضی مشرق الاذکار در ارض طاء غصباً تصرف شد یاران ۹ قطعه دیگر خریداری کرده و می کنند و تعداد اراضی مشرق الاذکار را بر ۱۲۲ قطعه بالغ نموده اند .

اگر کتب و آثار را در ایران گرفتند و سوختند و از میان بردند در عوض تعداد زبانهایی که به آثار الهیه مزین گشته با ترجمه به ۹۱ زبان جدید به ۷۴۰ زبان بالغ شد .

اگر کلاسهای درس اخلاق در آن کشور تعطیل شد هزاران کلاس دیگر در شرق و غرب تأسیس گشت و ۲۶۶ کتاب مخصوص اطفال بهائی به ۵۶ زبان در ۷۱ کشور به طبع رسید و اگر نونهالان و جوانان بهائی را از تحصیل علوم محروم ساخته و از مدارس ایران اخراج نمودند پیروان اسم اعظم در عوض ۳۹۲ مدرسه در قارات مختلفه تأسیس نمودند و در بعضی ممالک کتب درسی مخصوص امر بهائی در مدارس عمومی تألیف کرده و تدریس می کنند .

اگر احباء ایران را از کار و شغل و رزق یومی ممنوع و محروم ساختند بهائیان عالم به ایجاد ۴۲۰ برنامه بهداشتی و کشاورزی و تربیتی پرداختند که آشنا و بیگانه از آن منتفع شوند .

اگر جرائد و رادیو و تلویزیون در ایران وسیله هتک حرمت شریعة الله و انتشار افتراء نسبت به احباء الله گشته در ممالک و بلاد سائره بقدری جرائد و وسائط اعلان عمومی درباره امرالله به نشر حقایق پرداخته اند و تزییقات

یاران را درایران تقبیح نموده به اشاعة اخبار و مقالات در حمایت از امر اعظم و بهائیان مظلوم پرداخته اند که احصائش دقیقاً ممکن نه . یاران وفادار به این مراتب نیز اکتفا ننموده اند و علاوه بر رادیو بهائی در کشور اکوادور سه فرستنده رادیو مستقل بهائی نیز در کشورهای بولیویا و پرو و امریکا تأسیس کردند که منحصرأ در دست بهائیان است و به انتشار تعالیم الهی و پخش برنامه های مفید اجتماعی مشغول است .

اگر احباء ایران از مسافرت و شرکت در میادین خدمت موقتاً محروم گشته اند بحمدالله بهائیان عزیز در شرق و غرب جبران آن محرومیت را نموده اند چنانکه بیش از ۳۲۰۰ مهاجر فداکار قیام کرده و اهداف نقشه هفت ساله را تحقق بخشیده اند بعلاوه بیش از ۵۸۰۰ نفر دسته دسته به اسفار تبلیغی از طریق مؤسسات امریه اعزام گشته اند .

اگر در مجلس ایران ذکر امرالله فقط از حلقوم ارباب کینه و غرض بیرون می آید در عوض مجامع عالیه عالم و پارلمانهای ملل تا بحال متجاوز از یکصد لایحه و بیانیته درحمایت از امر اعظم گذرانده اند . از جمله در پارلمان اروپا که مرکب از نمایندگان ده کشور اروپایی است سه لایحه به اتفاق آراء به تصویب رسیده که به موجب آن نمایندگان از احزاب مختلفه در ده کشور اروپایی از دولتهای خویش خواسته اند که حمایت از مظلومان ایران را متعهد گردند .

پس ای یاران عزیز چون دیده بصیرت بگشاییم سر فدا را در استقامت بهائیان عزیز در ایران مشهود بینیم و سر تعظیم پیش آن واصلان بارگاه قرب الهی فرود آوریم و به زبان دل آن جواهر وجود را صلا زینم که ای مقبلان ای منجذبان بشارت باد شما را که به آئین دلدادگی فائز گشتید و خاور و باختر را به تجلیات عشق جمال مبین منور فرمودید در مجمع احباب روح جدید دمیدید و طریق انقطاع نمودید و کل را بر عبودیت آستان تحریض و ترغیب نمودید و بر آن داشتید تا بنام شما در اقصی نقاط دنیا مشروعات عظیمه برپا کنند و نقشه های عدیده در تبلیغ و انتشار امرالله

طرح نمایند . از برکت خون پاکتان گلستان عرفان آبیاری گشت و دهها هزار نهال نورسته بیار آمد و سبب تزئین حدیقه حقیقت گردید چنانکه مثلاً در هندوستان بیش از یکصد و شصت هزار نفر اخیراً در ظل امرالله وارد گشتند گمان مبرید ما که به انتساب به آن شیران بیشه فدا مفتخریم از ذکر خیرتان غافلیم شب و روز یاد دل افروز شما شمع هر انجمن است انوارش الهام بخشد و حرارتش دلگرم نماید جمالش دلربایی کند و عطر کافوریش مشک بیز شود . آسوده و مطمئن باشید که راه شما پوئیم و نگذاریم که ما را به بیوفائی منسوب کنند . شما در سبیل عشق بهاء جان دادید ما وقت و استعداد خداداد را بر طبق اخلاص نهیم و نثار راهش نمائیم شما دیده از مال و اندوخته بکلی دوخته‌اید ما آنچه را خداوند بیمانند عطا فرموده در سبیل عبودیتش فدا کنیم شما به اعمال طیبه طاهره به انتشار و ترویج امرالله پرداختید ما نیز لسان به تبلیغ گشائیم و از برکت جانبازی شما نفوس کثیری را به ساحل سعادت رسانیم . اگر از حرکت محرومید ما جبران کنیم و تشستی را که حال خداوند به ما عنایت فرموده وسیله ارتفاع امرالله در نقاط جدید و لازمه نمائیم در یک محل مجتمع نشویم و بنام شما به فتح اقالیم سائر پردازیم . رداء تقدیس بر دوش گیریم تا بر دامن پاکتان که تار و پودش را از راستی و درستی و خداپرستی بافته‌اند غباری ننشیند . جوشن انقطاع در برکنیم تا چون شما روئین تن شویم و از هجوم مکاره دنیا و حرص و طمع و شهوات که از خصائص عالم طبیعت است نجات یابیم . از آلایش جهان فانی رو برگیریم و به آسایش حقیقی جاودانی رسیم . غمخوار یکدیگر شویم دستگیر و مساعد و همراه و معاضد هم گردیم و چنان کنیم تا اعمال و اخلاقمان بر تقدیس و تنزیه امر الهی چون آن شیدائیان حلقه محبه الله شهادت دهد و شاهد سعادت ابدی رخ گشاید و لقاء جمال ابهی در ملاء اعلی چهره نماید .

دعای این مشتاقان در جوار مقامات مقدسه علیا چنان است که آن عزیزان مهجور به آنچه در ضمیر منیر تعهد فرموده‌اند فائز گردند و مظلومان ایران

را با اعمال و اقوال و عبودیت آستان کردگار شادمان و امیدوار فرمایند و مفتون وفاداری و بردباری خویش کنند و باری از دوش توانایشان بردارند و بیش از پیش آنان را بر علو مقامشان و عظمت اعمالشان واقف سازند و البته چنین خواهد شد .

بیت العدل اعظم

### محفل مقدّس روحانی ملّی بهائیان استرالیا شیّدالله ارکانه

بیت العدل اعظم الهی مقرر فرمودند که بواسطه آن محفل نکاتی چند به احبّای عزیز ایرانی که فعلاً در ظلّ آن محفل جلیل واقع شده و آرزوی خدمت به آستان مبارک را داشته و دارند ابلاغ گردد .

آن عزیزان بیش از همه واقف و آگاهند که با فداکاریها و جانبازی‌هایی که هموطنان جمال مبارک در کشور مقدّس ایران بر خود هموار ساخته و در سبیل محبّه‌الله جان و مال خود را ایثار فرموده‌اند با چه عظمت و حرمت و عزّتی از طرف یاران سایر ممالک یاد می‌گردند لهذا احبّای عزیز ایرانی که به هر نحو بوده موفق به حفظ خویش گردیده و پناه به ممالک راقیه برده‌اند باید هر روز متوجّه و متنبّه باشند که احبّای عزیز سایر ممالک انتظاراتی بیش از حد از احبّای ایرانی دارند و منتظرند که از فرزندان شهیدان و قهرمانان بهائی در ایران آثاری پدیدار گردد که برازنده انتسابشان به ابطال میدان وفاست . مع الاسف دیده می‌شود که در بعضی از نقاط یاران ایرانی به تعداد زیاد جمع می‌شوند و خواه و ناخواه از اجتماعشان مضراتی به ظهور می‌رسد که مشکلاتی را برای آن ممالک بوجود می‌آورد . هر یک از آن عزیزان قادرند که چون شمعی روشن در هر انجمن برافروزند و با خضوع و خشوع و تمکین و انقیاد تامّ به مؤسّسات امریه در آن کشور بر خدمت محوکه اشتغال ورزند اما به تجربه دیده شده که اجتماعشان در یک نقطه از جمله سبب می‌گردد که امرالله را در آن ممالک یک دیانت شرقی و ایرانی تصوّر کنند و اهالی آن ممالک رغبتی به تحقیق و پیوستن به امر مبارک در دل حاصل نمایند . و همچنین این خطر موجود است که تبعیت

از عاداتی که احبّاء در ایران داشتند و از اجتماعاتی که برای ملاقات و دید و بازدیدهای خویش برپا می‌کردند در کشور جدید نیز مجدداً آغاز گردد و دانسته یا ندانسته بساط غیبت که باعث رنجش و کدورت و اخماد شعله خدمت در قلوب و نفوس می‌گردد گسترده شود . لهذا تقاضای بیت العدل اعظم این است که آن نفوس مگر در موارد معدودی که عذرهای موجّه در میان باشد سعی نمایند از محلّهایی که تعداد یاران ایرانی زیاد است به نقاط دیگر روند و در آن نقاط جدیده علم امرالله را مرتفع نمایند و سبب ممنویّت محفل مقدّس ملّی آن سامان گردند .

آنچه لازم بود معهد اعلی در پیامهای فارسی خود در پنجم جون ۱۹۷۷ و ۱۰ فوریه ۱۹۸۰ و ژانویه ۱۹۸۵ مرقوم داشته‌اند که البته ملاحظه کرده و خواهند کرد .

بیت العدل اعظم الهی امیدوارند که احبّای عزیز ایرانی خود را فراموش کنند و تضيیقات جدید را در نظر گیرند و باب اجتماع و انتقاد را مسدود سازند و به آنچه از طرف محفل مقدّس آن سامان منتشر می‌گردد توجه کنند و بجای اینکه خود را یک جامعه مجزاً در استرالیا تصوّر نمایند در جامعه بهائی آن سامان ادغام گردند .

انشاءالله این تذکرات مثمر ثمر واقع گردد و یاران عزیز ایرانی که به تأییدات الهیه در آن سامان مستقر گشته‌اند سبب افتخار جامعه بهائی استرالیا و رضایت محفل ملّی آن سامان گردند .

با تقدیم تحیات

از طرف دارالانشاء بیت العدل اعظم

### یاران عزیز مهد امرالله در جمیع بلاد عالم

اهل بهاء را بشارت باد که در این ایام پر آشوب که ارکان عالم امکان از حوادث مدهشۀ متواترۀ مستولیه متزلزل و لرزان است و جهانیان از خطرات محتومۀ آتیه که متوجۀ عالم انسان است ترسان و هراسان، پیروان مظلوم امر اعظم به مدد قوۀ غالبۀ دافعۀ محیطۀ الهیۀ هر روز نصرت جدیدی یابند و نوید امیدی بینند. نه وقایع مرعبۀ جهان ناسوت از تعدد و تنوع مجهوداتشان در سبیل تأسیس ملکوت الهی در این جهان ظلمانی بکاهد و نه ظلم دشمنان دیرین و کید و مکر ماکرین مانع سیر و سلوکشان بر منهج قویم و صراط مستقیم گردد. زیرا قریب به یک صد و پنجاه سال است طوفانها دیده و محنتها کشیده و تجربه فرموده‌اند که هر وقت سیلی بنیان افکن هجوم نمود و درختان کهن را ریشه‌کن ساخت و بر خاک نیستی بینداخت هرگز نهال نوحاسته امر الهی را آسیبی نرسانید بلکه آنرا قوت و قوت بخشید. چه بسا ملاحظه نموده‌اند که دشمنان ظالم بی‌انصاف هر وقت برای انهدام بنیان امرالله آتشی افروختند نور و حرارتشان نصیب یاران شد و خاکستر مذلتش بر فرق آتش افروزان نشست. چه بسا آه سوزانشان ابر عنایت را بحرکت آورد و اشک خونینشان سبب ریزش باران رحمت شد و خون پاکشان بحر نصرت و مکرمت را بجوش آورد لهذا چه عجب اگر امروز ملاحظه نمائیم که یاران ایران که از تجارب وقایع گذشته درس عبرت گرفته و اهل بصیرت گشته‌اند در این ایام باز در سبیل محبتۀ الله و تحکیم بنیان امرالله اسیر بند و زنجیر گردند و شکوه‌ای ننمایند هدف تیر شوند و اعتنایی نکنند شکنجه و تعزیر بینند و بجان پذیرند و بیقین بدانند که آنچه بر سرشان می‌رود وسیلۀ اعلاء کلمۀ الله است و باعث جذب تأییدات ملاءاعلی و سبب فخر و عزت اهل بهاء در سراسر دنیا. این است که

می‌بینیم بارها در جانبازی اهل بها سر " بلائی عنایتی " مکشوف گشته و به عرصۀ شهود آمده است چنانکه در طی نقشۀ هفت ساله که مقارن با انقلاب ایران و ظهور و بروز مظلومیت یاران آن سامان بود امدادات مخصوصۀ جنود ملکوت چنان احاطه نمود و فتوحاتی را نصیب جامعۀ بهائی فرمود که از بسیاری از جهات در تاریخ امرالله نظیر و مثیلی نداشته است. ذکر آنچه در این هفت سال نصیب اهل بهاء گشته سبب تطویل کلام شود و کل در مکاتبات و مخابرات گذشته از طرف این مشتاقان به تدریج مذکور گشته و به اطلاع عزیزان حق در جمیع بلاد رسیده است. به همین کفایت می‌رود که فقط به بعضی از آثار ترقی و تقدّم امر مبارک در سال گذشته که از نتایج مستقیم جانبازی عزیزان حق در ایران حاصل آمده اشارت رود تا انشاءالله سبب سرور و فرح و روح و ریحان ستمدیدگان کوی جانان و مزید وثوق و اعتماد آنان گردد:

در مجمع عمومی سازمان ملل متحد که برترین مقام در هیأت اجتماعی بشری است نام مبارک بهائی مرتفع شد و در تصویب قطعنامه‌ای در حمایت از مظلومان ایران مذکور افتاد و این مناجات مولای بیهمتا را با وضوحی بیشتر و نمایانتر بخاطر آورد که خطاب به محبوب ابهی می‌فرمایند:

« سپاس ترا که ... نقاب از وجه شریعت غزایت برانداختی و سر مکنون و رمز مصون را شهرۀ آفاق نمودی کوس استقلال دین مبین را در اعلی‌المقامات بدست دشمنان دیرین علمای رسوم بلند نمودی و به سمع قریب و بعید رساندی.»

در پارلمان مشترک اروپا که مرکب از کشورهای بزرگ اروپایی و همچنین در بعضی از پارلمانهای دیگر بسیاری از ممالک راقیۀ جهان داستان دوستان ایران و لزوم حمایت از ایشان از طرف ارباب انصاف بار دیگر بیان شد و انظار مردمان را که تا این اواخر حتّی نام بهائی را نشنیده بودند بیش از پیش متوجۀ جامعۀ اهل بهاء و تعالیم و مبادی عالیۀ شریعة الله نمود. بیانیه مشروعی درباره صلح خطاب به اهل عالم صادر و به انضمام مکتوبی

مخصوص از این هیأت خطاب به هر یک از رؤسا و ملوک عالم بلااستثناء فرستاده شد و طرز ابلاغ آن چنین بود که نامهای به اسم و رسم هر یک از رؤسا و سلاطین از طرف بیت العدل اعظم به وسیله اعزام نماینده مخصوص یا به واسطه محافل روحانیه ملیه و یا از طریق سفرای ممالک در ملل متحد و معدودی با پست مسجل ارسال گردید. اکثر رؤسا کتباً یا شفاهاً مراتب امتنان خویش را از مضامین آن بیانیه که مفادش مستمد و مقتبس از آثار باهره الهیه و تبیینات واضحه دو مبین منصوص است، اظهار داشته‌اند. محافل ملیه و محلیه و قاطبه احباء بیانیه مذکور را به اولیاء امور ملی و محلی رسانده و خواهند رساند. از اهم وقایع مربوط به ابلاغ بیانیه صلح آنکه حضرت امه‌البهاء روحیه خانم ایادی امرالله بالنیابه از این جمع طی مراسمی رسمی نسخه‌ای از آن را به دبیر کل سازمان ملل متحد ابلاغ نمودند و مشارالیه که از مفاد آن مطلع گشته بود تقدیر و امتنان خویش را ابراز داشت و از جامعه بین‌المللی بهائی که در اشاعه اصول و مبادی آن سازمان پیشقدم هستند سپاسگزاری کرد.

مظلومیت یاران ایران از طرفی موجب شهرت امر الهی گردید و از طرف دیگر باعث شد که بسیاری از مراکز مواصلات و مخابرات در رادیوها و تلویزیونهای معروف و جرائد کثیرالانتشار جهان که احصاء دقیق آن ممکن نیست به صرافت طبع برنامه‌های مفصل تهیه و اجرا نمایند و ندای اسم اعظم را به گوش قریب و بعید و ضعیف و شریف رسانند.

اهمیت مخابرات و طلب مجامع غیربهائی در کسب معلومات چنان رونق یافت و مخابرات رسمی چنان بالا گرفت که ناچار در ارض اقدس اداره‌ای بنام دفتر اطلاعات عمومی بهائی تأسیس گردید و شعبه‌ای دیگر از آن نیز در مرکز نمایندگی جامعه بین‌المللی بهائی در سازمان ملل متحد در نیویورک بکار افتاد.

همزمان با تشهیر امر یزدان و ازدیاد عطش روحانی جهانیان امر تبلیغ نیز بالا گرفت چنانکه تابحال بشارت اقبال بیش از چندصد هزار نفر در

کشورهای مختلفه به این شطر رسیده و در همین مدت ۲۱۳۵ محفل روحانی جدید تأسیس گشته و امید می‌رود که تا رضوان آینده تعداد محافل روحانیه که بر ۳۱۸۰۶ محفل بالغ شده از این رقم نیز بالاتر رود. همچنین تعداد مراکز جدیدی که در این سنه مفتوح گشته ۸۳۱۸ مرکز است که تا بحال نزدیک به یکصد و بیست هزار (۱۲۰۰۰۰) مرکز در شرق و غرب عالم از انوار اسم اعظم منور گردیده است.

برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی به نوعی که یاران در سبیل خدمت به خلق تدارک دیده‌اند در این یکسال پیشرفت فراوانی کرده و بهائیان به اجراء ۳۳۹ مشروع جدید از مشروعات عمومی عام المنفعه از قبیل تأسیس مدارس روستایی و مؤسسات صحی و کشاورزی و خدمات اجتماعی موفق گشته‌اند و تعداد اینگونه مشروعات را به ۸۸۶ رسانده‌اند. با افتتاح یک ایستگاه فرستنده رادیو بهائی در کشور پاناما در آمریکای مرکزی و عنقریب با بکار افتادن دو فرستنده دیگر در لیبیا در غرب آفریقا و شیلی در آمریکای جنوبی تعداد ایستگاههای رادیو بهائی بر هفت بالغ خواهد گردید.

تنوع خدمات و تعدد اقدامات یاران در ایام به حدی است که فی‌الحقیقه نمی‌توان همه را ذکر نمود همینقدر می‌توان گفت که چه در مجهودات خاصه اهل بهاء از قبیل انتشار کتب و آثار بهائی و تأسیس کلاسهای دروس امری برای جوانان و اطفال و ابتیاع حظائر قدس و موقوفات و اراضی مشرق‌الاذکار و چه شرکت در مجامع و مؤسسات عمومی از قبیل شرکت مؤثر احباء در کنفرانسهای بین‌المللی نظیر کنفرانس زنان و جوانان و نمایشگاه‌های بین‌المللی کتاب و غیره نشاط و فعالیت‌های جدیدی در جمع اهل بهاء مشهود است که در بسیاری از نقاط عالم سبب ایجاد روابط مستحکم و متین جامعه بهائی با حکومت‌های متبوعه گشته و تعداد طالبین حقیقت را افزایش داده و صاحب‌دلان را بر اذعان و اعتراف به حقانیت امر جمال ایهی برانگیخته است.

به موازات این ترقیات عدیده و واسع در داخل و خارج جامعه بهائی طبعاً هیأت‌های انتصابی مشاورین قاره‌ای نیز که از ارکان نظم اداری محسوبند وارد مرحله جدیدی گشتند یعنی حضرات مشاورین که خادمان برانزده جامعه یاران و مشیر و مشار آنان در امور مهمه بوده و هستند بر خدمات عظیمه مشکوره روحانیه خویش افزودند و با کمال انقطاع بر اثر اقدام حضرات ایادی معززه امرالله علیهم بهاءالله که هادی و قدوه حسنه آنانند مشی نموده قدر معنوی خویش را مضاعف ساختند و بالطبع لازم آمد که مطابق با اتساع دائره امرالله تعداد این نفوس نفیسه نیز افزایش یابد و حال اعضاء آن هیأت جلیله از ۶۳ نفر به ۷۲ نفر بالغ گردیده است. حضرات مشاورین که در ظل مجمع جلیل دارالتبلیغ بین‌المللی بر عبودیت آستان الهی قائمند و به اجراء دستورالعملهای مصرحه معینه مشغول و بر تحقق اهداف نقشه‌های تبلیغی ساعی و جاهد فی‌الحقیقه سهمی عظیم در حصول انتصارات اهل بهاء داشته و دارند چندی قبل تقدیراً لمجهوداتهم و تمهیداً لاتساع نطاق خدماتهم به ارض اقدس دعوت گردیدند و جز معدودی که از حرکت به این شطر به واسطه مقتضیات مملکتی جبراً ممنوع بودند بقیه موفق گشتند بعد از فوز به زیارت مقامات مقدسه مبارکه نورا و طلب تائید از جنود مجنده ملاءاعلی و اظهار نیستی و محویت در حضرت جمال کبریا در مقر دارالتشريع به حبل مشورت پردازند و راجع به مجهودات و فتوحات گذشته در ظل نقشه هفت ساله و شروع نقشه شش ساله مذاکره فرمایند.

رشد و نمو ذاتی و حیاتی امر الهی حال مقتضیات جدید و امکانات بدیعی را بوجود آورده که در مجهودات اهل بهاء و جامعه جهانی بهائی نیز منعکس گردیده است و ترقیات مؤسسات و مشروعات امرالله حال به درجه‌ای رسیده که مقرر گردیده است نفس محافل روحانیه ملیه با مشورت کامل و دائم مشاورین در هر قاره اهداف نقشه شش ساله را خود تعیین نمایند و بصیرت و لیاقتی که بر اثر تجارب گذشته در میدان خدمت یافته‌اند صرف تقدّم امر مبارک نمایند.

نقشه شش ساله که از رضوان امسال شروع می‌شود در سال ۱۹۹۲ مطابق با سنه ۱۴۹ بدیع یعنی بعد از یک قرن از افول شمس حقیقت در عالم ادنی، پایان می‌پذیرد. در آن سال عظیم که خاتمه مجهودات شش ساله اهل بهاست مقرر است که دوّمین کنگره جهانی بهائی در مدینه میثاق با حضور ده‌ها هزار از پیروان اسم اعظم از جمیع اقطار انعقاد پذیرد و بذکر و ثنای جمال رحمن و شکر و سپاس تائیدات بی‌قیاسش که نصیب اهل بهاء فرموده اختصاص یابد.

باری ای دوستان الهی با این همه ترقیات محیرالعقولی که نصیب امر الهی گشته هر صاحب بصیرتی در می‌یابد که عالم بهائی وارد مرحله‌ای جدید در مراحل تدریجی نظم اداری امرالله گشته است لهذا این هیأت طی پیام مورخ ۲ ژانویه ۱۹۸۶ اعلام داشت که حال عهد چهارم از عصر تکوین آغاز گردیده و مرحله جدیدی در حیات روحانی جامعه بهائی بوجود آمده است که خود طلیعه عهدهای آینده این عصر نورانی خواهد بود و تا ظهور عصر ذهبی نظم بدیع جهان آرای الهی امتداد خواهد داشت.

بر اهل بهاء پوشیده نیست که مولای عزیز توانا حضرت ولی امرالله در تبیین مراحل نشو و ارتقاء امر اعظم و نظم جهان آرای الهی، به همان قسم که عصر رسولی را به سه عهد اعلی و اهبی و عهد مرکز میثاق جمال کبریا تقسیم فرموده‌اند، عصر ثانی یا عصر تکوین را که امتدادش نامعلوم و ختامش با شروع عصر اخیر و ثالث دور بهائی یعنی عصر ذهبی مقارن است به مراحل منقسم ساخته و بیان داشته‌اند که عهد اول عصر تکوین با افتتاح الواح وصایای حضرت عبدالبهاء آغاز شد و قریب به ۲۵ سال امتداد یافت. در این عهد عظیم به هدایت و قیادت مرکز ولایت امر حضرت احدیت اساس نظم اداری امرالله مرتفع شد و به فرموده حضرتش بتدریج قوه قدسیه الهیه که در عصر رسولی دور بهائی تولّد یافته ... در مرحله اولای عصر تکوین در تشکیلات و مؤسسات این نظم بدیع متدرجاً حلول نموده و متجسد گردید.



عهد ثانی یا مرحلهٔ ثانیهٔ عصر تکوین مقارن با سنین اولیهٔ قرن دوم بهائی آغاز گردید و تا تأسیس بیت العدل اعظم در سنه ۱۲۰ بدیع ادامه یافت. در این عهد تشکیلات نظم جهان آرای الهی که بفرمودهٔ مبارک به منزلهٔ ادوات و قنوات مشخصهٔ معینهٔ اند کلّ حامل و واسطهٔ ایصال فیض نامتناهی الهی به این جهان پر وحشت و انقلاب گردید و یاران به مدد آن وسائط فعالهٔ نقشه‌های تبلیغی ملّی را تدارک دیدند و خویش را آمادهٔ جولان در میادین بین‌المللی در ظلّ نقشهٔ دهسالهٔ جهاد جهانی روحانی نمودند که بفرمودهٔ مبارک خود "مقدمهٔ تأسیس و استحکام نظم بدیع الهی و اقامهٔ ارکان دیوان عدل الهی در جمیع ممالک و بلدان عالم" بود.

عهد سوم از عصر تکوین با خاتمهٔ نقشهٔ دهساله و انتخاب بیت العدل اعظم اعلان گردید و قریب به ۲۳ سال ادامه یافت و شاهد رشد و نموّ سریع امرالله و انتشار انوار هدایت کبری و بسط مؤسّسات مبارکهٔ علیا در بسط غربا گردید. در این مرحله محافل روحانیهٔ ملیه و محلیه از حیث تعداد و استعداد ترقیات عظیمه یافتند و بر قبول مسئولیت‌های خطیر جدید قادر گشتند. هیأت‌های منتصبهٔ مشاورین بوجود آمدند تا به ادامهٔ وظائف هیأت جلیلهٔ ایادی امرالله علمداران سپاه نجات پردازند و به اقتدا از آن نفوس نفیسه در ترویج و محافظهٔ امرالله ساعی و جاهد گردند.

تعداد محافل روحانیهٔ ملیه که ارکان بیت العدل اعظم محسوبند که در بدایت عهد ثانی فقط ۸ محفل بود در خاتمهٔ عهد ثالث به ۱۴۸ محفل ملّی بالغ شد یعنی به بیش از ۱۸ برابر افزایش یافت.

بنای دارالتشریح که کانون مجهودات اهل بهاء است پایان یافت و واسطهٔ ارتباط با مراکز متعدّد عالم شد.

هیأت نمایندگی جامعهٔ بین‌المللی بهائی در ملل متحد استحکامی فراوان پذیرفت و از عضو ناظر به عنوان عضو مشاور در سازمان‌های غیردولتی ملل متحد ارتقاء یافت و نفوذ و خدماتش در ملل متحد در سبیل صلح و آشتی بین ملل و دول بیشتر شد. نقاب مجهولیت در اکثر نقاط عالم از

وجه صبیح امر الهی گرفته شد و تجلیات جمال ابهی جهان امکان را فراگرفت.

پس ای یاران معنوی شاد باشید و مستبشر و مطمئن که آنچه واقع شده و می‌شود ممد و مؤید آئین الهی و سبب خیر بندگان بارگاه مقدّس اوست. کوتاه نظرانند که از نهیب حادثه از میدان بدر روند اما برگزیدگان جمال کبریا دیدهٔ جهان‌بین دارند و به افق سعادت ابدی ناظرند و طلوع شمس وعده‌های جانپور الهی را منتظر. کار خود را به لطف پروردگار حواله کنند و کامکاری را در بردباری شناسند و یقین نمایند که آیهٔ "سوف ینزل علیٰ اجبائه ما یجعلهم به غالباً علیٰ کلّ شیئی و انهم بعد ما غلبوا سیغلبون" در حق ایشان نازل و بیان آن موعدهم الصبح الیس الصبح بقریب" بر دشمنان امر الهی صادق. جمال مبارک جلّ ثنائه به اصرح کلام اهل بهاء را بشارت داده و وعده فرموده‌اند که:

«ای دوستان نور فوق نور و عنایت فوق عنایت و رحمت فوق رحمت و عزّت فوق عزّت و نعمت فوق نعمت است انشاءالله محروم نمائید و ممنوع نشوید و مقامات خود را به اسم مالک وجود و سلطان غیب و شهود حفظ نمائید ظلم ظالمین و اعراض معرضین و ضوواء فاسقین شما را محزون ننماید قسم به سلطان وجود عنقریب جمیع این بساطها برچیده شود و اثری از این نفوس در ارض باقی نماند و در عرصهٔ هستی و انجمن عالم ذکر شما و مقامات شما و آنچه از شما ظاهر شده و یا در سبیل حق بر شما وارد گشته حرف بحرف ظاهر شود و در عالم منتشر گردد»

شکی نبوده و نیست که هر بساطی که بنایش بر کذب و افترا و ظلم و جفا باشد بقایی نیابد و بزودی منظوی گردد و نجم و آمال دشمنان حضرت ذوالجلال آفل شود و غلبهٔ امرالله محقق گردد.

نظر به این بیان صریح حضرت ولی امرالله نمایند که می‌فرمایند:

«جمعی از بله‌اء و سفه‌اء چنان انگاشتند که پیروان امر حضرت بهاءالله روحی و روح من فی الوجود لسلطنته الفداء مشتئی ضعفایند و در گوشه و

شهرالکمال ۱۵۰ بدیع

آگوست ۱۹۹۳

### پیروان اسم اعظم از کشور مقدس ایران در سراسر جهان

ای بندگان جانفشان آستان الهی بشارت جانفزایی که در این اوقات از جمیع جهات می‌رسد نه چندان است که بشمار آید و نه چنان است که قالب گفتار پذیرد. اهل بهاء بمقتضای وفا حتی در بحبوحه بلایاء و رزایاء آبی سر از درگاه عبودیت جمال ابهی برتافتند و هرگز در عرصه مجاهدت از سرعت سمنند همت نکاستند. در هر دم قدمی به پیش نهادند و هر روز در میدانی پیروز گشتند و علمی جدید برافراشتند که اهتزازش بر قلل شامخه در خاور و باختر نظر ارباب بصر را خیره ساخت و لسان آشنا و بیگانه را بذکر و ستایش و تمجید و ثنای عاشقان جمال کبریاء بیآراست. اهداف نقشه شش ساله که نخستین مشروع عمومی یاران در آغاز عهد چهارم عصر تکوین بود تحقق یافت و تأییدات محتومه ملاءاعلی شامل شد و مساعی مشکوره اهل بهاء به نتایج مطلوبه رسید. باز قوه اسم اعظم جلوه در آفاق کرد و نفحات قدس در جمیع ممالک منتشر شد بحدی که در این دوره کوتاه بیش از یک میلیون و پانصد هزار نفر از هر قوم و جنس و رنگ ندای حق را اجابت کردند و به جمع اهل بهاء پیوستند. حتی در بعضی از بلاد تعداد احتیاء هفت برابر شد و در کشوری به شش درصد جمعیت کل کشور رسید. تفصیل داستان همت دوستان سبب تطویل کلام است و خارج از حوصله این مقام. همین قدر می‌توان گفت که تعداد محافل ملیه که ارکان بیت‌العدل اعظمند به ۱۶۵ محفل افزایش یافت. تشکیل اغلب محافل جدیدالتأسیس در ظل نقشه فرعی دو ساله‌ای بود که بر اثر تغییر وضعیت در ممالکی که تحت سیطره اتحاد جماهیر شوروی بودند طرح گردید و در

کنار بعضی از ممالک مظلومه متأخره افتاده و پراکنده. جمعشان متشتت و روحشان افسرده و افکارشان پریشان و منقلب. جهت جامعه مفقود و از فیوضات روح القدس ممنوع و مأیوس... هزار شکر شارع قدیر را که حقیقت شریعة الله را بر مدعیان مکشوف نمود و سطوت قدیمه را در انظار جهانیان از خواص و عوام جلوه داد. عنقریب کل شهادت دهند که بهائیان کاسر اصنام اوهامند و از تعصبات جاهلانه فارغ و آزاد. هوشمند و غیورند و توانا و مقتدر. با درایت و کفایتند و خیرخواه دولت و ملت. پر نشئه و نشاطند و از پیشرفت مقاصدشان پر بهجت و انبساط. مستمداً از روح قیاضند و متکل بر امدادات متابعه حضرت بی‌نیاز. عده‌شان یوماً فیوماً در ازدیاد و انفاس مسکینه قدسیه‌شان آناً فاناً در انتشار. در اکثر اقالیم با روحی پر فتوح چون فارسان دلیر به تسخیر قلوب و تطهیر اخلاق و تزکیه نفوس مأنوس. حاملین پیام نجاتند و رافعین خیمه وحدت عالم انسان. در شرق و غرب عالم پیروان اسم اعظم چون اعضاء و جوارح یک تن متحد و مرتبط و در ظل نظم اعظم به تمهید سبیل و تأسیس مدیتهی بی‌مثیل مشغول... سنریهم آیاتنا فی الافاق وسیعلم الذین ظلموا ای منقلب ینقلبون»

پس ای دوستان مهربان وقت شادمانی است زیرا وعود حضرت کردگار پی در پی در عالم امکان آشکار و پدیدار شود. چه نیکوست که در این عصر مبارک که فرصتهای جدیدی در میدان عبودیت فراهم آمده چشم از غیرحق برنندیم و اعمال و اقوال و اوقات و اموال خویش را وسیله عزت و نصرت امر الهی نمائیم و به جان بکوشیم تا آهنگ جهان بالابند شود و پرتو ملاءاعلی بدرخشد و سراپرده یگانگی بلند شود آئین نفاق از لوح آفاق برافتد باید در همه حال وفاداری را در فداکاری دانیم تا چند صباحی که در این جهان فانی فرصت ماست در راه عشق و محبت محبوب آفاق بگذرانیم و در عالم بقاء فیض حضور یابیم و از صهبای سرور نوشیم و از ثمره حیات برخوردار گردیم. بیت العدل اعظم

نتیجهٔ اجرائش اهل بهاء نباء عظیم را بگوش مردم محروم آن اقالیم رساندند و چنان به وجد و سرورشان آوردند که یک شبه ره صد ساله سپردند و به سرعت به تشکیل محافل روحانی و مؤسسات بهائی موفق گشتند .

اعلان و تشهیر امر الهی در این دورهٔ شش ساله بیش از همیشه مطمح نظر پیروان جمال ابهی گشت . انتشار پیام "عده صلح جهانی" خطاب به اهل عالم در صدها هزار نسخه وسیله شد تا یاران رسماً به ملاقات ملوک و رؤسای جمهور و سران دول و اعضاء مجالس مقننه و دانشمندان و وجوه اهالی شتافتند و متعاقباً در جرائد و رادیو و تلویزیون به اعلان ندای الهی پرداختند و راه اقبال جم غفیری را هموار نمودند .

از توفیقات دیگر اهل بهاء در این مدت افتتاح مشرق الاذکار هندوستان بود که جاذبهٔ روحانی و هندسهٔ بدیعی در هر سال قریب به چهار میلیون نفوس را از وضیع و شریف از شمال و جنوب و شرق و غرب به زیارتش می‌کشاند و نفوس مهمه را از هر مملکت و هر جنس و رنگ با امر مبارک آشنا و به ستایش تعالیم الهیه مقرر و معترف می‌سازد و بسا از این نفوس در مراجعت به کشورهای خویش و ارتباط با هموطنان بهائی به اقبال نائل و به شکرانهٔ موهبت ایمان به قیام بر خدمت امرالله فائز می‌گردند .

اجراء یک هزار و سیصد و چهل و چهار طرح و مشروع عام‌المنفعه در زمینهٔ رفاه اجتماعی و تعلیم و تربیت و بهداشت و کشاورزی ، همت جوانان عزیز بهائی در اکتساب معارف امری و قیامشان در میدانهای تبلیغ ، معاضدت و مساعدت حضرات مشاورین و همکاریشان با محافل روحانیه در تقویت ارکان تشکیلات روحانی یاران ، قیام متجاوز از چهارهزار نفر به مهاجرت و اسفار تبلیغی و تشویقی ، مدافعات مکرر و مؤثر جامعهٔ بین‌المللی بهائی در مراجع عالییه از حقوق مسلمیهٔ اهل بهاء درمهد امرالله کل سبب شد تا پردهٔ مجهولیت آئین الهی شکافی دیگر گیرد و انوار وجه صبیحش بیش از پیش در عالم امکان درخشنده و تابان شود و نظر

دانشمندان و روشن‌بینان جهان را متوجه جامعیت و عظمت و اصالت تعالیم جان بخشش نماید . امرالله امروز در بیش از یکصد و بیست هزار مرکز در یکصد و هفتاد و سه کشور مستقل و چهل و پنج سرزمین از بلاد و مناطق تابعه استقرار یافته و آثار امری به هشتصد و دو زبان از السنهٔ عالم ترجمه شده و نمایندگان دو هزار و یکصد و دوازده نژاد و قبیله و قوم و طائفه در ظل ممدودش محشور گشته‌اند .

پایان نقشهٔ شش ساله با حلول سنهٔ مقدس یعنی یکصدمین سال غروب شمس بهاء از افق عالم ادنی و انتشار کتاب عهد و تعیین مرکز میثاق نیر آفاق مقارن گشت . اهل بهاء در آن سال مقدس به ذکر و ثنای جمال‌قدم و اسم اعظم و محیی امم مشغول گشتند و چون مرغان سحر به تسبیح و تهلیل وجه جمیلش پرداختند و در فضای نورانی محبتش پروازی جدید آموختند و به شکرانهٔ اشراق انوار هدایتش با قدمی ثابت و عزمی راسخ و روحی مستبشر در اعلاء و اعزاز آئین نازنینش همتی مردانه نمودند .

در ارض میعاد در جوار روضهٔ مبارکهٔ علیا افخم و اقدس نقطهٔ دنیا قریب به سه هزار نفر از عاشقان باوفای جمال کبریاء از چهار گوشهٔ جهان در انجمنی تاریخی و بی‌نظیر شرکت جستند و خاضعاً خاشعاً مبتهلاً در آن فضای نورانی به سیر در عوالم روحانی پرداختند و در حین طواف آن بقعهٔ مبارکهٔ نوره که مسیرش به انوار هزاران شمع فروزان منور بود عظمت امرالله و نفوذ کلمهٔ الله را برای‌العین ملاحظه نمودند که چگونه این همه نفوس را که از حیث رنگ و نژاد و طبقه و مشرب مختلف بل متضادند در سایهٔ خیمهٔ یکرنگ محبت جمال احدیت جمع آورده که با چنین خضوع و خلوصی سر تعظیم و تسلیم بر درگاه مبارکش می‌سایند و به لسان جان محبوب امکان را می‌ستایند . هر چند این طواف واقعهٔ محزنهٔ صعود جمال قدم جلّ ثنائه را به خاطر می‌آورد و قیامتی را که در نفس آن فضا از صعود مالک اسماء برپا شده بود مجسم می‌کرد اما یاران به بشارات جانفزایش و عنایات لانه‌یادش و به وعده‌های محکمه‌اش توجه داشته‌زنگ غم از

دل می‌زدودند و به گوش هوش این پیغام سروش را که به زبان حال در آن فضای ملکوتی رنآن بود می‌شنیدند و حزن و الم و یأس و حرمان را به امید و اطمینان بدل می‌فرمودند قوله الاحلی:

«قل یا قوم لا یاخذکم الاضطراب اذا غاب ملکوت ظهوری و سکنت امواج بحر بیانی آن فی ظهوری لحکمة و فی غیبتی حکمة اخرى مااطلع بها الا الله الفرد الخبیر و تراکم من افقی الابهی و نصر من قام علی نصره امری بجنود من الملائکة المقربین»

بلی امدادات جنود ملاء اعلی است که از بدایت طلوع شمس ابهی ظهیر و معین احباء بوده و خواهد بود. آن امدادات محتومه موعوده است که ما مشتی ضعفاء را قادر ساخته که مظفراً منصوراً با هر مشکل مقابل گردیم و بر هر عائق فائق آئیم. خیل بیشمار دشمنان را متشتت و پریشان کنیم و پرچم هدایت کبری را در اقصی نقاط دنیا به اهتزاز آوریم و به اثبات استقلال شریعة الله در هر کشور موفق گردیم. از اسباب و زخارف دنیوی و قدرت و شوکت ظاهری بی بهره و نصیب بودیم به برکت عنایت جمال رحمن گنج روان یافتیم و به عزت و سطوتی رسیدیم که حبس و زندان سبب ارتفاع ایوان یزدان گردید و در اندک زمانی مرحله مجهولیت که از مقتضای نشو و ارتقاء تدریجی امرالله بود سپری گشت و صیت عظمتش جهانگیر شد و اساس نظم بدیع جهان آرایش در جمیع ممالک مرتفع گردید.

مظاهر آن نصرت و امداد مخصوصاً در سنه مقدس با تالوء و شکوهی بیشتر مشهود افتاد. مجمع عظیم روحانی، کنگرة ثانی بهائیان در مدینه میثاق در نهایت عظمت و جلال و نظم و کمال منعقد گردید که در آن نزدیک به سی هزار نفر از جمهور مؤمنین و مؤمنات از جمیع ملل و قبائل عالم حاضر بودند و در حضور حضرت امه البهاء حرم مبارک و دو ایادی دیگر امرالله برگزیدگان ولی محبوب امر الهی جمع آمدند تا به ذکر و ثنا و ستایش لطیفه میثاق که یگانه حافظ شریعة الله از انقسام و انشقاق و جهت جامعه اهل بهاء و محور وحدت نوع انسان و اعظم محرک و مربی عالم

امکان است پردازند و از قوه کلیه مکنونه‌اش مستمد گشته با روحی جدید و هیجانی شدید متفقاً متحداً بر عبودیت آستان مقدس رب الميثاق در جمیع آفاق قیام نمایند. این انجمن تاریخی فی الحقیقه آئینه مجلای عالم بالا و تصویر باهری از مدنیت الهیه و عصر زرین تاریخ بشری بود که جمیع انبیاء و اولیاء به آن بشارت داده آرزوی وصولش را در دل خویش می‌پروردند. تفصیل مراسم و وقایع یوم اخیر آن احتفال عظیم که مرکب از نمایندگان قاطبه نوع بشر بود با استفاده از اقمار مصنوعی بوسیله تلویزیون عیناً به کنفرانسهای منعقد در پنج قاره عالم از جمله در جوار مشارق اذکار مخابره گردید و پیام محبت احباء در سراسر عالم با یکدیگر مبادله شد و از مقر بیت العدل اعظم در ارض اقدس صور جلسه‌ای که به مناسبت یوم میثاق منعقد شده بود به قارات خسته عالم منتقل و خطابه بیت عدل اعظم از همانجا به واسطه همان اقمار مصنوعی به اهل عالم ابلاغ گردید و این مخابره و مبادله تاریخی که اول بار در تاریخ ادیان صورت می‌گرفت چنان اهتزاز و وجد و سروری در قلوب ایجاد کرد که شرح و توصیفش به قلم درنیاید فقط می‌توان گفت که جمع یاران در جمیع نقاط جهان وحدت و یگانگی و محبتی را که بفضل الهی در جامعه جهانی بهائی به قوه کلمه الله خلق گردیده به عین الیقین دیدند و طنین اسم اعظم یا بهاء الابهی و ذکر یا علی الاعلی را که به عنان آسمان می‌رسید به گوش خویش شنیدند و از نعمات دلنشینی که در ستایش مرکز میثاق به سبع طباق متواصل بود به وجد آمدند و زود است که اثرات این اذکار ملکوتی در هویت کائنات تأثیری شدید نماید و استعدادات عظیمی خلق کند و حرکتی جدید در عالم به وجود آورد. چه که بفرموده حضرت عبدالبهاء «امروز قوه محرکه در قلب آفاق قوه میثاق است» و نیز:

«امروز رب الجنود حامی میثاق است و قوای ملکوت محافظ میثاق و نفوس آسمانی خادم میثاق و فرشته‌های ملکوتی مروج میثاق بلکه اگر به دیده بصیرت نظر بشود جمیع قوای عالم بالنتیجه خادم میثاق».

مسک الختام سنه مقدس همآنا طبع و انتشار ترجمه انگلیسی کتاب مستطاب اقدس است که از جمله به اوصاف و القاب شامخه ام الكتاب ، برهان الرحمن ، فرات الرحمه ، صراط الاقوم ، محیی العالم ، قسطاس الاعظم ملقب و موصوف و در نوروز امسال با مقدمه و ملحقات و حواشی لازم منتشر گشته و عنقریب به السنه مختلفه نیز ترجمه خواهد شد . شکی نبوده و نیست که انتشار این سفر کریم که وثیقه عهد و پیمان و منشور مدنیت عالم انسانی و دستور نظم جهانی و گنجینه احکام و محور آثار مبارکه جمال رحمن و حاوی وصایا و نصائح عالیه و جامع بشارات و انذارات الهیه است مبدأ تحولی جدید در جهان گردد و بر مدارج عرفان پیروان اسم اعظم بیفزاید و آنان را با روحی جدید به قیام بر خدمت و ارتفاع علم امرالله برانگیزد چنانکه جمال قدم در نفس کتاب اقدس اعظم چنین بشارت داده است:

«یا ملاء الارض اعلموا ان اوامری سرج عنایتی بین عبادی و مفاتیح رحمتی لبریتی کذلک نزل الامر من سماء مشیة ربکم مالک الادیان . لو یجد احد حلاوة البیان الذی ظهر من فم مشیة الرحمن لینفق ما عنده ولو یکون خزائن الارض کلها لیثبت امرأ من اوامره المشرقة من افق العناية و اللطاف . قل من حدودی یمر عرف قمیصی و بها تنصب اعلام النصر علی القنن و الاتلال» .

شبهه نیست که این انتصارات عدیده که نصیب اهل بهاء گردیده در مذاق جان یاران ایران حلاوتی دیگر دارد زیرا که دوستان عزیز و قدیمند و در مصائب و بلاهای وارده بر اصل قدیم شریک و سهیم . بار ستم کشیدند و شهد فدا چشیدند قربانی دادند و جان باختند تا شجره طیبه الهیه از قطرات آن خونهای پاک سیراب شود و شاخ و برگش از افلاک بگذرد . این بیان مبارک حضرت عبدالبهاء چقدر مناسب این مقال است که می‌فرماید :

«ای اجتای الهی از تعرض جاهلان دلتنگ نشوید و از موارد بلا در این جهان پریشان نگردید قوه محرکه آفاق در نشر نفحات ، بلائی وارد بر

اجتاست و رزایاء متابعه بر اصفیا ملاحظه کنید هر چه جفا بیشتر دیدند علم وفا بلندتر شد و هر چه بلا بیشتر مشاهده نمودند فیض جمال الهی عظیمتر گشت» .

لهذا بندگان آستان یزدان در کشور مقدس ایران کماکان فدائی جانانند و در میدان استقامت و وفا شهسواری پرتوان . زیرا یکصد و پنجاه سال تجربه نموده‌اند که مظلومیت در سبیل عشق فاتحیت است ، غالبیت است و مرضی درگاه احدیت است علی‌الخصوص در این ایام زیرا که هر تجاوز و تجاوزی را که به دل و جان تحمل نمایند آنآ آثار مثبتة نافذهاش در عالم وجود ظاهر شود و فوراً نتایج عظیمه‌اش در ترقی و تقدّم امر عزیز الهی ملاحظه گردد . لهذا یاران ایران از دایره وفا پای بیرون نهند و از میدان استقامت باز نگردند و این غیرت و همت را صراط مستقیم عبودیت آستان الهی دانند و وسیله نیل به سعادت جاودانی شمارند و امیدوارند که این استقامت و وفا و این محبت در مقابل جفا سبب شود که معارضین و مهاجمین پرکین بالاخره جانب انصاف گیرند و ملاحظه کنند که اولاً جامعه بهائی خیرخواه نفوس است و اول خادم کشور مقدس ایران و از هر دسیسه و توطئه‌ای علیه حکومت متبوعه بیزار و روگردان و ثانیاً به تجربه دریابند که اگر مقصودشان از ضرب و شتم و قتل و غارت مشتی مظلوم هدم بنیان امر حضرت قیوم است این تصور بکلی مردود و محکوم است زیرا ملاحظه نموده و می‌نمایند که با تشبث به چنین معامله و رفتار ناهنجاری نقض غرض گردد و دلالت بر ضعف و یأس نماید و نتیجه عکس بخشد و پیروان آئین یزدان را در ایمان و ایقان راسخ‌تر گرداند و امر الهی را شهرتی بیشتر دهد و وسعت و قوت و نفوذش را دو چندان نماید .

در این مقام واجب است که بذکر خیر جوانان ارجمند بهائی پردازیم زیرا که در میدان مجاهدت با سایر افراد جامعه همراه بل در بسیاری از اوقات در صف مقدم بجلادت و کفاح مشغول بوده‌اند . موهبتی اعظم از این نیست که در عنفوان شباب به مقصد از خلقت خویش پی بریم و شناسایی جمال

رحمن و عبودیت آستان یزدان را هدف زندگانی در این جهان فانی قرار دهیم و امور دیگر از قبیل ترقیات ظاهره و نیل به مقامات عالیّه حتّی کسب درجات علمیّه را وسیلهٔ فوز به آن مقصد اسنی و هدف اعلیٰ شماریم اگر چنین نباشد هر که باشیم و به هر جا برسیم از فوز به سعادت حقیقی و ترقّی در جمیع عوالم الهی محروم مانده‌ایم و برعکس اگر حوادث روزگار و عدم امکانات ما را از وصول به آن مقامات و آن درجات و امتیازات محروم سازد چون به عرفان فائز و به عبودیت حضرت احدیت عامل باشیم به مقصد حیات نائل و به بزم قرب و لقاء واصل گشته‌ایم ملاحظه فرمائید مرکز میثاق تکلیف "جوانان قرن یزدان" را به چه بیان مبارکی روشن فرموده است:

«... ای عزیزان عبدالبهاء ایام زندگانی را فصل ربیعست و جلوهٔ بدیع سنّ جوانی را تواناییست و ایام شباب بهترین اوقات انسانی لهذا باید به قوتی رحمانی و یتّی نورانی و تائیدی آسمانی و توفیقی ربّانی شب و روز بکوشید تا زینت عالم انسانی گردید و سرحلقهٔ اهل عشق و دانائی و به تنزیه و تقدیس و علوّ مقاصد و بلندی همت و عزم شدید و علوت فطرت و سمو همت و مقاصد بلند و خلُق رحمانی در بین خلق مبعوث گردید و سبب عزّت امرالله شوید و مظهر موهبت‌الله گردید و به موجب وصایا و نصایح جمال مبارک روحی لاحتیائه الفداء روش و حرکت جوئید و بخصائص اخلاق بهائی ممتاز از سائر احزاب شوید عبدالبهاء منتظر آنست که هر یک یشّهٔ کمالات را شیر زیان شوید و صحرای فضائل را نافهٔ مشکبار باشید».

علی‌الخصوص جوانان عزیز بهائی ایرانی که دور از وطن مألوفند باید به همگنان خویش در کشور مقدّس ایران تأسّی نمایند و از آن نهالان بارور گلشن هدایت درس عشق و وفا و استقامت آموزند که در سیل محبّه‌الله هر نوع محرومیت ظاهری را تحمل نمودند اما از دامن حبّ و ولای جمال کبریاء دست برنداشتند سهل است بیش از پیش در اکتساب کمالات

انسانی کوشیدند و بر قوای معنوی و تحصیل فضائلی که زینت عالم وجود است افزودند و تلخی هر ناکامی و نامرادی را به حلاوت بیان جمال رحمن زدودند و به مصداق "طوبی لحبیب وجد عرف المحبوب" گوی سبقت ربودند. لهذا جوانان عزیز در نقاط آزاد جهان که از هر نوع فرصتی برخوردارند باید آنرا غنیمت شمارند و بالتیابه از اقران فداکار و کامکار و بزرگوارشان در ایران چنان قیامی نمایند که سبب تسکین آلام و جبران محرومیت‌های ظاهری و موقت آنان شود و بدیهی است که چنین خواهند فرمود و احبّاء عزیز ایران نیز که از وطن مألوف دورند و در ممالک و دیار سائره مهجور باید تأسّی به یاران عزیز در مهد امرالله نمایند و به هر خدمتی که قیام می‌کنند با همان درجه از انقطاع و همت و غیرت و شجاعت و به همان صفا و استقامت و قابلیت‌های همراه باشد که بندگان غیور و شجاع جمال کبریاء در آن کشور مقدّس از خود نشان داده و می‌دهند.

حال بدایت نقشهٔ سه ساله است و محافل ملیّه در سراسر جهان هر یک با معاضدت و مشورت هیأت مشاورین قارات جهت تمکّن و استحکام تشکیلات و تقویت عرفان و تزئید معلومات مقبلین نورسیدهٔ بهائی از هر طبقه از طبقات عالم انسانی به طرح نقشه‌هایی پرداخته‌اند و جمهور مؤمنان را دعوت نموده‌اند تا بار دیگر با قیامی عاشقانه اهداف و مقاصد عالیّهٔ جدیده‌ای را تحقق بخشند و مرحله‌ای دیگر از مراحل اعتلاء و ترقّی امرالله را به تائیدات ملاءاعلیٰ که از اوّل ظهور مستمراً متوالیاً شامل حال ما بوده ناجحاً مظفراً طی نمایند.

از اعظم اهداف عظیمه بین‌المللی که در این سنین اخیرهٔ قرن حاضر باید مطمح نظر و اکیلیل اقدامات و مدار تبرّعات یاران و یاوران جمال رحمن باشد همانا بنای طبقات مستظله در ظلّ مقام اعلیٰ و ساختن ابنیهٔ مجلّلهٔ فخیمهٔ بدیعه در جوار پر انوار آن مقام مقدّس در جبل کرم است که تمهیدات اولیه‌اش به دست توانای مرکز میثاق حضرت عبدالبهاء تحقق یافت و مقدماتش به اراده و قیادت ولی عزیز امرالله مرتفع گردید و امروز اهل

بهاء بر اتمام و اكمالش همت گمارده‌اند. سزاوار آنست که یاران و یاوران آئین جمال ابهی که بانیان کاخ رفیع البنیان عظیم بدیع جهان آریند به اهمّیت این مشروع عظیم متوجّه و از عظمت خدمت مبارکی که بدان مأمورند با خبر باشند و تا بتوانند بر آنچه لازمه فداکاری در این سبیل جلیل است قیام فرمایند.

جمال قدم جلّ ذکره و ثنائی در لوح مقدّس کرمل که منشور مؤسّسات ارض اقدس است به دو تأسیس عظیم و خطیر در مرکز جهانی بهائی بشارت و اشارت فرموده که یکی روحانی و دیگری اداری است با انتقال عرش حضرت نقطه اولی به کوه کرمل اساس مرکز روحانی اهل بهاء که در لوح کرمل به "مدینه الله الّتی نزلت من السماء" تعبیر گشته در ظلّ قبله اهل بهاء استقرار و اكمال پذیرفت و چندی بعد حضرت ولی عزیز امرالهی پس از انقضاء یکصد سال از اظهار امر خفی جمال مبارک در سیاه چال طهران به اتمام آن بنای سرمدی الآثار بکمال جلال و اتقان پرداخته بشارتش را به اهل بهاء اعلان و ابلاغ فرمودند.

اما مرکز اداری که در آن لوح مبارک به جریان سفینه الله بر کوه کرمل تعبیر گشته تأسیسش قدم به قدم و مرحله به مرحله در ظلّ هدایت حضرت ولی عزیز امرالله صورت گرفت. بعد از استقرار مرقد خانم اهل بهاء حضرت ورقه علیا و رمس حضرت غصن اطهر و والده حضرت عبدالبهاء در جوار مقام حضرت نقطه اولی مقرر فرمود که در حول قوسی مشرف بر آن مراقد منوره تأسیسات مجلّله متفرّعات مرکز اداری جهانی بهائی ساخته شود و در اواخر حیات مبارکش به بنای دارالآثار بین‌المللی مباشرت و به انبیه دیگر حول آن قوس اشارت فرمود قوله الاحلی:

«... این انبیه جلیله سامیه که به طرزی زیبا و هندسه‌ئی بدیع متدرّجاً در حول این مراقد تأسیس خواهد یافت کلّ از تفرّعات این مرکز اداری عظیم الشان ثابت الارکان عظیم الاتّساع پیروان امر مالک الابداع و ملیک الاختراع محسوب و این مرکز اداری جامعه بهائیان عالم بنفسه محور

تأسیسات نظم بدیع آن محیی رم . . . و مرجع اعلاّی پیروان امر اتم اکرم و محلّ انعکاس و معرض تجلیات عرش مصور رم بر آفاق عالم و منبع مدیّت الهیه که اعلی و ابهی ثمره امر اسم اعظم است و در عصر ثالث ذهبی دور بهائی و در ادوار آتیه اثراتش کاملاً پدیدار و فیوضاتش چون سیل جارف منحدر بر عالمیان خواهد گشت . . .»

ای یاران عزیز الهی با دقت و تمعّن تامّ به این بیانات عالیات توجّه فرمائید تا به خوبی دریابید که تشیید و ساختن انبیه فخیمه در کوه کرمل با انواع بناهای عظیم دیگری که در ممالک عالم به مقاصد مختلفه ساخته می‌شود قابل قیاس نیست. زیرا آنچه امروز اهل بهاء بدان مأمورند وظیفه‌ایست وجدانی که از صمیم قلب در مسیر اراده و مشیّت ربّانی جهت تأسیس معاهد عالیّه روحانی و تحقّق وحدت عالم انسانی تعهد نموده و هر نوع تبرّع و خدمتی را در این سبیل از مناقب و مفاخر روحانیّه شمرده‌اند زیرا چنین فرصت مبارکی در دسترس نسلهای آینده نخواهد بود. امروز است که از ما ضعفاء خواسته‌اند که به اقتضای وفا به اوامر مولای بیهمتا در این مشروع جلیل شرکتی لایق نمائیم و بنیانی را در تحقّق بشارت لوح کرمل بر صفحه روزگار بر جای نهیم که آثار پر انوارش به مرور دهور و اعصار متدرّجاً نمودار شود و جلوه گاه مدنیّت لاشرقیه لاغراییه الهیه گردد و مرکز و محور و مرجع اقدامات لازمه بین‌المللی شود و حشمت و عظمت امرالله و تأثیر و نفوذ کلمه الله را ظهور و بروز بخشد و اسرار و رموز مندمجه در لوح مبارک کرمل را مکشوف سازد. لهذا در این ایام اهل بهاء البته این فرصت مبارک را غنیمت شمارند و همت والا بگمارند تا این تأسیسات عظیمه به انضمام طبقات بدیعه نورانیّه مستظله در ظلّ مقام مقدّس اعلی اتمام پذیرد و این شرافت و منقبت و این موهبت و سعادت شامل حالشان شود که در تأسیس بنیاد مدنیّت آسمانی به خدمتی موفّق گشته‌اند که اهل ملکوت را به وجد و سرور آورد و تحقّق وعود الهیه را تسریع کند و سبب حصول سعادت دو جهان شود.

اهل بهاء علی‌الخصوص در این برهه از زمان باید از مسئولیت عظیمی که بر دوش دارند آگاه باشند و بدانند که عالم انسانی امروز در آستانه تحول و تطوری است که شبهش را تاریخ بشری ندیده و استعدادی در اهل عالم بوجود آمده که محیر عقول است و جمیع در قبال جامعیت و اصالت تعالیم الهی خاضع و خاشع می‌شوند و بسیاری بقبول فائز می‌گردند. ظهور این استعداد تصادفی نبوده و نیست زیرا مشیت غالبه الهیه چنین اقتضا فرموده که نوع بشر که حامل امانت الهیه است متدرجاً مستمراً به مقامات عالیه رهبری شود و حق جل جلاله با ارسال رسل در تکوین وسائل لازمه و احداث وقایع جسیمه به مقتضای نشو و ارتقاء هیأت اجتماعیّه عالم را از تمدنی به تمدنی بالاتر و از مرحله‌ای به مرحله‌ای رفیعتر عروج دهد تا آنکه مستعد و آماده ظهور جمال قدم و مؤسس کور اعظم گردد و به اشراق انوار این روز فیروز که به فرموده مبارک «یوم‌الله است و حق وحده در او ناطق» فائز گردد و چون در این یوم عظیم قوه محیطه الهیه در حقائق ممکنات جاری شد بالضروره ارکان عالم وجود به حرکت آمد و انقلابات مدهشه رهیبه حادث شد و چون این قوه ساریه دافعه قدسیه با قوای عظیمه موجوده هیأت بشریه که مولود اعصار و دهور بالیه قدیمه است اصطکاک پذیرفت «اذا زلزلت الارض زلزالها» واقع شد و «یوم ترجف الارض و الجبال» و «تضع کل ذات حمل حملها» طالع گشت. جمیع این ارتعاشات و انقلابات تدارک استقرار امر اعظم را می‌نماید. قلم اعلی می‌فرماید:

«عالم منقلب است و انقلاب او یوماً فیوماً در تزیاید و وجه آن بر غفلت و لامذهبی متوجه و این فقره شدت خواهد نمود و زیاد خواهد شد به شأنی که ذکر آن حال مقتضی نه و مدتی بر این نهج ایام می رود و اذا تم المیقات یتظهر بغتة ما یرتعد به فرائض العالم اذا ترتفع الاعلام و تغرد العنادل علی الافنان».

ملاحظه نمائید که جمال قدم ارتفاع اعلام نصر را در بجهوه انقلابات و شدائد عالم ذکر می‌فرماید. اینست که امروز در عالم امکان از طرفی

ملاحظه می‌کنیم که ارکان مدنیت کنونی عالم چنان متزلزل گشته است که هر روز قسمتی از بنیانش فرو می‌ریزد و آنچه دانایان جهان در تعمیر و تحکیمش بکوشند و تدابیری موقت اندیشند فایده‌ای ندهد و سبب عافیت و اطمینان بشر سرگردان نگردد. از طرف دیگر متوازیاً و متقابلاً مؤسسات متین و رزین امرالله که موجد و محرک اصلیش نفس مظهر کلی الهی و ضامن استقرارش میثاق جمال کبریاء و وسیله اجرائش اهل بهاء راکبین سفینه حمراء که مؤید به نفثات روح القدس و تائیدات ملاءاعلایند هر روز رونق و ارتفاعی بیشتر پذیرد و بر این نهج مدتی بگذرد تا بالمآل بیچارگان و درماندگان روزگار را دریابد و سر و سامان بخشد و به راحت و آسایش جاودان رساند. اما هزار افسوس که اغلب نفوس هنوز در بند نقش ایواند و بی‌خبر از پای بست ویران و نسبت به بنای قوی الارکان نظم بدیع جهان آرای بهائی که در این عصر تکوین در حال تأسیس است بکلی بی‌اعتناء از روی غفلت و نادانی در بنای قدیم و به ظاهر مجلل ولی پوسیده و پر از خلل بیآسایند و در و پیکر را به زر و زیور بیآریند اما از انتقال به قصر مشیدی که رب مجید جهت سعادت و نجاتشان مقدر فرموده سر بتابند ولی یقین است که چنین نخواهد ماند زیرا گذشت زمان سستی آن بنیان را هر دم بیشتر نمایان سازد و بالنتیجه تعداد بیشتری از نفوس غافله را بیدار نماید و به منزلگاه نجات کشاند و هر چه بر تعداد این نفوس مقبله بیفزاید سرعت ارتفاع بنای رزین و رصین نظم الهی نیز افزایش یابد و عود جمال ایهی رخ بگشاید قوله الاحلی:

«قسم به کتاب اعظم که امرالله احاطه نماید و جمیع ارض را اخذ کند» و نیز می‌فرماید: «عنقرب از جمیع اقطار عالم ندای بلی بلی و لیبک لیبک مرتفع خواهد شد چه که مفزی از برای احدی نبوده و نیست».

مقصود اینست که این دو قوه یکی مخرب و دیگری سازنده که متوازیاً در عالم امکان در کار است هر چند به ظاهر متضادند ولیکن هر دو ممد یک امر و وسیله نیل به یک هدف و خادم یک مقصدند که به اراده الهی جهت



نوع بشر مقدر و مقرر گشته است .

امروز در مقامی هستیم که شدت نفوذ این دو قوه را بیش از پیش احساس و ادراک می کنیم زیرا فیضان سحاب مشیت رب الارباب در این ایام چنان شدید است که سیل خروشان از آن برخاسته است که در مسیر پرنوسانش و جریان پرهیجانش در مزرعه وجود به دو کار مشغول هم گیاهان خشک و بی ریشه و بی حاصل را از بن براندازد و هم سبب برکت و سرسبزی باغ و بوستان شود ، هم قوت و قوت بخشد و هم سبب هدم اشجار فرتوت گردد . بشورد و بشوید . بکوید و بروید . لهذا پیروان اسم اعظم را تصرفات و تلونات عالم متوقف نسازد بلکه تشجیع نماید که بر همت خویش بیفزایند و فرصتهایی را که هر روز به دست می آید مغتنم شمارند و به مقتضای وفا در سبیل محبة الله قیام نمایند تا از حیات نتیجه گیرند و در عالم بقاء با رخی افروخته ببزم لقاء درآیند و به ملاء اعلی پیوندند و بیان مولای بیهمتا را که خطاب به آن یاران است در نظر گیرند که می فرماید :

«ای برگزیدگان حضرت کبریاء روحی لحتکم و خلوصکم و استقامتکم الفداء وقت آن است که پاس این عنایت کبری و منحة عظمی و بشارت امنع ابھی هر یک از جان بخروشیم و از روان بنوشیم و از تن بکوشیم تا به آنچه لازمه عبودیت صرفه بحتة تامه است در این کور بدیع و قرن مجید موفق گردیدم لیقضى الله امرا کان مفعولا از انقلاب خائف نگردیم و از تلونات و حوادث این عالم ترابی نیندیشیم و از تطورات این امر اوعر خطیر مندهش و حیران نشویم بلکه بر ثبوت و استقامت و تعاون و تعاضد بیفزائیم و به قدر مقدور بکوشیم تا در این چند روز حیات باقیه به خدمتی که لایق آن آستان است موفق گردیم» .

ای هموطنان جمال قدم چون نظر به شرافت این نسبت مبارک فرمائید و به توفیقات و افتخاراتی که تا بحال در سبیل عشق و وفا نائل گشته اید بیندیشید و نتایج عظیمه ای را که از تحمل مصائب و فدا و قربانی بدست آورده و نثار محبوب عالم فرموده اید بیاد آورید البته در کمال سرور و

اطمینان بر آنچه لایق این ایام است قیام خواهید کرد و کماکان سرحلقه بندگان آستانش خواهید بود و در بنای مدنیت لاشرقیه و لاغرینه الهیه سهمی که در خور شأن آن عزیزان است خواهید یافت . دیگر بسته به غیرت و کوشش و همت شماست . و دیده ما در انتظار شما .

بیت العدل اعظم

## ترجمه دستخط دارالانشاء بیت العدل اعظم الهی

یاران عزیز الهی

بطوریکه بیت العدل اعظم الهی اطلاع حاصل فرموده‌اند بعضی از احتیای فارسی زبان در استرالیا به لحاظ ناآشنایی به زبان انگلیسی احساس می‌کنند که از شرکت در ضیافت نوزده روزه یا سایر جلسات امری محروم هستند. از اینرو مقرر فرموده‌اند که مطالب ذیل به اطلاع شما عزیزان برسد.

بیت العدل اعظم در موارد عدیده در پاسخ پرسش‌های مطروحه در این زمینه تأکید فرموده‌اند که احتیای عزیز ایران که در کشور دیگری ساکن می‌شوند باید بکوشند تا از هر فرصتی برای فراگیری زبان متداول آن اقلیم استفاده نموده و در حیات و مجهودات آن جامعه فعالانه شرکت نمایند. ضیافت نوزده روزه و سایر جلسات رسمی امری باید به زبان اصلی محلی برگزار گردد. البته منظور این نیست که این امکان وجود نداشته باشد که در این جلسات بعضی از قسمت‌های برنامه به زبان مهاجرین اجراء گردد و یا اینکه جهت استفاده آن عزیزان، در صورتی که مایل باشند، کلاسها و کنفرانسهایی به زبان اصلی خودشان برگزار شود. مقصد اصلی همانطور که اشاره شد ترویج و تقویت اتحاد و همبستگی مهاجرین جدید با جامعه محلی و اجتناب از بروز هر گونه احساس بیگانگی و عدم وحدت به خاطر اختلاف زبان می‌باشد.

محافل روحانی محلی که ضیافت نوزده روزه در تحت اشراف آنها برگزار می‌شود باید اطمینان حاصل نمایند که جو حاکم بر این جلسات هم جهت

احتیای ایرانی و هم یاران محلی خوش آیند و مطبوع باشد تا همه اجتهاد عزیز، صرف نظر از مسائل ناشی از زبان، خود را جزئی از یک جامعه متحد بدانند و جامعه بهائی بتواند نقش خود را در ارائه نمونه کامل و مطلوبی به اجتماع کنونی جهان که مایوسانه جویای اتفاق و هم آهنگی در روابط اجتماعی خود می‌باشد به بهترین وجهی ایفاء نماید. اصولاً ترجمه نمودن برنامه به فارسی در ضیافت به هیچ وجه منع نگردیده است ولی این اقدام نباید به اجرای برنامه ضیافت لطمه‌ای وارد سازد. انجام این امر مستلزم آنست که در این قبیل جلسات احتیای فارسی زبان در کنار یکدیگر به نحوی جلوس نمایند که ترجمه فارسی نظم جلسه را برهم نزند و در ضمن آن عزیزان نیز از اینکه به این منظور در گوشه‌ای مجتمع گردند نباید رنجشی بخود راه دهند.

بیت العدل اعظم تشکیل کلاسها و جلسات مخصوص به زبان فارسی را علاوه بر جلسات معمولی که برای عموم برگزار می‌شود تأیید فرموده‌اند تا احتیای ایرانی این امکان را داشته باشند که الواح و آثار مبارکه را به زبان خود مطالعه نمایند و نیز از پیشرفت‌ها و تحولات امر مبارک در استرالیا مطلع گردند و همچنین به شرکت فعالانه در نقشه‌ها و مجهودات محفل روحانی ملی و محفل روحانی محلی خود تشویق و ترغیب شوند. البته تکرار و توالی این نوع جلسات نباید بنحوی باشد که سهواً موجب تقسیم جامعه به دو گروه گردد و ترویج دوستی و مودت در بین عناصر جامعه به دست فراموشی سپرده شود و نهایتاً به اتحاد جامعه که یکی از مقاصد اصلی این آئین نازنین است لطمه‌ای وارد گردد.

بیت العدل اعظم الهی با خوشوقتی نقش برجسته‌ای که احتیای ایرانی الاصل در تبلیغ امر و تحکیم و تقویت جامعه بهائی استرالیا بازی کرده‌اند را مد نظر دارند و رجاء می‌نمایند که شرکت این یاران عزیز در مجهودات امری افزون‌تر و گسترده‌تر گردد.

با تحیات ابدع الهی  
دارالانشاء بیت العدل اعظم

## پیام نوروز ۱۵۴ بدیع خطاب به بهائیان ایرانی

ای دلدادگان جمال کبریا ، ای یاران عزیز باوفا ،

قوای عظیمه‌ای که در هویت این آئین نازنین مکنون است هر روز در عرصهٔ شهود نفوذی دیگر کند و جلوه و بروزی بیشتر نماید . تعالیم جانپوروش بر اثر فیوضات حضرت رحمان و بر حسب جبر زمان و نیز به همت پیروان جمال جانان سریعاً در عالم امکان تمکن پذیرد و بر شهرتش بیفزاید و قدرتش را در رفع مشکلات بشر نمایان‌تر سازد . باید دانست که اصل شجرهٔ طیبهٔ الهیه در زمین ثابت گشته و شاخ و برگش سر بر آسمان کشیده و این همه بر اثر تفاعل و تعاون دو قوهٔ قاهرهٔ غالبه است که به ارادهٔ الهی هر دو در یک زمان در کارند تا آن درخت همایون را نشو و نما بخشند و به برگ و شکوفه رسانند و بار و برش را در میقات معین نصیب اهل عالم کنند : یکی نیروی ذاتی و طبیعی این بهار روحانی است که طوفان خیز است و شورانگیز و از مقتضیاتش رعد غرآن است ، باد و باران است و سیل خروشان است که سبب سرسبزی باغ و بوستان است . دیگری قوهٔ نامیهٔ جوهریهٔ آن بذر پاک است که بالیدن و رشد نمودن از لوازم ذاتی اوست و به پرتو شمس حقیقت و رشحات سحاب عنایت پرورش یابد و تنومند و برومند شود و لانه و آشیانهٔ مرغان چمنستان هدایت گردد . طرح کلی الهی که بشر را به بلوغ روحانی می‌رساند از دسترس ما بیرون است و در خزانهٔ غیب محفوظ و تحققش به ارادهٔ حق موکول است . به فرمودهٔ حضرت

عبدالیهاء :

"در این دور بدیع که جمال قدم و اسم اعظم از افق عالم به فیوضات نامتناهی تجلی فرموده کلمهٔ الله چنان قوتی و قدرتی در حقایق انسانیه نموده که شئون بشریه را تأثیر و نفوذی نگذاشته به قوت قاهره کل را در بحر احدیت مجتمع فرموده و می‌فرماید ."

آنچه بر اهل بهاء لازم است پیمودن راه بندگی درگاه الهی است ، نشر تعالیم یزدانی است ، تأسیس مدنیت روحانی است . بحمدالله سالیان دراز است که یاران الهی در سراسر دنیا در ظل تشکیلات خداداد خویش گوش به فرمان مرکز امرالله گشوده‌اند و قدم به قدم طبق نقشه‌های معین به پیش رفته و در هر مرز و بوم پرچم اسم اعظم را برافراشته‌اند . از آن سلسله مجهودات منظم ، آخرینش نقشهٔ سه ساله بود که در عید رضوان گذشته به پایان رسید و نتایج مشکوری به بار آورد . در آن سه سال دوازده محفل ملی جدید تأسیس گشت و فعلاً تعداد محافل ملیّه به ۱۷۴ محفل رسیده و تعداد بسیار زیادی از اهل بهاء در آن مدت قلیل چون نسیم صبا به ممالک و دیار مرور نمودند و به انتشار نفحات قدسیهٔ الهیه پرداختند و سبب تقویت روحانی نورسیدگان و ازدیاد عدد مؤمنان شدند . این جدّ و جهد دوستان راه گشای طرحی دیگر یعنی نقشهٔ چهار ساله کنونی گردید . این نقشه وظیفهٔ اهل بهاء را تا اواخر قرن بیستم معین و آنان را آماده می‌سازد تا تحقق و عود الهیه را سرعتی بیشتر بخشند . این نقشه‌های تبلیغی که اهل بهاء را پی در پی در سراسر جهان به حرکت آورده و نطق امر اعظم را وسعت داده کل مخلوق فرمان ملکوتی حضرت عبدالیهاء است که متجاوز از هشتاد سال است که بندگان آستان جمال الهی را به فتح روحانی جهان دعوت نموده و موظف ساخته است و این نقشه‌ها تا عصر ذهبی ادامه خواهد داشت .

تکلیف و مسئولیت قاطبهٔ اهل بهاء در چهار سال آینده در پیام رضوان گذشته معین گشته و رئوس مطالبش بیان شده است و اینک در سراسر دنیا

بندگان جمال ابهی در مسیر اجرایش قدم همت نهاده‌اند. اما آنچه در این اوراق مطمح نظر این مشتاقان است خطابی مخصوص به اجبای عزیزان ایرانی است که در طلوع فجر هدایت چون مرغان سحر اول بار مقدم شمس حقیقت را خوش آمد گفتند و لبتیک گویان بشارت روز دیدار را به اهل هر دیار برساندند و به این ترانه آسمانی دمساز گشتند که:

"مژده به جان دهید که جانان تاج ظهور بر سر نهاده و ابوابهای گلزار قدم را گشوده چشم‌ها را بشارت دهید که وقت مشاهده آمد و گوشها را مژده دهید که هنگام استماع آمد دوستان بوستان شوق را خبر دهید که یار بر سر بازار آمد."

ولی اهل ایمان در ایران تنها به ارتفاع ندای الهی قناعت نفرمودند بلکه در رکاب حضرت موعود به نصرت پرداختند و جان بر کف و صف در صف به میدان فدا شتافتند که ذکرشان در آثار قلم اعلیٰ مخد و شرح جانبازیشان برای نفوسی که از اولاد جسمانی و روحانی آن فارسان دلاور و عاشقان بلند اخترند لزومی ندارد همین قدر کافی است که به جان مواظبت کنند که مبادا از این تاج موهبت که به صرف فضل و عنایت نصیبشان شده محروم شوند.

این سابقه تاریخی که هم‌وطنان جمال قدم را فضل تقدّم بخشیده و از بسیاری از جهات ممتاز ساخته آنان را همواره مطمح نظر و مورد توجه بهائیان سایر ممالک نموده است اما در این ایام که آن شهسواران میدان غیرت و وفا در مهد امرالله دیگر بار به هجوم اهل عدوان دچار شدند و با سپر انقطاع و توکل و شجاعت و اطمینان به محافظه و اعلان امرالله پرداختند توقع قاطبه اهل بهاء از بهائیان ایرانی که در ممالک آزاد پراکنده‌اند دو چندان گردیده است. پس آن عزیزان باید تأسی به شیران بیشه استقامت در ایران نمایند و از آنان درس عبودیت آموزند. ملاحظه فرمائید که چون تدبیر امتحان باز در آن کشور آغاز شد اخگر ایمان را در دل افراد جامعه که احياناً زیر خاکستر تعلقات این جهان فانی مستور

بود ناگهان مشتعل ساخت و غبار رخوت و غفلت را از قلوبشان بزود، صاعقه حوادث نهبی شدید زد، بیدار شدند، هشیار گشتند و در بزم قرب از جام بلا سرشار شدند و سر از دستار نشناختند و در پای حبیب انداختند. ترکنازی و پاکسازی را با پاکبازی و بی‌نیازی مقابله کردند. با تخلّق به خلق و خوی رحمانی و سلوک و رفتار ملکوتی جمیع افتراات و اتهاماتی که ظالمان بی‌انصاف جهت توجیه مظالم خویش بر یاران ستمدیده بسته بودند نقش بر آب کردند و بر قاطبه مردم روشن‌بین ایران بی‌گناهی خود و نادرستی اتهامات را اثبات فرمودند. اهل عدوان جوانان بهائی را در ایران از ادامه تحصیلات عالی محروم ساختند ولی آن مظلومان با همتی بی‌نظیر بیکار ننشستند و به کسب کمالات انسانی پرداختند و به هر زحمت تن در دادند تا بجائی که در آموختن علوم ظاهره نیز بر اقران سبقت جستند. باری یاران عزیز در ایران این منزلت و موهبت را هنگامی دریافتند که همه از پیر و جوان، زن و مرد حتی اطفال خردسال طیب جمع علت‌های خویش را ذکر حضرت ذوالجلال دانستند و منظمّاً مستمرّاً به مطالعه آیات و آثار پرداختند و از این طریق فیض روح‌القدس که در هر کلمه از کلمات الهی دمیده شده مدد فرموده و آن جامعه عزیز را خلقی جدید ساخت به نحوی که دیگر در نظرشان جهان و آن چه در او بود در مقابل عبودیت آستان الهی و رضای جمال کبریا و فوز به حیات ابدی در جمیع عوالم الهی هیچ و ناچیز شد لهذا روش زندگانی خویش را با تعالیم جانپور و روحبخشی که در الواح و آثار مبارکه مندرج است مطابقت دادند، بالنتیجه عزیز دو جهان گشتند و صیت امرالله را در اقصی نقاط و اعلی المقامات هیأت بشری بلند آوازه نمودند.

حال دوستان عزیز که در ممالک و دیار آزاد جهان پراکنده‌اند باید به یاد آورند که چه مسئولیت عظیمی بر دوش دارند چون همه منتظر و آرزومندند که در آئینه اعمالشان انوار تعالیم الهی درخشند و تابان گردد. ملاحظه فرمائید مولای بی‌همتا چه مقام و وظیفه خطیری برای آن عزیزان مقدر

ساخته است . می‌فرماید :

« ... یاران و اعضای محافل باید به اعمال و رفتار و سلوک در کل احوال و در تمام شئون و در جمیع معاملات مزیت و حقیقت و قوت و سمو این آئین مقدس را به ابناء وطن خویش بنمایند نه آنکه اکتفا به تبلیغ و بیان و تفسیر و تشریح کنند حضرت عبدالبهاء مبین حقیقی شریعت حضرت بهاء‌الله می‌فرماید : " بهائیان باید نظر به این امر دقیق نمایند که مانند سایر ادیان به عریده و هایه‌وی و لفظ بی‌معنی کفایت نمایند بلکه به جمیع شئون از خصائل و فضائل رحمانی و روش و رفتار نفوس ربّانی قیام کنند و ثابت نمایند که بهائی حقیقی هستند نه لفظ بی‌معنی و بهائی اینست که شب و روز بکوشند تا در مراتب وجود ترقی و صعود نمایند و نهایت آرزوی هر یک این باشد که نوعی روش و حرکت نماید که جمیع بشر از آن مستفیض و منور گردند و نقطه نظرگاهش همواره خلق و خوی حق باشد و روش و رفتارش سبب ترقیات نامتناهی گردد چون به این مواهب موفق شود می‌توان گفت که بهائی است و الا در این دور مبارک که فخر اعصار و قرون است ایمان عبارت از اقرار به وحدانیت الهیه نه بلکه قیام به شئون و کمالات ایمان است . " ملاحظه فرمائید که این بیان چقدر شدید و متین و مشکل الاجرا است ولی تا بهائیان به این طراز کمابلی و یلیق مزین نگردند چشم عالم چنانچه باید و شاید متوجه به آنان نشود و نام بهاء‌الله جهان‌افروز نگردد یاران برگزیده ایران باید نظر به پستی محیط خود و دنو اخلاق و سوء رفتار نفوس در حول خود ننمایند و راضی به امتیاز و تفوق نسبی نگردند بلکه باید نظر را به اوج مرتفع نمایند و نقطه نظرگاه را تعالیم و نصائح قلم اعلیٰ قرار دهند آن وقت معلوم شود که هنوز از برای کلّ در وادی سلوک مراحل عدیده باقی مانده و طی مسافتات نکرده به سر منزل مقصود که تخلّق به اخلاق و شیم الهیه است هنوز وارد نگشته‌ایم پس ما که سالکان سبیل نجاتیم باید به تمام قوی بکوشیم تا در مجالسات و مکالمات و معاملات و مشاغل و مقاصدمان با تمام طبقات نفوس در امور

جزئی و کلی در هر دقیقه و آنی آن روح مودعه در تعالیم حضرت بهاء‌الله را به فعل اظهار و اعلان و اثبات کنیم و چنان جلوه نمائیم که بر کلّ ثابت گردد که جز قوه جامعه روح حضرت بهاء‌الله هیچ امری دیگر تقلیب ماهیت ننماید و خلق جدید نکند این است یگانه اسباب نجات و ظفر امر الهی .»

عاشقان جمال رحمن در ایران به مدد یگانه اسباب نجات و ظفر امر الهی " به عین‌الیقین مشاهده نمودند که چگونه با استقامت در مقابل امتحان و افتتان و عمل به موجب تعالیم الهی دشمنان حیران گردند و بیگانگان آشنا و پشتیبان مظلومان شوند . اما یقین است که تنها احتیای عزیز در ایران نیستند که در معرض امتحانند بلکه امتحاناتی که یاران در بلاد آزاد جهان در مقابل دارند هر چند نوعش تفاوت دارد ولی به همان اندازه شدید و فریبنده است که اگر به مدد آیات و دعا و مناجات و استمرار در خدمات با آنها رویرو نشوند چه بسا در بحر غفلت و نادانی مستغرق گردند و در سرگردانی و حسرت و پشیمانی عمر کوتاه را تباه کنند و توشه‌ای نیندوزند . مخصوصاً جوانان را باید دریافت و چنان تربیت نمود که بتوانند از آفات محیط محفوظ مانند و نیز باید آنان را تشویق نمود تا علاوه بر صرف وقت در تحصیل علوم و فنون نافع در خدمات امریه شرکت جویند .

جمال مبارک می‌فرماید :

" در ربّان شباب و اول جوانی هر نفسی به محبت الهی فائز شد او از اهل فردوس اعلیٰ مذکور جهد نما تا از تو ظاهر شود آنچه که سبب ارتفاع امر است . "

و نیز می‌فرماید :

" ای جوان انشاء‌الله به عنایت رحمن به فیوضات نامتناهی الهیه فائز شوی چون در اول جوانی به عرفان مشرق وحی مزین شوی از حق بخواه تا موفق شوی به امری که در دفتر عالم باقی و پاینده بماند . هر امری را فنا اخذ

نماید مگر امری که لله گفته شود و عملی که لله ظاهر گردد او را فنا اخذ ننماید جهد کن تا از رحیق باقی بیاشامی و به کوثر استقامت فائز گردی.

امیدوار چنانیم که جوانان بهائی که اصلشان از مهد امرالله است در جمیع شئون در بین اقران نمونه و ممتاز باشند. البته جوانان بهائی که در ظل تربیت روحانی پرورش یافته‌اند بجائی رسیده‌اند که خود حافظ خویش خواهند بود و امتحانات شدیدة جهان کنونی را با شجاعت و توکل و اطمینان مقابله خواهند نمود چنانکه امروز می‌بینیم که اغلب جوانان عزیز بهائی در جامعه غیربهائی مشار بالبنانند و سرآمد اقران.

یاران ستمدیده در کشور مقدس ایران همواره از محرومیت خویش در تبلیغ امرالله نالانند و چون به آنان بشارت رسد که اجبای سایر ممالک به نام و بالوکاله از ایشان طرحی ریخته و یا به نام شهیدان نازنین آن سامان قیامی نموده‌اند تا حدی آتش حرمانشان فرو نشیند و دعای خیرشان بدرقه راه آن صاحبان همت در ممالک خارجه گردد. حال این مشتاقان با یاران آرزومند در ایران هم آواز گشته از هم و وطنان جمال مبارک در جمیع اقالیم رجاء می‌نماییم که هر یک به مقتضای وفا قیام نمایند و به یاد برادران و خواهران روحانی خویش در مهد امرالله در تبلیغ امر الهی اقداماتی شدید و مؤثر فرمایند زیرا امر تبلیغ فریضه‌ایست وجدانی که احدی از آن مستثنی نیست مغناطیس تائید است و سبب احیاء نفوس و ارواح، قلم اعلیٰ چنین می‌فرماید:

" جمیع همت را در تبلیغ امر الهی مصروف دارید هر نفسی که خود لایق این مقام اعلیٰ است به آن قیام نماید و الا له ان یاخذ وکیلاً لنفسه فی اظهار هذا الامر الذی به ترزع کل بنیان مرصوص و اندکت الجبال و انصعقت النفوس . "

و در مقامی دیگر می‌فرماید:

" در یکی از الواح این کلمه علیاء از قلم اعلیٰ نازل که اگر نفسی قادر بر

تبلیغ نباشد وکیل معین نماید . "

الحمدالله این خوان نعمت امروز برای جمیع دوستان گسترده است. نقشه چهار ساله در کار است تا راهنمای احباء در اجرای اهداف تبلیغی باشد و اگر به جهاتی احياناً مستقیماً قادر به تبلیغ نباشند از آنان خواسته شده که با گرفتن وکیلی این فریضه وجدانی را اجراء نمایند و اگر از تدارک یک وکیل کامل بر نیآیند از طریق صندوق‌های محلی، ملی، قاره‌ای و بین‌المللی حتی المقدور تبرعاتی مخصوص صندوق توکیل تقدیم نمایند. مقصود این است که برای شرکت در امر تبلیغ که به فرموده مرکز میثاق اهم امور است جمیع وسائل آماده گشته و بهانه‌ای برای احدی باقی نمانده است به علاوه مردم جهان که از مصائب کنونی خسته و ناتوانند بیش از همیشه مستعد قبول امرالله‌اند و اگر این فرصت از دست رود به راستی خسروانی است عظیم زیرا دردمندان جهان از درمانی که به رایگان به اهل بهاء سپرده شده محروم خواهند ماند. امروز روزی است که به فرموده حضرت عبدالبهاء " از هر طرف فریاد آین المبلغین بلند است . . . " خوشا بحال کسانی که به گوش هوش شنیدند و به جان اجابت نمودند علی‌الخصوص در این ایام که بر طبق نقشه چهار ساله تا اواخر این قرن باید تعداد مبلغین چنان افزایش یابد که دخول افواج را در ظل امرالله تسریع نماید. اجبای عزیز ایرانی در هر مملکتی که ساکنند نباید خود را از فیض خدمات امریه محروم سازند بلکه شایسته چنان است که با اهالی آن ممالک متفقاً متحداً در ظل تشکیلات امریه در نصرت و اعلائی امرالله شرکتی لایق جویند و حتی پیشقدم شوند و در بین یاران در عبودیت آستان الهی مشار بالبنان گردند.

دیگر از مسائل مهمی که باید نصب‌العین یاران ایرانی در همه جا قرار گیرد تربیت اطفال است به آداب رحمانی و خلق و خوی روحانی و اکتساب کمالات انسانی. در این سبیل نیز باید از یاران جانفشان ایران سرمشق گیرند که اطفال عزیزشان را از اوان کودکی تحت رعایت و عنایت خویش تربیت می‌فرمایند و به طراز آداب و اخلاق و ترقی در مراتب علم و عرفان

مزین می دارند تا مصداق این اوامر مرکز میثاق گردند که می‌فرماید: " ... به تمام قوت در تربیت اطفال کوشند تا به آداب الهی و روش و سلوک بهائی از خردسالی تربیت شوند و مانند نهال به ماء سلسال وصایا و نصایح جمال مبارک نشو و نما کنند . "

و نیز:

" اطفال بهائی باید در تحصیل علوم و فنون از سائر اطفال ممتاز باشند زیرا مشمول نظر عنایتند آنچه اطفال دیگر در مدت یک سال تحصیل می‌نمایند تازه نهالان جنت عرفان کودکان بهائی باید در مدت یک ماه تحصیل کنند . "

و نیز:

" اطفال را از سن شیرخواری از ثدی تربیت پرورش دهید و در مهد فضائل پرورید و در آغوش موهبت نشو و نما بخشید از هر علم مفیدی بهره‌مند نمائید و از هر صنایع بدیع نصیب بخشید پر همت نمائید و متحمل مشقت کنید . "

به این پیام مهیمن که از قلم جمال قدم نازل گشته خوب توجه فرمائید که می‌فرماید:

" آباء باید کمال سعی را در تدین اولاد مبذول دارند چه اگر اولاد به این طراز اول فائز نگردد از اطاعت ابوبن که در مقامی اطاعت‌الله است غافل گردد دیگر چنین اولاد مبالات نداشته و ندارد یفعل باهوانه ما یشاء . "

در این زمانه که بشر در بسیاری از ممالک سرکش و لابیالی شده و به مفساد اخلاقی و ابتلائات گوناگون دچار گشته‌اند امتثال از اوامر مذکور بیش از هر وقت دیگر ضرورت می‌یابد . یاران عزیز در ایران امثال این اوامر را به مرحله اجراء در آوردند و به تجربه دریافتند که یکی از نتایج فوری این اهتمام آن بود که اطفال عزیزشان بتوانند از صغر سن با جمیع مشکلاتی که در مدرسه و کوچه و بازار به آن دچارند دلیرانه مقابله کنند و شخصیت خویش و حیثیت امرالله را محافظت فرمایند . اجبای ساکن سایر

ممالک باید همین روش را پیروی نمایند چه اگر اطفال از تربیت روحانی محروم شوند چگونه از هجوم وساوس گوناگون محفوظ و مصون مانند ؟ از جمله خدمات مشکوره‌ای که بهائیان ایرانی در همه جا می‌توانند تعهد فرمایند مباشرت و مساعدت در تأسیس کلاس‌های درس اخلاق است زیرا کسانی که شاگردان آن دبستان بوده و ثمرات شیرینش را چشیده‌اند باید در این خدمت جلیل که بالمآل سبب استحکام هر جامعه بهائی است شرکت جویند تا کلاسهای درس اخلاق در همه جا تأسیس شود و تربیت و تعلیم بین اطفال بهائی تعمیم یابد .

اما والدین بهائی ایرانی علاوه بر این باید در آموختن فارسی به فرزندان خویش سعی بلیغ مبذول دارند زیرا این زبان از جمله مرکب وحی الهی در این دور اعظم است و به فرموده حضرت بهاءالله: " ... امروز چون آفتاب دانش از آسمان ایران آشکار و هویدا است هر چه این زبان را ستایش نمائید سزاوار است . " و نیز: " محبوب عالم به لسان پارسی تکلم می‌فرماید دوستان او هم اگر به این لسان تکلم نمایند و بنویسند لدی الوجه مقبول است . " چه نیکو است که عده‌ای از اجبای ایرانی در هر شهر و دیاری که تعدادی از ایرانیان بهائی ساکنند پیشقدم گردند و به اطفال و جوانانشان فارسی بیاموزند و با هم به قرائت و مطالعه الواح و آثار فارسی پردازند و از چشمه فیاض آیات و آثار مبارکه سیرآب شوند . بحمدالله بعضی از مؤسسات و تشکیلات بهائی جهت تعلیم و تعمیم زبان فارسی در بین ایرانیان دور از وطن تدابیری اندیشیده و برنامه‌هایی ترتیب داده‌اند که باید از آنها در اجرای این خدمت مبارک استفاده نمود .

ای دوستان ارجمند الحمدالله اجبای عزیز ایران در هر عصر و زمان در تقدیم خدمات لایقه به امرالله همواره موفق و پیشقدم بوده و هستند لازم نیست که به کارنامه آن قهرمانان میدان وفا در عصر رسولی نظر کنیم تنها اگر به مراحل اخیر عصر تکوین بیندیشیم از اقدامات مؤثر و تاریخی ایرانیان عزیز در ارتفاع و استقرار امرالله در نقاط مختلفه در سراسر جهان

با خبر شویم و زبان به ستایش گشائیم . در ظلّ نقشه ده ساله که حضرت ولیّ عزیز امرالله آن را جهاد کبیر اکبر خوانده‌اند عده زیادی از اجبای ایرانی به فتح روحانی ممالک و دیار فائز گشتند و نامشان در لوحه افتخار به ثبت رسیده است و نیز نفوسی از آنان که با بذل مال و تبرّعات کریمانه به تأسیس مؤسسات لازمه عظیمه موفّق گشته‌اند بسیارند . در همین سنوات اخیر چون برای ارتفاع ابنیه شامخه حول قوس کرمل تبرّعات مالی ضرورت یافت دوستان ایرانی در کشورهای مختلف بر خود نپسندیدند که از یاران سائر ممالک عقب مانند و کماکان قدم همت به پیش نهادند و در تأمین مصارف آن مشروعات جسیمه حتّی المقدور شرکت جستند .

ای عزیزان حقّ یقین است که ابر دهش و بخشش خداوند آفرینش بر جمیع بشر یکسان می‌بارد اما کسب فیض از ساحت قدس الهی به قدر استعداد است و اگر چه مراتب در میان است ولیکن احدی نیست که استعدادی به او عنایت نشده باشد و ترقّیات نفوس در مراتب وجود بسته به آن است که چگونه استعداد خداداد را به کار گمارند و به اندازه مقدّر ترقّی نمایند . بر همین منوال مسئولیت هر کس نیز به قدر استعداد او است و " لا یكلف الله نفساً الاّ وسعها . " امید این مشتاقان از آن یاران قدیم جمال رحمان چنان است که بین خود و خدا توانائی خویش را از هر جهت بسنجند و خود تشخیص دهند و تصمیم گیرند که چه خدمتی به چه مقدار از ایشان ساخته است که بتوانند نثار محبوب ابهی کنند و نذر وفا نمایند تا در عالم بقاء به فیض لقاء فائز گردند و از حیات خویش نتیجه گیرند و الاّ اگر فقط و فقط در فکر آسایش زندگی در این دار فنا باشند و از مقصد خلقت خویش غفلت ورزند البتّه خود را به خسران اندازند . به فرموده حضرت عبدالبهاء :

" آسودگی بدن و خفتن شب و گفتن روز و اندوختن در صبح و افروختن در شام و راحت بستر عبقری حسان و پرند و پرنیان به چه کار انسان آید اوقاتی به هذیان بگذرد و چون به پایان رسد زبان اندر زبان و خسران

نمایان . "

این بیان حضرت بهاءالله چقدر مؤثر است که بندگان وفادارش را چنین نصیحت می‌فرماید :

" چه شبها که رفت و چه روزها که درگذشت و چه وقتها که به آخر رسید و چه ساعات که به انتها آمد و جز به اشتغال دنیای فانی نفسی بر نیامد سعی نمائید تا این چند نفسی که باقی مانده باطل نشود عمرها چون برق می‌گذرد و فرقها بر بستر تراب مقرّ و منزل گیرد دیگر چاره از دست رود و امور از شست . "

ای دوستان عزیز و باوفا ای هم وطنان جمال کبریا آرزو بل انتظار این مشتاقان امیدوار از آن یاران بزرگوار چنین است که در پیروی از اوامر و نصایح الهی به مقامی رسید که چون ستاره سحرگاهی در افق هدایت بدرخشید و رهنمون دیگران گردید و به آنچه خداوند بی‌مانند در حقّ آن نفوس ارجمند خواسته و مقدّر فرموده فائز شوید .

شهرالبهاء ۱۵۴ بدیع

بیت العدل اعظم



## معانی لغات منتخبه

### « آ »

#### معنی

غروب کننده  
دردها - رنج‌ها  
نشانه - هدف

#### لغت

آفل  
آلام  
آماج

### « ا »

#### معنی

طلای خالص  
شجاعان  
وسعت پیدا کردن  
متانت - محکمی  
تپه‌ها  
گناهکار  
خیلی شور - تلخ از فرط شوری  
آزادگان  
آتش  
آتش را از شعله و التهاب انداختن

#### لغت

ابریز  
ابطال  
اتساع  
اتقان  
اتلال  
اثیم  
أجاج  
احرار  
اخگر  
اخماد

آگاه کردن توأم با بیم دادن - ترسانیدن  
 تقسیم شدن - مجزأ گشتن  
 اطاعت کردن - گردن نهادن  
 شکست خوردن لشکر  
 سرگرم شدن - فرو رفتن - غوطه‌ور شدن  
 وسیع‌ترین - فراخ‌تر  
 راه دشوار - مهمتر(ین)  
 حرکت کردن از شدت سرور  
 ریختن خون  
 رسانیدن - پیوند کردن

## « ب »

### معنی

عاقبت - در نتیجه  
 کهنه - فرسوده  
 محض - خالص  
 ابتدا - آغاز  
 جزئی از زمان  
 زمین پهناور - ساده - گشاده  
 ابلهان - نادانان  
 جنگل  
 جدایی - عدم اتحاد

انذار  
 انقسام  
 انقیاد  
 انهزام  
 انهماک  
 اوسع  
 اوعر  
 اهتزاز  
 اهراق  
 ایصال

### لغت

بالمآل  
 بالی  
 بحت  
 بدایت  
 برهه  
 بسیط  
 بلهائ  
 بیسه  
 بینونت

اقرار و اعتراف کردن  
 ترسانیدن  
 مورد تمسخر قرار دادن  
 بلندتر(ین)  
 پراکنده ساختن - آشکار کردن خبری  
 برگزیدگان  
 بت‌ها  
 بلندپایه و عالی گردیدن  
 قبول کردن و بعهده گرفتن - گردن نهادن  
 عزت و احترام - تکریم کردن  
 بالا بردن - بلند مرتبه نمودن  
 امتحان - آزمایش  
 بزرگ‌ترین  
 غروب کردن خورشید  
 برپاداشتن - راست کردن  
 پیروی کردن  
 همطرازان در علم و شجاعت و غیره  
 دورتر - دور  
 راست‌ترین - محکم‌ترین  
 تاج  
 درد و رنج  
 بسیار دردناک  
 فرمان بردن - اطاعت کردن  
 منیع‌تر(ین) - استوارتر(ین)  
 فتوحات - موفقیت‌ها  
 مخمود و افسرده شدن

اذعان  
 اِرعاب  
 استهزاء  
 اسنی  
 اشاعه  
 اصفیاء  
 اصنام  
 اعتلاء  
 اعتناق  
 اعزاز  
 اعلاء  
 افتتان  
 افخم  
 افول  
 اقامه  
 اقتدا  
 اقران  
 اقصی  
 اقوم  
 اکلیل  
 الم  
 الیم  
 امثال  
 امنع  
 انتصارات  
 انخمد

## « پ »

تَفَوَّقَ	برتری جستن
تَقْبِيحٌ	قبیح و زشت دانستن و خواندن - انتقاد کردن
تَقْلِيْبٌ	وارونه کردن
تَكْوِيْنٌ	احداث کردن - هستی
تَلَوَّنَ	تغییر کردن - رنگ به رنگ شدن
تَمَعَّنَ	فکر کردن
تَمَكَّنَ	مستقر شدن
تَمَكِّيْنٌ	پذیرفتن و اطاعت کردن
تَمْهِيْدٌ	تهیه کردن مقدمات
تَنْزِيْهٌ	پاک و منزّه ساختن
تَهْلِيْلٌ	لااله الاالله گفتن . نیایش خدا را کردن

### معنی

### لغت

حریر - ابریشم

پرند

## « ت »

تَأَلِيْفٌ	الفت دادن - چیزهای پراکنده را جمع کردن و بهم پیوستن
تَحْرِیْضٌ	تشویق کردن - برانگیختن
تَخْوِيْفٌ	ترسانیدن
تَذْلِيْلٌ	خوار و زیون کردن
تَرْغِيْبٌ	تشویق نمودن به انجام کاری - راغب کردن
تَرْكَاذِيٌّ	تاراج و کشتار مانند تاخت و تاز ترکان قدیم
تَسْبِيْحٌ	سبحانالله گفتن - نیایش و ذکر خدا نمودن
تَشْهِيْرٌ	آشکار نمودن - معروف نمودن
تَشْيِيْدٌ	بالا بردن دیوار یا ساختمان - استوار کردن
تَصَلَّبٌ	سخت شدن - سخت بودن
تَطْوِيْرٌ	تغییر
تَطْوِيْلٌ	سخن را طولانی کردن
تَعْزِيْرٌ	مجازات کردن - تأدیب کردن
تَفَرُّسٌ	دقت کردن - به مطلبی نظر نمودن و باطن آن را دریافتن

### معنی

### لغت

## « ث »

تَفَوَّقَ	لغت
تَقْبِيحٌ	ثدی
تَقْلِيْبٌ	ثمین
تَكْوِيْنٌ	
تَلَوَّنَ	
تَمَعَّنَ	
تَمَكَّنَ	
تَمَكِّيْنٌ	
تَمْهِيْدٌ	
تَنْزِيْهٌ	
تَهْلِيْلٌ	

### معنی

پستان  
نفیس و گران قیمت

## « ج »

تَفَوَّقَ	لغت
تَقْبِيحٌ	جحد
تَقْلِيْبٌ	
تَكْوِيْنٌ	
تَلَوَّنَ	
تَمَعَّنَ	
تَمَكَّنَ	
تَمَكِّيْنٌ	
تَمْهِيْدٌ	
تَنْزِيْهٌ	
تَهْلِيْلٌ	

### معنی

انکارکننده - کافر

## « خ »

<u>معنی</u>	<u>لغت</u>
خمیه - سراپرده	خباء
ظرف گلی - سُفال	خَزَف
پنهان شده - نهانی	خَفِيه
سواران	خَيْل

## « د »

<u>معنی</u>	<u>لغت</u>
مرواریدها	درر
اشکها	دُمُوع
پستی و حقارت	دُنُو
حیرت - اضطراب	دهشت
روزگارها	دُهُور
تاریکی - شب تاریک	دَیْجور

بنیان کن	جارف
کوشا	جاهد
بنیان کن	جَرَّار
مجروح	جریح
بزرگ - محکم - عظیم	جزیل
بزرگ - تنومند	جسیمه
صبور بودن در مصائب	جلادت
گروه بسیار - جمعیت کثیر	جَمَّ غفیر
قلب - روح	جنان
اعضاء بدن مخصوصاً دست و پا	جوارح
زره	جوشن
لشکرها	جیوش

## « ح »

<u>معنی</u>	<u>لغت</u>
ریسمان	حبل
تعالیم و دستورات	حدود
محرومیت - ناامیدی	حرمان
خوبان	حسان
بردباری - عفو	حِلْم
نیازها - احتیاجها	حوائج
مکان - عالم	حَیْز

« ذ »

لغت

معنی

ذُنُوبٌ

گناهان

« و »

لغت

معنی

رَأَى الْعَيْنَ

دیدن با چشم ظاهر

رَاقِبَهُ

عالی و بلندمرتبه - مترقی

رَحِيقٌ

شراب ناب

رِءَاءُ

بالاپوش - جبهه

رِزَايَاءُ

مصیبت‌های شدید

رِزِينٌ

محکم و متین

رِشْحَاتٌ

قطرات

رِصِينٌ

محکم و پابرجا

رِغْمٌ

ذلت و ذلیل شدن

رِمْسٌ

جسد

رِمَمٌ

استخوانهای پوسیده

رِئَانٌ

طنین‌انداز

رِهِيْبٌ

مخوف - ترسناک

رِيعَانٌ

بهترین موقع و موسم چیزی

« ز »

لغت

معنی

زَجَاجٌ

شیشه چراغ

زَخَّارٌ

پر موج و متلاطم (دریا)

زَخَّارِفٌ

مال و ثروت دنیا (مفرد: زُخْرُفٌ)

« ژ »

لغت

معنی

زَيَانٌ

خشم‌آلود - درنده

« س »

لغت

معنی

سَارِيٌّ

سیرکننده - جاری

سَاطِعٌ

تابان - درخشان

سَامِيَةٌ

عالی - بلندمرتبه

سَبْعُ طَبَاقٍ

هفت آسمان

سَخَاءٌ

جود - کرم - عطا و بخشش

سَخَطٌ

خشم

سَخِيفَةٌ

زشت و پست - بی‌مقدار

مختلف  
 مهربان - دلسوز  
 جمع - اجتماع  
 طبیعت‌ها - خوی‌ها

شتی  
 شفیع  
 شمل  
 شیم

## « ص »

### معنی

صبحگاهی  
 روشن رخسار - خوشرو  
 بهداشتی  
 کلمه‌ای برای دعوت عام و خواندن مردم  
 به صلیب زدن  
 آوازه - شهرت

### لغت

صبح  
 صبیح  
 صحی  
 صلا  
 صلب  
 صیت

## « ضی »

### معنی

زمین و خانه و ملک

### لغت

ضیاع

چراغها (جمع سراج)

دائمی

غلبه - ابهت

کتاب

مردم نادان - اشخاص ابله

آبیاری کردن

خلاف حقیقت و نادرست . بیمار

آب روان و گوارا

اسب زرد رنگ

مرغ آتشخوار

بلندی و ارتفاع - بلندی و علو مقام

سر نیزه

سالها

واردات قلبیه - الهامات

شلاق‌ها

تسلط - غلبه

## « ش »

### معنی

قانون‌گذار  
 بلند - عالی‌رتبه  
 جوانی  
 دشنام دادن

سرج

سرمدی

سطوت

سفر

سفهاء

سقاییت

سقیمه

سلسال

سمند

سمندر

سمو

سنان

سنوات

سنوحات

سیاط

سیطره

### لغت

شارع

شامخ

شباب

شتم

بوی پیراهن (اشاره به بوی پیراهن حضرت یوسف است)

عرف قمیص	عقاب	کیفر - عذاب
عقار	عقود	ملک - متاع
علو	علویت	عهدها
عنادل	عنان	عظمت - رفعت
عنوان		بزرگواری
		ببلان
		بلندی آسمان
		اول و موقع خوب هر امر

### « غ »

<u>معنی</u>	<u>لغت</u>
ارض - زمین	غبرا
بسیار بی وفا - جفاکار	غدار
روشن و نورانی - شریف	غرا
دقت و توجه عمیق - تعمق	غور

### « ف »

<u>معنی</u>	<u>لغت</u>
دسته - گروه	فئه

### « ط »

<u>معنی</u>	<u>لغت</u>
آثار اولیه	طلیعه

### « ظ »

<u>معنی</u>	<u>لغت</u>
معین - پشتیبان	ظهیر

### « ع »

<u>معنی</u>	<u>لغت</u>
مانع	عائق
فوری - زود	عاجل
پایتخت	عاصمه
ساکن - مقیم	عاکف
مرغوب و خوش آیند - نیکو و نفیس	عبقری
سرزنش کردن	عتاب
کهنه - قدیمی	عتیقه
گوارا - آب شیرین	عذب

قویم	محکم و متین - استوار
قیادت	رهبری
قَیمه	راست و درست - مبین حق از باطل

## « ک »

<u>لغت</u>	<u>معنی</u>
کاسر	درهم شکننده
کافل	ضمانت کننده - عهده دار امور یتیم یا نابالغ
کافور	ماده معطر سفید رنگ که از درخت کافور گرفته می شود در تشبیهات ادبی منظور خلوص و سفیدی است
کبریا	عظمت - جلال
کفاح	مقابله نمودن
کماینبغی	آنچنان که سزاوار است
کوثر	آب گوارا و شیرین
کوس	طبل
کید	مکر - فریب

## « ل »

<u>لغت</u>	<u>معنی</u>
لایطاق	تحمل ناپذیر

فائق	خاص - خوب و ممتاز
فارس	سوارکار
فاسق	بدکار
فاقه	فقر - حاجت
فخیم	عالیقدر و بزرگووار
فرتوت	بسیار پیر
فسحت	گشایش - فراخی
فم	دهان
فوز	نائل شدن - به مقصود رسیدن
فیاض	فیض بخش
فیضان	جاری گردیدن - باریدن

## « ق »

<u>لغت</u>	<u>معنی</u>
قائد	پیشوا - سردار
قاطبه	همه - تمام
قاهر	حاکم مطلق - توانا و مسلط
قُدوة	پیشوا - مورد تأسی و اقتداء
قدید	کهنه و ژنده
قریبیت	نزدیکی
قسطاس	میزان - وسیله سنجش
قنن	کوهها - قلّه کوهها
قواعد	پایهها



« م »

معنی

لغت

مأنوس - الفت گرفته	مألوف
فریب‌دهنده - خدعه‌گر	ماکر
آنچه فوق طاقت باشد - غیرقابل تحمل	مالایطاق
متضرع	مبتهل
دشمن - مخالف یکدیگر	متباغض
به جسم درآمده	متجسد
فراخ شده - وسعت یابنده	متسع
منشعب شونده	متفرع
پشت سرهم - پی‌درپی	متواتر
محل تجلی - ظاهر و آشکار	مجلی
آراسته - جمع شده و صف بسته	مجندة
پناه‌دهنده - فریادرس	مجیر
حتم شده - قطعی	محتوم
گرد هم جمع شده	محشور
حیران‌کننده عقلها	محبیرالعقول
زنده‌کننده	محبی
خوار و ذلیل	مخذول
جاودان	مخلد
حیرت‌انگیز - دهشت‌آور	مدهش

مرصوص	محکم - استوار
مرضی	پسندیده - مورد رضایت
مرعبه	خوفناک - ترساننده
مرعوب	ترسیده
مریب	شک‌کننده - ایجادکننده شک و تردید
مسامع	گوش‌ها
مستبشر	بشارت داده شده - خوشحال و پر بشارت
مستشهد	شهید فی سبیل‌الله
مستظل	در ظل و سایه چیزی
مستعجل	زودگذر
مستمد	یاری و مساعدت شده
مسجل	حکم شده و مقرر
مسکبه	مشک‌آلود - معطر
مسلوب	گرفته شده - ربوده شده
مسند	تکیه‌گاه - مقام و مرتبه و منزلت
مشاربالبنان	انگشت‌نما - کنایه از مشهور بودن است
مشروع	تأسیس یا اقدام مورد اراده - امور مفیده و مطابق شرع
مشکور	مورد سپاس
مشید	برافراشته و رفیع
مشیر	نصیحت‌کننده . بیان‌کننده صلاح و صواب
مصرح	واضح - آشکار
مضجع	بستر - خوابگاه
مطمح	مورد نظر - محل نظر
مطمور	پنهان در زیرزمین
مُعاضد	کمک‌کننده - مساعد

طریق واضح	مِنهَج	مراجع	معاهد
بوجود آورنده	موجد	ظالمان و ستمکاران	معتدین
بودیعه نهاده شده	مُودِع	در نهایت بلاغت	معجز
محل وقوف - موقعیت	موقف	رزمگاه	معرکه
دور افتاده	مهجور	مورد غبطه	مغبوط
شکست خورده	مَهزوم	فریب خورده	مغبون
گوارا و تهنیت گفته شده	مهنّا	کلیدها	مفاتیح
		اعمال پسندیده	مفاخر
		ناپسند - مورد طعنه و عیب	مقدوح
		نشسته	مقعود
		مغلوب - شکست خورده	مقهور
		مکرها - خُبثها	مکائد
		چیزهای مکروه و ناپسند - شدائد و سختیها	مکاره
		پناه - ملجاء	ملاذ
		کثیف و آلوده	مُلوث
		الهام شده	مُلهم
		مددکننده - یاری دهنده	ممد
		گسترده	مدود
		صفات حمیده	مناقب
		بدبو	مُنتنه
		عطیه	منحه
		داخل و درون و جزو دیگری شده	مندمج
		متحیر و سرگردان	مندهش
		عقل از سر پریده - غش کرده	مُنصَعق
		محو شده و از بین رفته - سپری	منطوی
		مایه فخر و مَباهات	منقبت

## « ن »

	<u>لغت</u>	<u>معنی</u>
	نابت	رویان
	ناجح	پیروزمند
	ناعق	فریادکننده
	نافه	کیسه مُشک ختن
	ناسوت	عالم امکان
	نباء عظیم	ذات اقدس مظهر الهی حضرت بهاءالله
	نَباض	متحرک
	نَسمة	نسیم
	نصب العین	منظور نظر - پیش چشم
	نطاق	دائره - حدود - کمر بند
	نعاق	صدای کلاغ
	نفثات	الهامات و القانات الهی
	نویا	مقاصد - نیات

© Bahá'í Publications Australia 2002  
First edition

ISBN 1 876322 13 6

Cover design  
Faizi Designs

Typesetting  
Shiva Dehghan

Bahá'í Publications Australia  
P.O. Box 300 Bundoora, Vic. 3083 Australia  
Phone (61-3) 9464 2002, Fax (61-3) 9464 3002

« و »

معنی

نامحدود  
شیفته و سرگشته از عشق  
اطمینان و اعتماد  
پست - حقیر

لغت

واسع  
واله  
وثوق  
وضیع

« ه »

معنی

وزیدن  
پرده دری و بی‌حرمتی نمودن  
خراب و ویران کردن - از بین بردن  
کلمات بیهوده و نامربوط یا نامفهوم گفتن  
اسم گیاهیست بسیار سمّی  
مبارک - فرخنده  
دریغا - در مقام حسرت و افسوس گفته می‌شود .

لغت

هبوب  
هتک  
هدم  
هذیان  
هلاهل  
همایون  
هیئات